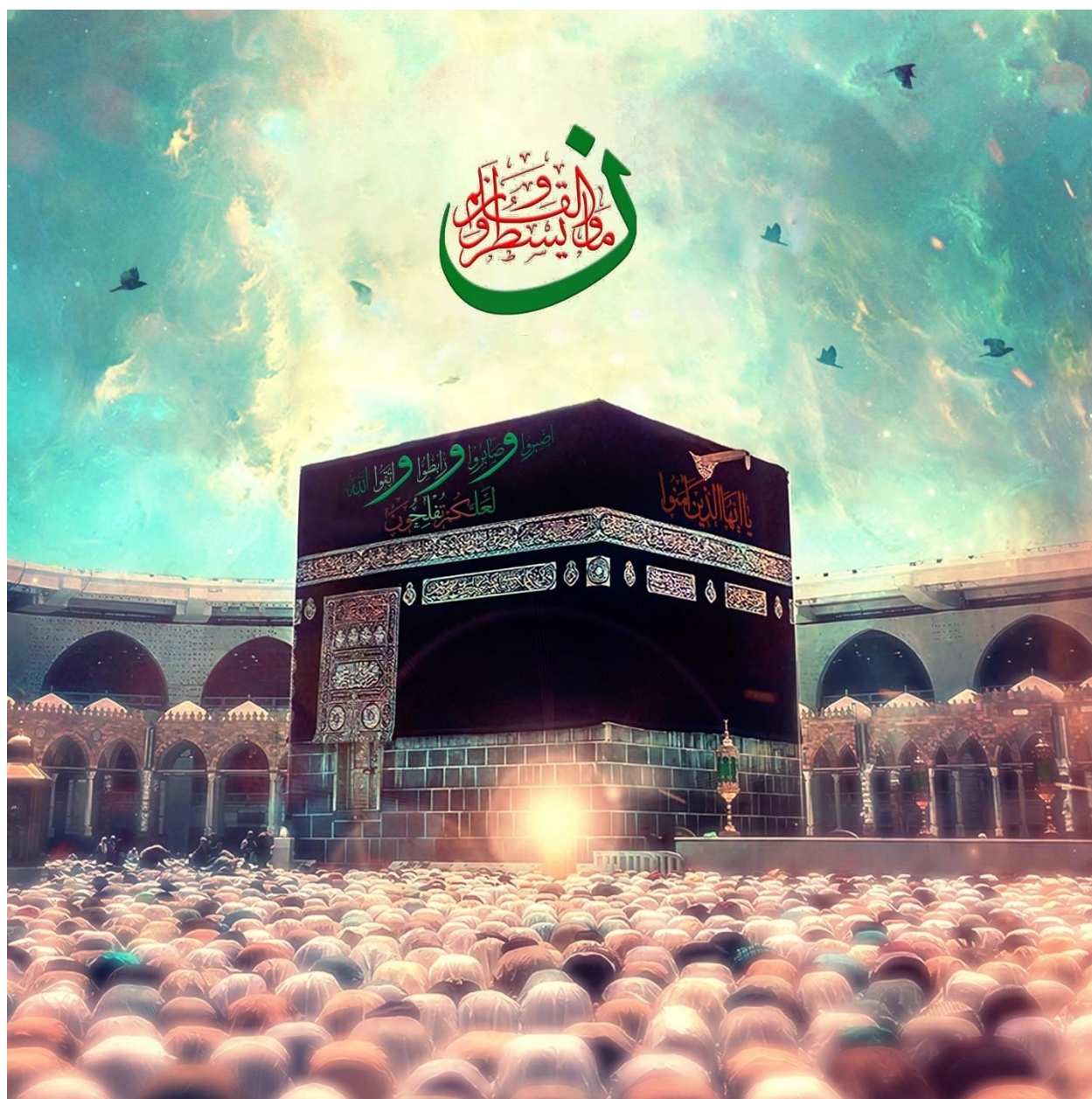


شعر سلوم اجتماعی



کاری از: سمیه افشار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست منشور علوم اجتماعی

پیش گفتار.....	۴
دفتر اول: نقشه علوم اجتماعی.....	۷
فاتحه دفتر اول.....	۱۰
مقدمه دفتر اول.....	۱۳
فصل اول: نقشه علوم اجتماعی.....	۱۶
فصل دوم: کارگروه‌های علوم اجتماعی.....	۲۴
فصل سوم: عرصه‌های اجتماعی.....	۳۶
فصل چهارم: روابط و تعاملات در عرصه‌های اجتماعی.....	۴۰
خاتمه دفتر اول.....	۴۳
ضمائم دفتر اول.....	۴۷
دفتر دوم: نظام اجرایی نقشه علوم اجتماعی.....	۶۱
مقدمه دفتر دوم.....	۶۳
فصل اول: تعیین عرصه.....	۶۴
فصل دوم: سطوح روابط و تعاملات در عرصه.....	۶۶
فصل سوم: ویژگی نیروها.....	۶۸
خاتمه دفتر دوم.....	۷۷
دفتر سوم: نظام آموزشی نقشه علوم اجتماعی.....	۷۹
مقدمه دفتر سوم.....	۸۱
دوره گوه‌ران.....	۸۳
دوره مشفقین.....	۸۷
دوره منفقین.....	۹۲
دوره منیبین.....	۱۰۰
ضمائم دفتر سوم.....	۱۰۸
دفتر چهارم: چشم‌اندازی برای افق‌های پیش‌رو.....	۱۱۶
خاتمه.....	۱۷۳



پیش‌گفتار^۱

منشور علوم اجتماعی متشکل از نقشه علوم اجتماعی، نظام اجرایی و نظام آموزشی، در آخر چشم‌اندازی برای افق‌های پیش‌رو است و درصدد نمایان کردن نقشه راه‌ عبدی است که در نهایت تذلل و تسلیم خالصانه در برابر خداوند و با قلبی سرشار از یقین، قصد دارد رهبری انسان‌ها را برعهده گرفته و با انذار، تعلیم و تذکر در حیطه تخصصی خود، اجتماعی را تشکیل داده و به سمت اُمت شدن رهنمون سازد.

چنین عبدی با توسل به رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم و مزین شدن به خُلُق عظیم باید بتواند در عرصه‌های اجتماعی و معرکه‌ها حقیقت‌جویان و موحدین عالم را با خود همراه کرده و در مقابل دشمنی جدی برای کافران و مشرکان به حساب آید. او با تدبیرگری اجتماعی باید بتواند با ادبیات متخصصین سخن گفته و با صراحت در اعتقادات توحیدی خود، موازین اصلی را تبیین کرده و با توسل به امام حسن مجتبی علیه السلام الگویی برای اطاعت از خدا در اوامر و نواهی بوده و آن را در عمل نشان دهد و در جمعی که تشکیل داده، ضمن حفاظت از آسیب‌های پیش‌رو، آن‌ها را در مسیر درست هدایت نماید و برای گسترش توحید درصدد ایجاد فضایی برای تبلیغ و آموزش موازین دینی و تبیین آن‌ها باشد و این‌چنین در حوزه علم و قدرت و زندگی‌بخشی، تجلی دهنده اسماء حیات خداوند گردد.

نظام اجرایی و آموزشی پیشنهادی، درصدد است مطابق با نقشه علوم اجتماعی به کمک عبد موحد آمده و با ارائه گام‌بندی‌ها، راهی برای سوق یافتن به کمال را نشان داده و از مواهبی که خداوند عطا نموده، پرده بردارد. عبد موحد متخصص با توسل به امام

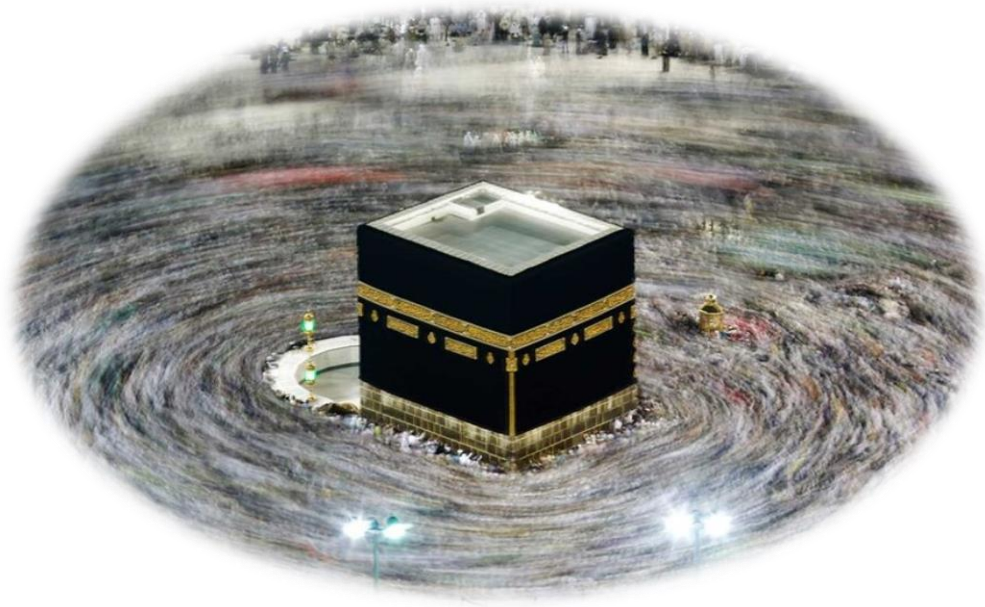
۱. جهت فهم بهتر مطالب، به کتاب «دوره‌های رشد تفکر اجتماعی: بلوغ عبودیتی، دوره بندگی و رهبری» اخوت، احمدرضا و کتاب «سیر شکوفایی اُمت»، اخوت، احمدرضا مراجعه کنید.



شهید اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌تواند با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی، الگویی برای به کمال رسیدن شده و جمع را هدایت کند تا به سمت مواهبی که خدا برایشان مقدر کرده، حرکت نمایند. او با دقت نظر و برنامه‌ریزی منظم خود، تجلی‌دهنده حُسن و هنر و محبت است و در نهایت با عنایت داشتن به باب العلم، امیرالمؤمنین علیه السلام و توسل به ایشان، احکام متناسب با عرصه خود را متناسب با زمان و مکان شناخته و جمع خود را با توحید ناب آشنا ساخته و به سمت اُمت شدن هدایت نماید.

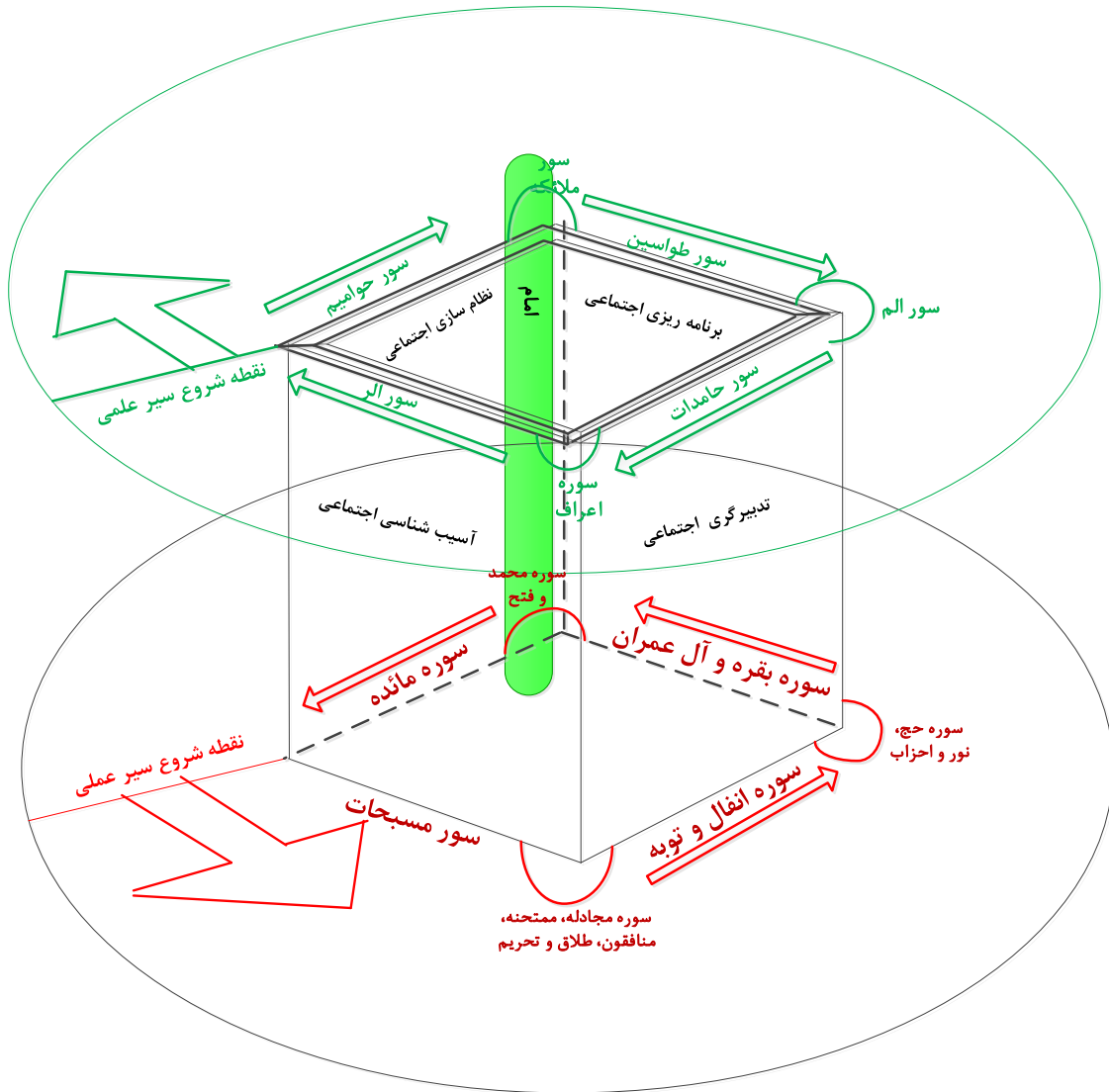
همه آنچه گفته شد محقق نمی‌گردد مگر با محوریت ظهور ولایت حجت ابن الحسن، امام زمان علیه السلام که مستمع جمیع توان‌ها و موارد در عصر و زمانه حاضر است و الگویی است برای حیات‌بخشی و حکمت‌افزایی و پیداکننده گم‌شدگان عالم و واسطه هر خیر و نزول هر برکت در هستی و آن نیز تنها از طریق مهمور شدن به مَهرِ رضایتِ صدیقه طاهره، حضرت زهرا سلام الله علیها محقق می‌شود که حجتی بر حجت بودن ائمه بر مخلوقین هستند.

متن پیش‌رو تلاشی است برای اجرایی کردن اعتقادات چنین عبدی و تلاش برای تشکیل جمعی موحد، که هر یک در عرصه تخصصی خود آن‌چنان ظرفیتی یافته‌اند که بتوانند با بهره‌مندی از وحی، از طرفی خود را به سرچشمه حقیقت متصل ساخته و از طرف دیگر آماده دریافت حقایق از طریق نزول انواع وحی شوند.



دفتر اول

نقد علوم اجتماعی



فهرست دفتر اول

فاتحه	۱۰
مقدمه	۱۳
فصل اول: نقشه علوم اجتماعی	۱۶
فصل دوم: کارگروه‌های علوم اجتماعی	۲۴
۱. کارگروه آسیب‌شناسی اجتماعی	۲۸
۱.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها	۲۹
۱.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها	۲۹
۲. کارگروه تدبیرگری اجتماعی	۳۰
۲.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها	۳۰
۲.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها	۳۱
۳. کارگروه برنامه‌ریزی اجتماعی	۳۱
۳.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها	۳۲
۳.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها	۳۳
۴. کارگروه نظام‌سازی اجتماعی	۳۴
۴.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها	۳۴
۴.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها	۳۴
فصل سوم: عرصه‌های اجتماعی	۳۶
فصل چهارم: روابط و تعاملات در عرصه‌های اجتماعی	۴۰
حقیقت ربط در هستی	۴۰
رابطه‌های اجتماعی	۴۱
انواع رابطه‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف	۴۱
خاتمه دفتر اول	۴۳
ضمائم دفتر اول	۴۷



فاتحه

✓ خداوند در خلق اولیه عالم، نور محمدیه صل الله علیه و آله و سلم را خلق و از نور ایشان در خلق ثانویه، دیگر موجودات و مخلوقات را خلق نمود.^۱

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص: ۲۰۹، رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَنِي وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الدُّنْيَا بِسَبْعَةِ آلَافِ عَامٍ قُلْتُ فَأَيْنَ كُنْتُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قَدَامَ الْعَرْشِ نَسِخَ اللَّهُ تَعَالَى وَنَحْمَدُهُ وَنُقَدِّسُهُ وَنُجَمِّدُهُ قُلْتُ عَلَى أَيِّ مِثَالٍ قَالَ أَشْبَاحِ نُورٍ حَتَّى إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَخْلُقَ صُورَنَا صَبَّرْنَا عَمُودَ نُورٍ ثُمَّ قَدَفْنَا فِي صُلْبِ آدَمَ ثُمَّ أَخْرَجْنَا إِلَى أَصْلَابِ الْأَبَاءِ وَأَرْحَامِ الْأُمَّهَاتِ وَ لَا يُصَيِّبُنَا نَجَسُ الشَّرْكِ وَ لَا سَفَاحُ الْكُفْرِ يَسْعُدُ بِنَا قَوْمٌ وَ يَشُقُّ [يَشُقُّ] بِنَا آخَرُونَ فَلَمَّا صَبَّرْنَا إِلَى صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَخْرَجَ ذَلِكَ النُّورَ فَشَقَّهُ نَصْفَيْنِ فَجَعَلَ نَصْفَهُ فِي عَبْدِ اللَّهِ وَ نَصْفَهُ فِي أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ أَخْرَجَ النُّصْفَ الَّذِي لِي إِلَى أَمْنَةَ وَ النُّصْفَ إِلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ فَأَخْرَجْتَنِي أَمْنَةَ وَ أَخْرَجْتَ فَاطِمَةَ عَلِيًّا ثُمَّ أَعَادَ عَزَّ وَجَلَّ الْعَمُودَ إِلَيَّ فَخَرَجْتَ مِنِّي فَاطِمَةَ ثُمَّ أَعَادَ عَزَّ وَجَلَّ الْعَمُودَ إِلَيَّ فَخَرَجَ مِنْهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ يَعْنِي مِنَ النُّصْفَيْنِ جَمِيعًا فَمَا كَانَ مِنْ نُورٍ عَلَيَّ فَصَارَ فِي وَ لِدِ الْحَسَنِ وَ مَا كَانَ مِنْ نُورِي صَارَ فِي وَ لِدِ الْحُسَيْنِ فَهُوَ يَنْتَقِلُ فِي اللَّائِمَةِ مِنْ وَ لِدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

و بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۵۴، ص: ۱۷۱: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي فَفَتَقَ مِنْهُ نُورَ عَلِيٍّ ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ وَ اللَّوْحَ وَ الشَّمْسَ وَ ضَوْءَ النَّهَارِ وَ نُورَ الْأَبْصَارِ وَ الْعُقُلِ وَ الْمَعْرِفَةَ الْخَبَرِ

و تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱، ص: ۳۵۹، عن أبي عبد الله - عليه السلام - قال: ان الله - تبارك و تعالی - كان و لا شیء. فخلق خمسة من نور جلاله. و لكل واحد منهم، اسما من اسمائه المنزلة: فهو الحمید و سمي محمدا - صلی الله علیه و آله - و هو الأعلى و سمي أمير المؤمنين، عليا - عليه السلام - و له الأسماء الحسنی، فاشتق منها حسنا و حسینا. و هو فاطر، فاشتق لفاطمة من اسمائه، اسما فلما خلقهم، جعلهم فی الميثاق. فأقامهم عن يمين العرش. و خلق الملائكة، من نور. فلما أن نظروا اليهم و عظموا أمرهم و ميثاقهم و شأنهم و لقنوا التسييح. فذلك قوله تعالی: وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ. وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ فلما خلق الله تعالی، آدم - صلوات الله و سلامه علیه - نظر اليهم، عن يمين العرش، فقال: يا رب! من هؤلاء؟ قال: يا آدم! هؤلاء صفوتي و خاصی. خلقتهم من نور جلالی. و شققت لهم، اسما من أسمائی.

قال: يا رب! فبحقك عليهم، علمني أسمائهم. قال: يا آدم! فهم عندك أمانة، سر من سرى. لا يطلع عليها غيرك، الا باذني. قال: نعم، يا رب. قال: يا آدم! أعطني على ذلك العهد. ثم علمه أسمائهم. ثم عرضهم على الملائكة. و لم يكن علمهم بأسمائهم. فقال: أُنَبِّئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ، إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. قالوا: سُبْحَانَكَ! لا عِلْمَ لَنَا، إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا. إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. قال: يا آدم! أُنَبِّئُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ. فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ، بِأَسْمَائِهِمْ، علمت الملائكة أنه مستودع. و أنه تفضل بالعلم. و أمروا بالسجود، إذ كانت سجدتهم لآدم، تفضيلا له و عبادة لله، إذ كان ذلك بحق له. فأبى إبليس الفاسق، عن أمر ربه. فقال: ما منعك أن لا تسجد، إذ أمرتك؟ قال: أنا خير منه. قال: فقد فضلتك عليك، حيث أقر بالفضل، للخمسة الذين لم أجعل لك عليهم سلطانا و لا من يشبههم. فذلك استثناء اللعين: إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ



- ✓ بنا بر دعای مشهور زیارت جامعه کبیره، ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مهبط الوحی، معدن الرحمه، خزان العلم، ... ائمه الهدی و مصابیح الدجی و ...^۲، جلودار و پیشوای انسان‌ها در بسترهای زمانی و مکانی هستند.
- ✓ این بسترهای زمانی و مکانی و رخدادها و اتفاقات هر چند نظیر به نظیر تکرار نمی‌شوند، اما به صورت متشابه قابلیت تکرارپذیری دارند.^۳
- ✓ لذا برای انجام هر عملی در هر بستری در هر زمان و مکان، باید به امام آن بستر و عصر رجوع داشت.
- ✓ امام حی، ولی عصر، حجه الله الاعظم ارواحنا فدا، به عنوان امام زمان و امام عصر و سکاندار امت توحیدی و تشکیل‌دهنده امت واحد توحیدی هستند که دین و شریعت را بازگردانده و قرآن را از مهجوریت خارج می‌نمایند، شوکت متجاوزان را در هم کوبیده و فسق و عصیان را نابود می‌کنند. با نابودی فاسقان و کافران و دشمنان، پرچم هدایت را می‌گسترانند.^۴
- ✓ لذا هر انسان مسلمان متعهد و پیرو و تابع رسول و امام معصوم باید علی‌رغم شناخت هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و بستر عملکردی ایشان، شرایط زمانه‌ی خود را شناخته، درصدد انجام عمل متناسب با آن بستر و برگرفته از آیات و روایات برآید.
- ✓ قرآن تبیان لکل شیء است^۵ و ائمه معصومین علیهم السلام ثقل دیگر آن^۶، لذا قرآن و روایت دو منبع جدانشدنی به عنوان روشن‌کننده و تبیین‌کننده مسیر در عرصه‌های زندگی می‌باشند.
- ✓ از آن‌جا که امام معصوم علیه السلام به عنوان قرآن ناطق است، بنابراین شناخت امام معصوم علیه السلام مستلزم شناخت قرآن می‌باشد.

قال: إنَّ عِبَادِي، لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ. وَ هُمُ الشَّيْعَةُ]. وَ قُلْنَا يَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ. وَ كَلَّا مِنْهَا رَعَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشُّجْرَةَ، فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (۳۵)

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۶۱۰: زیارت جامعه کبیره: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبَطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَانِ الْعِلْمِ وَ مُتَهَيِّ الْجِلْمِ وَ أَصُولِ الْكِرَمِ وَ قَادَةَ الْأَمَمِ وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَ عَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَ دَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَ سَاسَةَ الْعِبَادِ وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ وَ أَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَ أَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَ سَلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَ عَتْرَةَ خَيْرِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ التَّقَى وَ ذَوِي النَّهْيِ وَ أَوْلِي الْحِجَى وَ كَهْفِ الْوَرَى وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى وَ الدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَ حُجَّجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْأَوْلَى وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ.

۳. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۰: ... وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۱۴۰) کتاب «شیوه دستیابی به گزاره‌های یقینی»، اخوت، احمدرضا، قاسمی، مریم؛ مقدمه، ص: ۴

۴. زیارت امام زمان در روز جمعه و دعای ندبه.

۵. سوره مبارکه نحل، آیه ۸۹: وَ يَوْمَ نُبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرًا لِلْمُسْلِمِينَ

۶. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۳، ص: ۱۰۴ عن رسول الله ص نَصَا فَقَالَ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمْ لَنْ يَفْتَرِقُوا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ قَوْلُهُ صَ إِئِمَّا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا عَرِقَ وَ مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ وَ مَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ



- ✓ بنابراین هر انسان مسلمان و متعهد و تابع و شیعه‌ای باید علاوه بر شناخت عرصه‌ها و بسترهای زندگی و شناخت ویژگی‌های عملکردی اهل بیت علیهم السلام در بسترها، بتواند موضوعات آیات و سوره قرآن را متناسب با بسترها شناخته و راهکار عملی ارائه نماید.
- ✓ بنابراین برای زندگی موحدانه، هیچ راهی جز تدبّر در قرآن و روایات و شناخت اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد.
- ✓ چنانچه فردی بخواهد قرآن را در جامعه جاری نموده و در تشکیل امت واحده نقشی ایفا نماید و خود را از کشتی نجات امام آخرالزمان عجل الله تعالی فرجه خارج ننماید، چاره‌ای ندارد جز آن‌که برای خروج قرآن از مهجوریت و جاری کردن آن در جامعه اقدامی علمی و عملی نماید.
- ✓ لذا هر فرد مسلمان شیعه‌ای به اندازه وسع وجودی و ظرفیت و توان خود باید برای انجام و تحقق این مهم، برنامه‌ریزی کند.
- ✓ از آن‌جا که امام عصر ارواحنا فداه پس از ظهور اقدام به جاری کردن آیات الهی و سنت رسول الله صلّ الله علیه و آله و سلم و احیای دین در عرصه‌های مختلف اجتماع می‌کنند، چنانچه فردی متدبّر قرآنی، آگاه به شرایط عرصه‌ها و بسترها باشد، می‌تواند در آن زمان در هر سمت و نقشی به خوبی ایفای وظیفه نماید. ان شاء الله
- ✓ متن حاضر با توجه به آگاهی و علم محدود نویسنده و به منظور تسهیل و تسریع روند فوق در اجتماع تدوین یافته است.

و الله المستعان

مقدمه

- ✓ انسان موجودی بالطبع اجتماعی است.^۱
- ✓ هیچ شأنی از شئون انسان خارج از جمع و اجتماع معنا نمی‌یابد.
- ✓ انسان بدون زندگی اجتماعی قادر به ادامه حیات خویش نمی‌باشد.
- ✓ بنابراین چنانچه فردی بخواهد زندگی سالم و اسلامی و مطابق دستورات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام داشته باشد، ناگزیر به اصلاح جامعه است.
- ✓ چرا که جامعه ناسالم، ایجادکننده عرصه‌ها و بسترهای ناسالم خواهد بود و فرد نمی‌تواند در بستر و عرصه‌های آلوده و ناسالم، زندگی طیب و الهی داشته باشد.
- ✓ در نتیجه هر انسان مسلمان و شیعه‌ای لازم است علاوه بر تزکیه نفس، به تزکیه اجتماع خود در حد بضاعت و توان اقدام نماید.
- ✓ این مهم محقق نمی‌شود مگر با علم به موضوعات قرآن و تفصیل دادن آن‌ها در بسترهای زندگی.
- ✓ از آنجا که رسالت امام زمان ارواحنا فدا، جاری کردن قرآن در تمام عرصه‌های اجتماع است، برای آن که ایشان جلودار و امام جمعی خوانده شوند، لازم است ابتدا عدّه و جمعی وجود داشته باشند که با ایشان هم‌راه و هم‌مقصد و هم‌آهنگ باشند. در غیر این صورت معنای کلمه امام (جلودار و پیش‌رو) معنا نمی‌یابد.^۲
- ✓ برای آن که چنین جمعی تشکیل شود و امام در رسیدن به مقصد خود یاری گردد، تمام مسلمانان شیعه جهان باید در تشکیل جمعی هم‌آهنگ با مقصد الهی امام اهتمام ورزیده و تلاش خود را مبذول دارند.

۱. «تبيين عناصر ساختار وجودی جامعه»، اخوت، احمدرضا، ص: ۵

۲. بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۳، ص: ۲۲۶: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ يُؤْتَى وَ لَأ يَأْتِي.



✓ لذا لازم است این افراد، خود متدبّر قرآنی باشند و هم‌چنین تلاش کنند دیگران را به سمت تدبّر در قرآن سوق دهند. زیرا تدبّر به معنای عاقبت‌سنجی است و تدبّر در قرآن یعنی بتوان احکام دین و بایسته‌ها و آیات الهی را در زندگی جاری کرد.

✓ آن چه در ادامه می‌آید، بایسته‌ها و ضرورت‌ها و چگونگی تشکیل چنین جمعی، با هدف تدبّر در قرآن و ترویج و تبلیغ تدبّر در قرآن در اجتماع است.

ضرورت اول: تدبّر در قرآن

تدبّر به معنای توجه به غایات، نهایت‌ها، نتایج و علل امری است. به تعبیر دیگر، اندیشه و یا توجه به عاقبت چیزی و عاقبت‌نگری را تدبّر می‌گویند.^۳ و تدبّر در قرآن به معنای توجه به غرض‌هدایتی کلمات، آیات و سوره‌های قرآن از فهم تا عمل است.

ضرورت دوم: برنامه‌ریزی تدبّری

- هر فردی باید بتواند برنامه‌ای منظم و مستمر جهت تدبّر در قرآن و ارتقای سطح تدبّری خود تهیه و تدوین نماید. این برنامه باید قابلیت اجرا داشته باشد و فرد را دل‌سرد یا خسته ننماید.
- برنامه مستمر تنها راه موفقیت و رشد است.
- از آن‌جا که خواندن قرآن باید گره‌گشا باشد و صرف مطالعه‌ی سطحی کفایت نمی‌کند، فرد می‌تواند برنامه‌ای علمی- عملی برای خود طراحی نماید.
- برنامه علمی- عملی باید قابلیت خودارزیابی داشته باشد.
- معیار سیر درست و برنامه مؤثر، عمل به آیات و تغییر سبک زندگی فرد و ارتباطات اجتماعی اوست.

ضرورت سوم: تشکیل جمع

از آن‌جا که زندگی فردی، شأنی در منظر خداوند ندارد و انسان‌ها به یکدیگر وابسته هستند؛ و چنانچه پیش‌تر تبیین گردید، متدبّر قرآنی باید تلاش نماید قرآن را از مهجوریت خارج نماید؛ لذا برای تحقق این هدف باید برنامه‌ای داشته باشد.

۱. «تدبّر، چیستی، چرایی و چگونگی»؛ اخوت، احمدرضا، ص: ۴۹

۲. «تبیین عناصر ساختار وجودی جامعه»، اخوت، احمدرضا، ص: ۵؛ انسان خلیفه خدا در زمین است و باید صفات و اسماء الهی را از خود تجلی دهد و مظهر آن اسماء شود. زمینه تجلی اسماء، برخوردارگی از اسماء فعل الهی است، این اسماء برای بروز و تجلی در قالب فضایی غیر از فضای خود فرد تحقق می‌یابد. با این نگرش، انسان لازم است برای رسیدن به غایت خود و مقصد نهایی‌اش به بروزهای اجتماعی متناسب با صفات الهی دست یابد، چه این که دست یافتن به این بروز، لیاقت تجلی در مقام اسماء را برای انسان رقم می‌زند.



- این برنامه می‌تواند از جمع‌های خانوادگی یا دوستی تا جمع‌های تخصصی را شامل شود.
- آنچه مهم است تبیین، نشر و ترویج لزوم تدبّر در قرآن در بین آحاد جامعه است.
- هر فردی به اقتضای توان و نقشه راه و برنامه زندگی خود برای این امر برنامه‌ریزی می‌کند.

ضرورت چهارم: قرآن در بسترهای زندگی

برای آن‌که بتوان از آیات قرآن در عرصه‌ها و بسترهای زندگی استفاده کرد، باید به نظام مسائل هر عرصه آشنا بود و این مهم در سایه تدبّر در ادعیه امکان‌پذیر است.

- دعا به معنای خواندن خداست در شرایط اضطرارگونه بنده‌ای که در عرصه‌ها گرفتار مسائل و مشکلات می‌شود و راه چاره می‌جوید.
- ادعیه اهل بیت علیهم السلام کلاس درسی است که می‌توان نظام مسائل را از آن استخراج کرده و با تطبیق بر نظام موضوعات سوره‌ها، به جمع‌بندی و راه‌هایی دست یافت.
- لذا برنامه‌ریزی جهت ادامه سیر تدبّری و رسیدن به تدبّر در دعا، لازمه نشر قرآن در اجتماع است.



فصل اول

نقشه علوم اجتماعی

نعمت اَمّت شدن و اَمّت داشتن و به تبع آن امام شدن و امام داشتن، از مهم‌ترین نعمت‌های عطا شده به انسان است و اگر قدر آن دانسته نشود، زندگی انسان به کجراهه‌ها کشیده شده و امکان بهره‌مندی از ظرفیت‌های اجتماعی جهت شکل‌گیری اَمّت فراهم نمی‌شود. به واسطه جریان اَمّت شدن تحت لوای یک امام، فیض الهی نازل شده و جریانی از هدایت و ضلالت رقم می‌خورد لذا شرایطی برای استقرار اَمّت توحیدی مهیا می‌شود.^۱ در اثر استقرار اَمّت شاهد موارد زیر خواهیم بود:

- ◀ جماعتی با روحی واحد، دارای توان‌های مختلف ادراکی، عاطفی، رفتاری می‌شوند که متناسب با اقتضائات‌شان می‌توانند حوادثی را خلق کنند که سبب هدایت یا گمراهی آن‌ها شود.
- ◀ اَمّت در سیر تکامل طبیعی و فطری خود قرار می‌گیرد و روز به روز وضعیت متفاوت‌تری نسبت به قبل را به خود می‌گیرد تا اجل او سر آید.
- ◀ اَمّت می‌تواند با سایر اَمّت‌ها در ارتباط باشد. طبیعی است این ارتباط گاهی دوستانه و گاهی به دشمنی کشیده می‌شود.
- ◀ نظام امامت که اتمام نعمت الهی به آن وابسته است، محقق می‌گردد و در نتیجه تقابل جدی با ظلمت‌ها در مراتب مختلف به وقوع می‌پیوندد.^۲

۱. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب «شکل‌گیری اَمّت: نازل‌کننده رحمت، فضل و احسان»، اخوت، احمدرضا، مراجعه کنید.

۲. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب «استقرار اَمّت: نازل‌کننده رحمت، فضل و احسان»، اخوت، احمدرضا، مراجعه کنید.



پس از استقرار اُمت، سیر شکوفایی اُمت نیز جریان یافته و روز به روز به شکوه و مجد آن افزوده می‌شود. در نتیجه:

- ◀ به واسطه شکوفایی اُمت، نیازهای متنوع و متعددی برای انسان‌ها مطرح و امکان برآورده شدن آن‌ها نیز فراهم می‌گردد.
- ◀ استعدادها و توان‌هایی در اثر تنوع ظهور اُمت شکوفا می‌شود.
- ◀ امکان هدایت حداکثری را به همه مردم می‌دهد.
- ◀ گروهی در اثر توجه به علم، گروهی در اثر گرایش به هنر، گروهی در اثر تمایل به سازندگی، گروهی به واسطه عبادات و توجه ویژه به مناسک، گروهی در مواجهه با خدمات اجتماعی و ... به غایت و کمال خود رسیده و در واقع هر یک از این گروه‌ها در حکم اُمتی خواهند بود که متناسب با توانمندی‌های مختلف به ظهور می‌رسند.
- ◀ چنین امکانی تنها در صورت شکل‌گیری و استقرار اُمت و در اثر مجاهدت‌های مؤمنین در طول زمان محقق می‌شود.^۳

علوم اجتماعی^۴ در راستای تشکیل جمع‌های ربانی و اُمت توحیدی حول محور امام، می‌تواند با شناسایی ظرفیت‌ها از طریق گام‌های زیر، ظرفیت‌ها را ارتقاء داده و با ایجاد ظرفیت‌های جدید^۵ این هدف مهم را محقق نماید:

- آسیب‌شناسی اجتماعی با محوریت رفع موانع ظرفیت‌های اجتماعی برای شکل‌گیری اُمت
- تدبیرگری اجتماعی با محوریت تدبیر، تدبیر و تبیین برای استقرار اُمت
- برنامه‌ریزی اجتماعی با محوریت نظام ولایی^۶ برای شکوفایی اُمت
- نظام‌سازی اجتماعی با محوریت ولی برای رشد اُمت

۳. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به کتاب «سیر شکوفایی اُمت: نازل‌کننده رحمت، فضل و احسان»، ج ۱، اخوت، احمدرضا، مراجعه کنید.

۴. منظور از علوم اجتماعی، علمی است که در ساحت اجتماع معنا پیدا می‌کند.

۵. ظرفیت‌شناسی: شناخت توان تکلیفی (ظرفیتی) است که خداوند امر و نهی را برای انسان وضع کرده است) و توان بهره‌مندی انسان یا جامعه است. ظرفیت‌سازی: برای تداوم جریان اجرای بایسته‌های الهی، نیاز است در زمینه اصلاح نیازها که اقتضای اوامر و نواهی است و در زمینه ارتقای استطاعت افراد در زمینه فهم و عمل به دستورهای الهی اقداماتی را انجام داد که از آن به نام ظرفیت‌سازی یاد می‌کنیم.

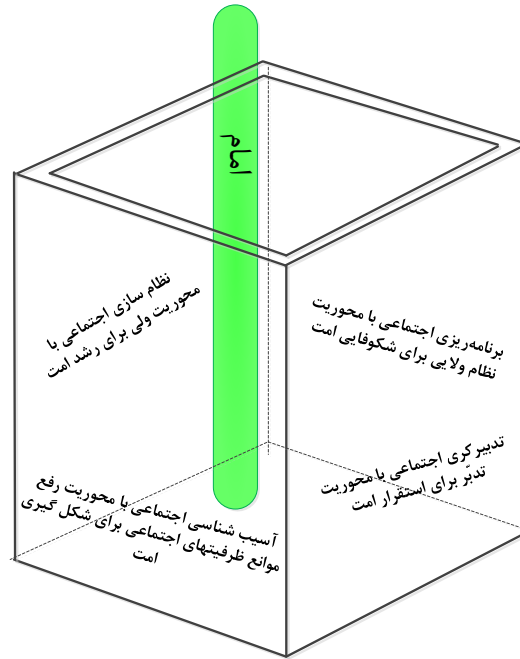
ارتقاء ظرفیت: ظرفیت بستر حقیقی است که قابل توسعه یا کاهش است و نمی‌تواند در یک وضعیت ثابت بماند.

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن، دفتر چهارم: نظام‌سازی» مراجعه شود.

۶. تدبیر، توجه به عاقبت یک امر یا موضوع و عاقبت‌نگری نام دارد و تدبیر (کتاب «العین» جلد ۸ ص ۳۴: نظر فی عواقب الامور) به معنای تنظیم و اداره امور در رساندن آن‌ها به عاقبتی است که برای آن امور قرار داده شده است (کتاب «تدبیر، چیستی، چرایی و چگونگی»، اخوت، احمدرضا، ص: ۴۷)

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب «تدبیر، چیستی، چرایی و چگونگی» مراجعه شود.

۷. برای مطالعه بیشتر در مورد نظام ولایی به کتاب «نظام‌شناسی ولایت» آقای احمدرضا اخوت و کتاب «ولایت فقیه» امام خمینی (ره) و کتاب «ولایت فقیه» آقای جواد آملی مراجعه شود.



شکل ۱- گام‌های تشکیل جمع‌های ربانی و امت توحیدی حول محور امام

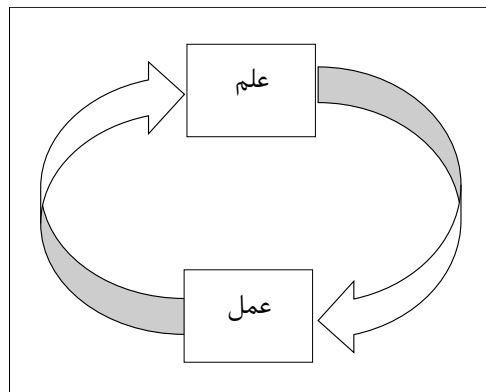
با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت:

- ✓ در مسیر تحقق این غایت، همه هستی نیز در این راستا هماهنگ شده و مختصات و ظرفیت عالم تغییر می‌نماید.
- ✓ نقشه عملیاتی تدبیر محور علوم اجتماعی، با محورهای ذکر شده به عنوان نقشه عملیات برای ظرفیت‌شناسی، ظرفیت‌سازی و ارتقای ظرفیت، تبیین و تفصیل شده است.
- ✓ در این عملیات‌ها لازم است هر عملیات‌کننده‌ای بتواند در مراتب طولی، حقایق و بسترهای عرضی، شناخت دقیقی از حدود و ثغور عرصه عملیاتی خود داشته باشد. بنابراین توجه به چرخه علم و عمل برای هر عملیات در عرصه‌های اجتماعی لازم است.^۸
- ✓ تدبیر در قرآن دارای دو بال علم و عمل است. از یک‌سو دانسته می‌شود و از سوی دیگر عمل می‌شود. عمل به قرآن در صورتی که به صورت همه‌جانبه مورد نظر باشد، نیازمند طرح و برنامه است.
- ✓ این برنامه‌ها باید قابلیت اجرایی شدن داشته باشند.
- ✓ عملیاتی‌سازی این حقایق، نباید در محدوده عمل به آموزه‌هایی از هم جدا و پراکنده باقی بماند.
- ✓ بنابراین در عمل به قرآن، نیازمند طراحی عملیاتی هستیم که در آن منظومه مشخصی از باورها و اعمال بر محور غرض و مقصدی معین قرار گرفته‌اند، به صورتی که امکان تحلیل برای بایسته‌های اقدام را در اختیار عمل‌کننده قرار می‌دهند.^۹

۸. منظور از عملیات تدبیر محور: اجرایی کردن سوره‌ها با ورود به صحنه‌های اجتماعی و فردی با اتکاء به موضوعات و مسائل مطرح شده در آن سوره‌ها است.

(کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: دفتر دوم: عملیات‌سازی»، اخوت، احمدرضا، ص: ۳۵۶)

۹. کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: دفتر دوم: عملیات‌سازی»، اخوت، احمدرضا، ص: ۳۵۵.



شکل ۲- چرخه علم و عمل

برای تحلیل فضای فرد و جامعه لازم است موضوعات مطرح در جامعه و مسائل مبتلا به، در این جامعه شناخته شوند. در این صورت، شناخت بسترها از یکدیگر و تمایز دادن آن‌ها بسیار حائز اهمیت است.

از آن‌جا که این نقشه، مبتنی بر عملیات‌های تدبّر محور طراحی شده است، تمام مراحل برگرفته از سوره و آیات قرآن و شفع دیگر آن، روایات اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

✓ اولین شرط در انتخاب سوره‌ها در سیر علمی و سیر عملی، مبتنی بر فضا و پس‌زمینه مشترکی است که این سوره‌ها دارند.

✓ در کلی‌ترین حالت ممکن این فضا و پس‌زمینه، در مکی و مدنی بودن سوره‌هاست.

✓ در مراجعه به قرآن لازم است با هماهنگی میان سوره‌های مکی و مدنی به شناسایی نیازها اقدام کرد.^{۱۰}

✓ محوریت در سور مکی، ابلاغ پیامبر اکرم درباره مردم و تبلیغ ایشان است. چنین امری صفت خاصی را بر اندازی بودن این سوره‌ها می‌افزاید. همچنین ایجاد آمادگی‌های روحی و جمعی برای برقراری حکومت دینی از خصوصیات دیگر فضای مکی سوره‌هاست.^{۱۱} سوره‌های مکی، به بیان حقایق و باورها می‌پردازد.

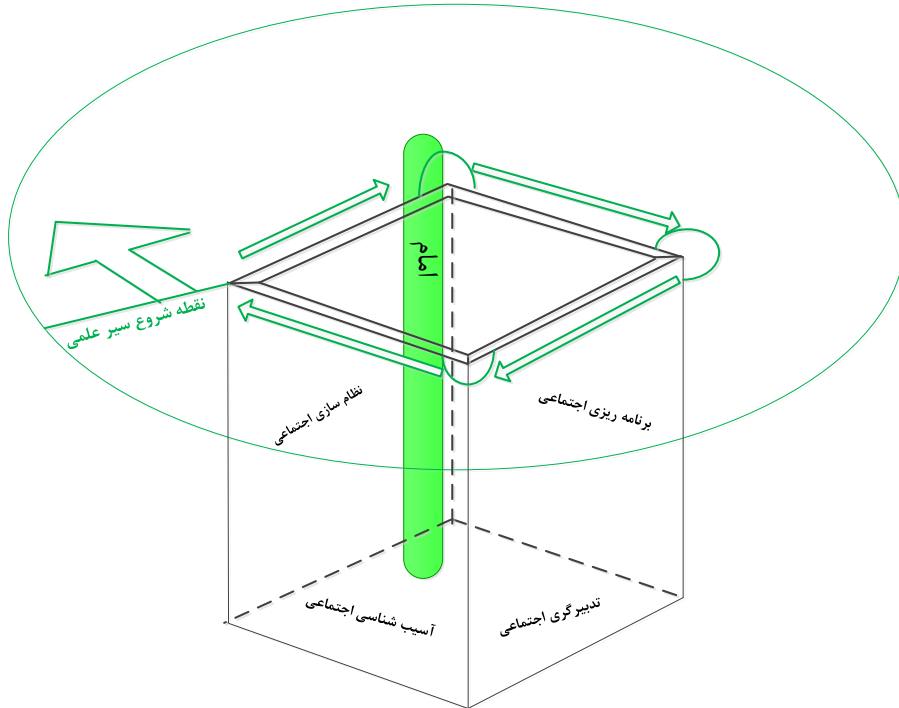
بنابراین به نظر می‌رسد در سیر علمی، لازم است برای هر فعالیت اجتماعی - فرهنگی؛ ابتدا چستی حکم مشخص شود سپس با گام‌بندی و برنامه‌ریزی، چرایی آن واضح گردد و جهت اجرایی شدن آن به سمت تبیین چگونگی اجرای آن حکم حرکت

۱۰. برای مطالعه بیشتر چرایی انتخاب سوره به کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: دفتر دوم: عملیات‌سازی»، اخوت، احمدرضا، صفحات ۵۱، ۲۲۸ و ۳۶۰ مراجعه شود.

۱۱. کتاب «روش‌های تدبّر سوره‌های مکی»، اخوت، احمدرضا، ص: ۲۰.



کنیم. در نتیجه بُعد علمی و رویکردی، از مسیر نظام‌سازی به برنامه‌ریزی، تدبیرگری و نهایتاً آسیب‌شناسی حرکت خواهیم کرد.

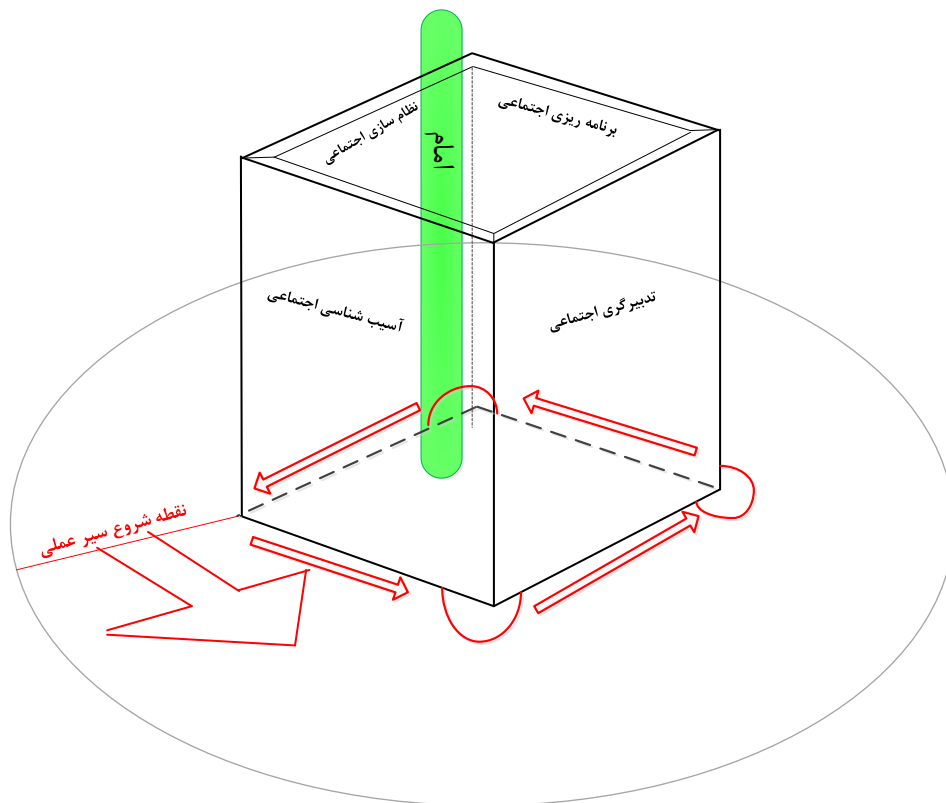


شکل ۳: سیر علمی - اعتقادی (سور مکی)

- ✓ سوره‌های مدنی که در ده سال عمر بی‌بدیل پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مدینه نازل شد، تجربه ده سال حاکمیت اسلام در مدینتی از نو پایه‌ریزی شده بود که با آن وعده تمام انبیاء در حاکمیت نظام توحیدی در عالم تحقق یافته و به یمن برکتش، حکومت جهانی بقیه‌الله ارواحنا فداء تشکیل خواهد شد.
- ✓ مطالعه دقیق این سوره‌ها می‌تواند ما را با این تجربه حکومتی و شیوه‌های اجرای حکومت دینی آشنا نماید.
- ✓ بر همین اساس سوره‌هایی که در فضای مدینه نازل شده، بیشتر به اجرای قوانین و احکام در سطح مردم پرداخته تا جامعه - چه در سطح جوامع کوچک و چه در سطح جهانی - از رحمت و فیضی عام برخوردار باشند و نظام توحیدی و توحید کلمه در سراسر هستی با اختیار و طوع جاری گردد.^{۱۲}
- ✓ در سوره‌های مدنی نوعاً با احکام جاری در اجتماع یا ملاحظاتی که لازم است توسط رسول و مؤمنین اجرا شود، مواجه هستیم.
- ✓ با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد لازم است برای هر فعالیت ابرازی و عملی در عرصه‌های مختلف اجتماعی از بررسی آسیب‌های اجتماعی شروع کرده و در انواع ابرازات به این وجه توجه نشان داد و سپس با

۱۲. کتاب «روش‌های تدبیر سوره‌های مدنی»، اخوت، احمدرضا، ص: ۱۹.

تدبیر امور به سمت برنامه‌ریزی اجتماعی در عمل و اجرا اهتمام ورزید تا نهایتاً حکم متناسب موضوعات و مسائل را در بستر مرتبط استخراج نماید.



شکل ۴- سیر اجرایی و عملی (سور مدنی)

✓ به این ترتیب محوریت غالب تمایزها در سوره‌های مکی «هست و نیست» و در سوره‌های مدنی «باید و نباید» است.

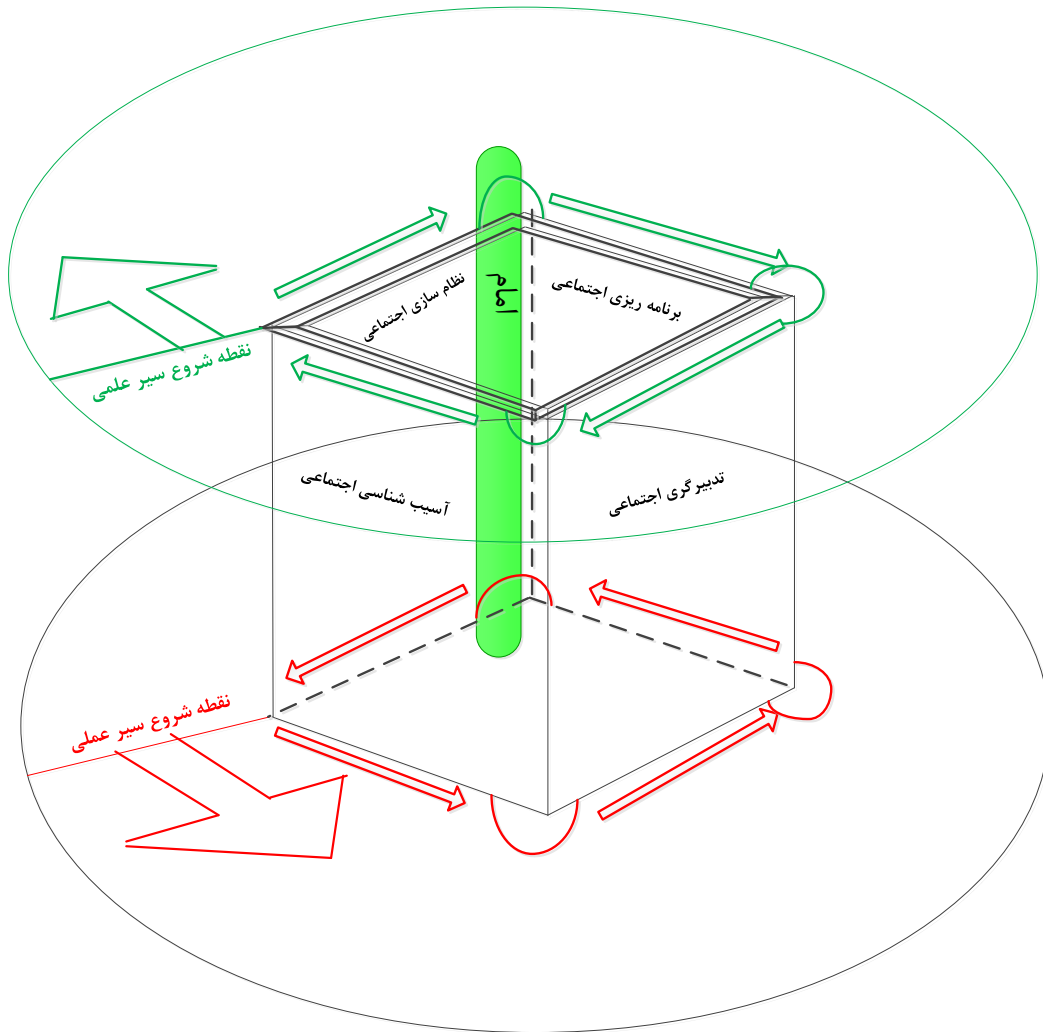
✓ نسخه‌هایی که برای اصلاح فرد و جامعه به کار می‌رود از فضای مکی آغاز و به فضای مدنی انتقال می‌یابد.

✓ فضاهای مکی، اصلاح را از ناحیه درونی انسان آغاز می‌کنند و در فضاهای مدنی، تمرکز بر اصلاح از ناحیه بیرونی انسان است.

✓ در انتخاب سوره‌های مدنی لازم است به این نکته توجه شود که سوره‌های مکی به عنوان پشتیبان سوره‌های مدنی در اقدام و عمل لازم است در نظر گرفته شوند.^{۱۳}

در ادامه، نقشه تلفیقی سیر علمی - اعتقادی و سیر عملی - اجرایی آمده است.

۱۳. کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: دفتر دوم: عملیات‌سازی»، اخوت، احمدرضا، ص: ۳۶۰.



شکل ۵- نقشه کعبه شامل سبیر علمی و سبیر عملی



عالم هستی، تمامی مظهر و جلوه اسماء الهی است که به واسطه رحمت عامه خداوند، هستی یافته و به واسطه آن، هستی خود را تداوم می‌بخشد. طبیعتاً هیچ شأنی از شئون عالم را نمی‌توان یافت که از تجلی اسماء جلال و اکرام خداوند تهی باشد. بدیهی است بدون شناخت اسماء الهی مرتبط با هر عرصه، امکان انجام عملیات وجود ندارد.^{۱۴} در شناخت اسماء الهی و بسترهای عرصه‌های عملیاتی لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

- ❖ توجه ویژه نسبت به امکان ایجاد بسترهای جدید و یا تغییر بسترهای عملیات
- ❖ توجه به کشف قواعد پدیده‌ها و موجودات در هستی
- ❖ شناسایی ظرفیت پدیده‌ها و موجودات
- ❖ ایجاد تغییر در ظرفیت پدیده‌ها

اگر عملیات‌کننده به بسترها، مراتب طولی نزول حقایق در آنها و تغییر بسترها توجه لازم را نداشته باشد، عملیات با شکست مواجه خواهد شد و تبعات آن متناسب با سطح عملیات بروز خواهد نمود.

بر حق بودن امام جمع‌ها و پذیرش ولایت چنین امامی، برای شکوفا کردن ظرفیت جمع‌ها در کل عالم لازم است.

با توجه به مطالب مطرح شده، عملیات‌ها در حوزه علوم اجتماعی، بر مدار ظرفیت‌سازی و ظرفیت‌شناسی و ارتقای آنها، حول محور امام شکل گرفته و شاهد ارتقاء ظرفیت‌ها و تجلی علم حقیقی در عالم خواهیم بود. ان شاء الله

۱۴. جهت مطالعه به کتاب «روش‌های تدبر بین سوره‌های مدنی»؛ نوشته احمدرضا اخوت مراجعه شود.



فصل دوم

کار گروه‌های علوم اجتماعی

به واسطه شکل‌گیری، استقرار و شکوفایی اُمّت، هویت جمعی انسان در سیر تکاملی قرار می‌گیرد، دوره‌های رشد را یکی پس از دیگری طی کرده و با طی هر دوره‌ای به مجد و شکوهی دست می‌یابد که می‌تواند هویت اجتماعی‌اش را شکوفا نماید. هویت جمعی همان توان و ظرفیت عطاشده‌ی خداوند به انسان است که به واسطه پیوند و ارتباط با دیگران به وجود می‌آید و تشخیص جدیدی به او داده می‌شود که بدون آن، این تشخیص را نمی‌یابد. دست‌یابی به انواع عمل صالح و خلق حوادث و رخدادهایی متناسب با مراتب رشد و نیز مراحل بلوغ از ویژگی‌های اصلی و اساسی هویت جمعی در حال رشد است.^۱

بنابراین برای تعیین ظرفیت انسان (انسان اجتماعی^۲) و ارتقای آن، موارد زیر باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد:

- هویت جمعی
- نیازهای مبنایی برای تشکیل جمع‌ها
- نحوه شکل‌گیری جمع‌های انسانی
- مقاصد و اهداف جمع‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب «شاکله جمع»، اخوت، احمدرضا، مراجعه شود.

۲. کمال هویت جمعی به شکل گرفتن وضعیتی در زندگی انسان اشاره دارد که در آن نوعی پیوستگی و هماهنگی در زندگی نوع مردم با انواع ارتباطاتی که با هم دارند رخ می‌دهد تا آن‌ها را با سهولت بیشتری به سمت عبودیت خدا سوق دهد.

از آنجا که علوم اجتماعی، عهده‌دار تنظیم ساختار و نظامی برای ظرفیت‌شناسی، ظرفیت‌سازی و ارتقاء آن بر مدار توحید است؛ بنابراین موارد فوق را بر مبنای جمع توحیدی و در راستای ابراز ظرفیت انسان بر مدار توحید بررسی و تنظیم می‌کند. در نتیجه برای تحقق جمع توحیدی و ربّانی با محوریت امام حق و در راستای اّمّت‌سازی توحیدی لازم است ناظر به سوره‌های قرآن، در هر دو سیر علمی و عملی، حرکت نماید؛ لذا برای تحقق این هدف ضروری است، یک دور تمام سوره‌های قرآن مورد بررسی قرار بگیرند.

در این راستا لازم است اقدامات زیر صورت پذیرد:

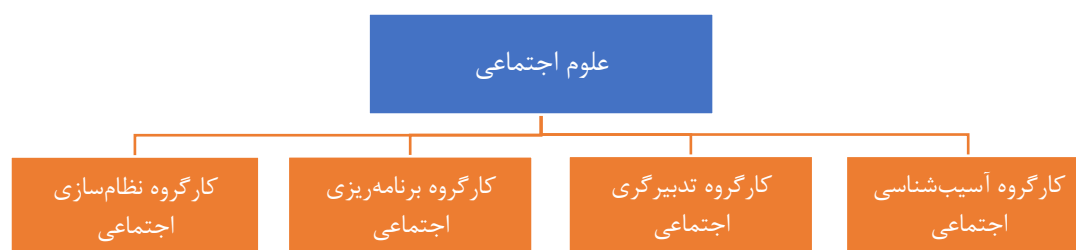
اول: مطالعه هویت جمعی موجود و شناخت هویت جمعی مطلوب موحد، به آسیب‌شناسی، پیش‌گیری و درمان آسیب‌های موجود در راستای شکل‌گیری جمع‌ها و حرکت‌های جمعی موحدانه می‌انجامد. تا با شناخت و رفع موانع و آسیب‌ها، شرایط و انگیزه لازم برای تشکیل چنین جمعی فراهم شود.

دوم: برای تحقق و استقرار جمع ربّانی موحد و اّمّت واحده توحیدی، انواع حرکت‌های اجتماعی و چگونگی حرکت‌های جمعی برای دستیابی به مقاصد را شناخته و چنین جمع و حرکتی را برای رسیدن به مقصد تدبیر نماید.

سوم: با شکوفایی و تثبیت جمع حول محور امام حق، برای تحقق مقاصد جمع ربّانی در راستای گسترش قسط و عدالت، حول محور امام و ولایت‌مداری در همه بسترها، برنامه‌ریزی کرده و جایگاه ولایت را در هر بستری تثبیت نماید به نحوی که همه جمع و نقش‌ها را حول آن سازماندهی کند.

چهارم: با نظام‌سازی اجتماعی، شرایط برای ارتقاء و تغییر ظرفیت‌ها در راستای ظهور اّمّت واحده توحیدی و تقویت و رشد این اّمّت را فراهم کند.

با توجه به اقدامات لازم برای تحقق جمع ربّانی (ظرفیت‌شناسی، ظرفیت‌سازی و ارتقاء ظرفیت‌های اجتماعی توحیدمحور) اقدامات علوم اجتماعی را می‌توان در قالب ۴ کارگروه با محوریت سوره‌های مرتبط به آن، به ترتیب زیر دسته‌بندی نمود.

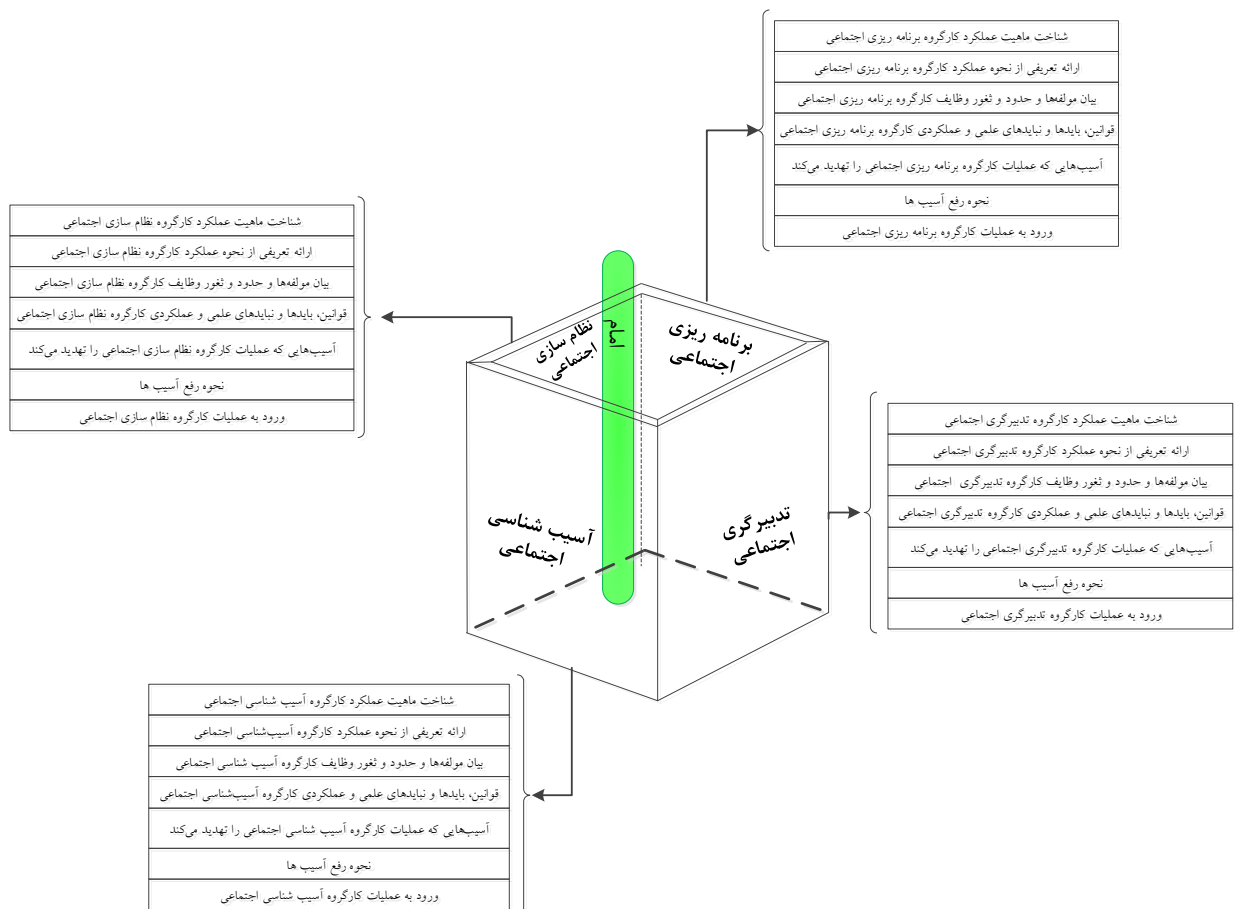


طبق آنچه بیان شد نقشه علوم اجتماعی، یک نقشه جامع است؛ لذا لازم است هر کدام از کارگروه‌ها برای خود یک آیین‌نامه علمی، پژوهشی، سازمانی و اجرایی داشته باشند.

بنظر می‌رسد در این راستا پاسخ به سوالات زیر راهگشاست:

۱. شناخت ماهیت عملکرد کارگروه (موضوع کارگروه چه چیزی هست و چه چیزی نیست)
۲. ارائه تعریفی از نحوه عملکرد کارگروه
۳. بیان مؤلفه‌ها و حدود و ثغور وظایف کارگروه
۴. قوانین، بایدها و نبایدهای علمی و عملکردی کارگروه
۵. آسیب‌هایی که عملیات کارگروه را تهدید می‌کند
۶. نحوه رفع آسیب‌ها
۷. ورود به عملیات کارگروه

این اقدامات به طور خلاصه در شکل شماره ۶ تفصیل داده شده است.



شکل ۶- کارگروه‌های علوم اجتماعی



برای افزایش کارایی و بهره‌وری، افراد کارگروه‌ها می‌توانند یک عرصه را انتخاب کرده و در مسیر دستیابی به تخصص باشند.

در ادامه به تعریف هر کارگروه و وجه ارتباط علمی و عملی آن با دیگر کارگروه‌های مرتبط مبتنی بر سوره‌های مکی و مدنی پرداخته می‌شود.

بدیهی است چنانچه پیش‌تر گفته شد، برای تشکیل اّمّت و دستیابی به اهداف ذکر شده، لازم است هر چهار کارگروه در تعامل با یکدیگر حول محور امام به فعالیت پردازند. در غیر این صورت نه تنها اهداف نقشه محقق نمی‌شود، بلکه فعالیت‌ها به بیراهه کشیده خواهد شد.

۱. کارگروه آسیب‌شناسی اجتماعی

خوب زیستن موضوعی است که در تمام برهه‌های زندگی انسان مطرح بوده و هست و در صورتی اتفاق می‌افتد که انواع تفکر در انسان از جمله تفکر عینی و اجتماعی‌اش شکوفا شود. اگر چنین تفکری که به نام مقدس تفکر ابرار نامیده می‌شود در جامعه نباشد، حرکت‌های اجتماعی براساس خواهش‌های نفسانی شکل خواهند گرفت و نتیجه آن تفرقه، اختلاف، استضعاف و ... می‌باشد. لذا طبیعی به نظر می‌رسد از مهم‌ترین وظایف علمی برای هدایت همه جانبه انسان، روشنگری در خصوص رفع موانع تفکر اجتماعی است، زیرا با وجود موانع، امکان تفکر اجتماعی وجود ندارد.

موانعی که انسان برای تفکر اجتماعی با آن درگیر است در محل‌هایی نمود پیدا می‌کند. کارگروه آسیب‌شناسی با بررسی انواع موانع و محل آسیب موانع در مؤلفه‌های تفکر اجتماعی بنا دارد ضمن ارائه تعریفی جامع از آسیب‌شناسی اجتماعی، درصدد رفع و درمان آسیب‌های اجتماعی برای ساماندهی حرکت‌ها و بروزات اجتماعی برآید.

سور مکی الر به بیان حقایق و باورها در بُعد علمی پرداخته و بیان‌کننده نقش آیات در زندگی فردی و اجتماعی انسان و نحوه چگونگی برخورد با آیات است. در این راستا به منشأ، اصل، جریان و نتایج نزول آیات و صفاتی که در اثر آن در عالم تجلی می‌یابد اشاره می‌کند. لذا ضمن بیان صفت بارز اولوالالباب که ثمره شناخت و رفتار مثبت نسبت به آیات است؛ به بیان ویژگی‌های شناختی و رفتاری مربوط به موضع‌گیران با وحی، کتاب و انبیاء و تبعات آن، می‌پردازد. بنابراین می‌توان گفت سور مکی الر، از منظر پرداختن به انواع آسیب‌های اعتقادی پایه و نحوه درمان آن قابل بررسی است.

همچنین سور مدنی مسبّحات، با بیان نحوه جاری کردن احکام الهی در جوامع و از منظر عملکردی، ضمن اینکه اسما الهی را دارای جایگاه بارز و آشکاری در محتوای سوره معرفی می‌کند؛ به صورت مشهودی در هر پنج سوره به آسیب‌هایی اشاره دارد که به صورت روزمره می‌تواند یک جامعه توحیدی را گرفتار کند.

در مجموعه این سوره‌ها، حالات مختلف آسیب‌های جدی جامعه توحیدی بررسی شده است. بنابراین وجوه مشترک سوره‌ها بر دو جنبه وجه اسما الهی به عنوان راه درمان و نجات، وجه انواع روش‌های مقابله با استمرار و استقرار حکومت جامعه ایمانی قرار می‌گیرد که با بررسی اسما الهی می‌توان خلاءهای فکری یک جامعه را بررسی کرده و برای درمان آسیب‌ها از اسما الهی مدد گرفت.

بدین ترتیب در کارگروه آسیب‌شناسی، می‌توانیم با بررسی سور مکی الر به قواعد و احکام شناسایی آسیب‌های اجتماعی و با بررسی سور مدنی مسبّحات به نحوه عملکرد درمانی آن‌ها دست پیدا کنیم.

برای پویایی کارگروه و عملکرد دقیق‌تر مبتنی بر نقشه جامع علوم اجتماعی؛ لازم است کارگروه آسیب‌شناسی از دو منظر با کارگروه تدبیرگری اجتماعی مرتبط شود. چرا که در وجه علمی لازم است از طریق مدیریت توان‌ها و امکانات اعضای کارگروه، مطالب تبیین و شرایط تدبیر شود. و برای ایجاد قابلیت ابراز و عمل باید بعد از شناخت آسیب‌ها، درصدد رفع آن‌ها برآمده و با تبیین مطالب و تدبیرگری، علاوه بر جلوگیری از ادامه آسیب، راهی برای بهبود و ارتقاء شرایط در نظر گرفته شود.



۱.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها

از وجه علمی، لازم است با بهره‌مندی از سوره اعراف؛ شناختی از تمایز میان زندگی انبیاء الهی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و آشنایی با سیر فرآیند رشد بشر به دست آورد و از طریق بررسی آیات مرتبط به عالم ذر با لایه باطنی، با زندگی انسان در دنیا و هستی آشنا شود.

در مجموع این نوع نگاه اعتقادی، از طرفی نیازمند تدبیر و تدبیر یا به اصطلاح تدبیرگری در عرصه‌های زندگی بوده و از طرفی با توجه به وجه استعاده‌ای سوره و آیات مرتبط با انحرافات دینی؛ باید به وجه آسیب‌های اجتماعی در بعد اعتقادی نیز توجه داشت.

بنابراین می‌توان گفت از بُعد علمی و اعتقادی حلقه واسط، گذر از مباحث تدبیرگری و ورود به مطالب آسیب‌شناسانه در عرصه اجتماع، نیازمند نگاه تدبیری به سوره مبارکه اعراف است.

۲.۱. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها

از طرفی دیگر جهت اجرایی کردن این مطالب نیاز به مباحث تدبیری در سوره‌هایی است که بتواند حلقه واسطه‌ای میان کارگروه آسیب‌شناسی و تدبیرگری اجتماعی در وجه عملکردی باشد.

به‌هم‌پیوستگی سور مسبحات با پنج سوره دیگر (سور مبارکه مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم) نشان از ارتباط و گذر از آسیب‌شناسی به سمت رفع آسیب و ارائه راهکارهای اجتماعی دارد.

سوره مبارکه حدید، مطرح‌کننده مباحث اقتصادی و تعیین معاش زندگی به عنوان شاخصه‌های ایمان است.

سور مبارکه تغابن، تحریم و طلاق، سور خانواده هستند.

سور مبارکه منافقون، جمعه و صف، سیاسی هستند.

سور مبارکه ممتحنه و حشر به سیاست خارجی اشاره دارند.

سور مبارکه حدید و مجادله، سوره ایمان در بسترهای اجتماعی هستند.

در مجموع، پنج موضوع محوری در این سوره‌های مدنی به وجود می‌آورد که شبیه به ارکان جامعه مدنی است.

سور مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم از جهتی آسیب‌های جامعه مدنی را بیان کرده و از جهتی دیگر به ارکان جامعه مدنی توجه نموده و با بیان تحلیل اجتماعی، تبیین‌گر ارکان جامعه مدنی است.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد علاقه‌مندان به مباحث آسیب‌شناسی اجتماعی لازم است علاوه بر مطالعه آسیب‌های اجتماعی، به راه‌های رفع آسیب از طریق تبیین و تحلیل شرایط و آسیب‌های ایجاد شده نیز بپردازند.



بدیهی است این مسیر به غیر از تدبّر در سوره‌های قرآن کریم حاصل نمی‌شود. لازم است اعضای کارگروه برای دقیق‌تر و تفصیلی شدن فعالیت خود در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبّر نمایند.

۲. کارگروه تدبیرگری اجتماعی

انسان در شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی خود برای برطرف شدن موانع و مشکلات به سوی کسی گام برمی‌دارد که او را نسبت به شئون مختلف زندگی توانمند بداند.

بنابراین برای برطرف کردن نیازها و خواسته‌های خود و احياناً دیگران به فکر چاره‌اندیشی و چاره‌جویی افتاده، سعی می‌کند امکانات و نعمت‌ها را به گونه‌ای تنظیم کند که با کمترین هزینه، بیشترین اثر را ببیند. این تنظیم و چینش که حاکی از نیروی مدیریتی انسان است، تدبیر نامیده می‌شود. در نتیجه، تدبیر به معنای مدیریت توانی است که خداوند به او و جامعه عطا کرده تا با این مدیریت فرد امکانات و نیروهای خود را با وجود آن که مالک ذات و اثر خود نیست، به سمت خواست و رضایت الهی سوق دهد و از این رهگذر، ناگزیر یکی از دو عاقبت نیکو و احسن یا ناگوار و توأم با سختی را برای خود و جامعه رقم زند.

بنابراین انسان با توان رجوع به عالمی دانا و توانا، تصمیم و عمل خود را به سمت عاقبت در نظر گرفته شده سوق داده، مدیریت عبودیت آگاهانه را انتخاب می‌کند و با اطاعت و تبعیت از انبیاء، خود را در راستای تدبیر مدبّر هستی قرار می‌دهد و با درک درست از حقایق هستی در مسیر رشد و هدایت قرار می‌گیرد.^۳

می‌توان گفت برای تفصیلی کردن وظایف چنین فردی، ضمن شناخت نعمت‌های الهی و امکاناتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده، لازم است انواع بهره‌مندی از نعمت‌ها و امکانات را شناخته و با توجه به احسن عمل که همانا انجام بهترین اعمال در شرایط مختلف اجتماعی است، به تبیین موقعیت‌های ابراز، تأثیر عوامل مؤثر و موانع انجام عمل صالح پردازد. در نهایت انسان می‌تواند با توجه به توان انجام عمل صالح، اثر تدبیر امور را در توسعه وجودی خود به سمت ملائکه‌آفرینی مشاهده کند.

مجموعه این مطالب را می‌توان در سور مکی مبارکه حامدات (حمد، انعام، کهف، سبأ، فاطر) مشاهده کرد و با تغییر و یا اصلاح بُعد اعتقادی مبتنی بر ساختار این سور مبارکه، توان تدبیرگری علمی خود را ارتقاء داد.

۱.۲. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها

در نقشه علوم اجتماعی، این کارگروه از وجه علمی با کارگروه برنامه‌ریزی و کارگروه آسیب‌شناسی مرتبط است. چرا که پس از تبیین گام‌بندی‌های حکمی که باید اجرا شود، زمان آن می‌رسد که تدبیرهای لحاظ شده را بتوان به مرحله ابراز

۳. برای مطالعه بیشتر به کتاب «تقدیر و تدبیر: مبانی برنامه‌ریزی در زندگی»، اخوت، احمدرضا، مراجعه شود.



نزدیک کرد. بنابراین به نظر می‌رسد سور مبارکه الم، حلقه واسط مناسبی برای ورود به کارگروه تبیین‌گری اجتماعی از وجه علمی است. این دسته سور با بیان لزوم پایداری و استقامت در ارائه مؤلفه‌ها تا رسیدن به پیروزی، به لزوم برنامه مشخص برای موحد شدن، اشاره کرده و ساختاری آموزشی و اخلاقی را تبیین می‌نماید که قابلیت توسعه در سطح اجتماع را داشته باشد.

از طرف دیگر، سوره مبارکه اعراف از بُعد علمی و اعتقادی حلقه واسط گذر از مباحث تدبیرگری و ورود به مطالب آسیب‌شناسانه است. این سوره با بیان سیر زندگی انبیاء الهی و بررسی آیات مرتبط به عالم ذر و ارتباط آن با زندگی انسان، و همچنین وجه استعاده‌ای سوره و آیات مرتبط با انحرافات دینی و به عنوان حلقه اتصال سور حامدات به سور آسیب‌شناسانه‌ی الر، می‌باشد.

۲.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها

از وجه عملی و ابرازی کارگروه تدبیرگری اجتماعی هم‌چنان با دو کارگروه آسیب‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی در ارتباط است. زیرا پس از ابراز آنچه باید انجام گیرد و تبیین آن برای مخاطب و تدبیرگری برای نحوه اجرا، زمان آن می‌رسد که در عمل، گام‌بندی‌ها اجرایی شوند. سور مبارکه مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم، حلقه واسط مناسبی برای گذر از کارگروه آسیب‌شناسی به سمت تدبیرگری اجتماعی است و در ادامه با تبیین مطالب، از طریق سور حج، نور و احزاب که نشان‌دهنده حرکت‌های منسک‌گونه اجتماعی انبیاء و جاری کردن احکام و حدود الهی در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی (خانواده) هستند؛ می‌توان وارد کارگروه برنامه‌ریزی شد.

لازم است اعضای کارگروه برای دقیق‌تر و تفصیلی شدن فعالیت خود، در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبیر نمایند.

۳. کارگروه برنامه‌ریزی اجتماعی

نظم عبارت است از ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن عمل اختیاری و برنامه‌ریزی به معنای نظم دادن و مرتب کردن اعمال در بازه زمانی و در نظر گرفتن موقعیت‌های متعدد است. البته باید در نظر داشت برنامه‌ریزی اجتماعی، برنامه‌ریزی برای یک اجتماع است نه برنامه‌ریزی برای فرد به حیثیت اجتماعی او. لذا تقویت رفتارهای اجتماعی و نفوذپذیری بیشتر این رفتارها در این میان مهم است.^۴

از آنجا که سور مکی طواسین، به تحریض و تشویق مردم برای رسیدن به مرحله تثبیت ایمان در حوزه فردی و اجتماعی تأکید دارند و همچنین میل و اراده انسان‌ها را به تلاش علمی و عملی برای برقراری نظام ایمانی در عالم به نحوی برمی-

۴. برای مطالعه بیشتر به کتاب «نظم و برنامه‌ریزی در مراحل زندگی»، اخوت، احمدرضا، مراجعه شود.



انگیزاند که انسان بتواند با گام‌بندی و برنامه‌ریزی صحیح تمام وجود خود را تحت ولایت انبیاء الهی و به تبع اهل بیت علیهم السلام قرار دهد لذا انتخاب این سور مبارکه، از وجه رویکرد و اعتقادی جهت بررسی ابعاد برنامه‌ریزی اجتماعی مناسب به نظر می‌رسد.

در سیر ابرازی و عملی برنامه‌ریزی اجتماعی، باید از سوری مدد گرفت که به بحث ولایت‌پذیری در جامعه مدنی پرداخته و قابلیت تدبیر امور و نظم و برنامه‌ریزی اجتماعی در سطح کلان جامعه را مورد توجه قرار دهند.

سوره مبارکه بقره با طرح مباحث نظام ولایی و امام حق و امام کفر به مباحث اصلاح و افساد و نحوه برنامه‌ریزی اجتماعی می‌پردازد و سوره آل عمران با تمرکز بر مبحث تهلیل و لا اله الا الله، نحوه و نظام تبدیل شدن به یک امت را شرح می‌دهد. بنابراین بحث ولایت‌پذیری و برنامه‌ریزی اجتماعی در جامعه مدنی از مجموع این دو سوره قابل پیگیری است. با توجه به این نکته کلیدی باید خاطر نشان کرد در برنامه‌ریزی اجتماعی، جهت تقویت رفتارهای اجتماعی و نفوذپذیری آن در اجتماع طبق ضوابط و زمان‌بندی می‌توان از دو وجه تدبیرگری و نظام‌سازی اجتماعی، از این دو سوره مدد گرفت.

علاوه بر مطالب فوق، در ادامه به نوع ارتباط این کارگروه با دو کارگروه «تدبیرگری اجتماعی» و «نظام‌سازی اجتماعی» اشاره می‌کنیم.

۱.۳. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها

کارگروه برنامه‌ریزی از وجه علمی و رویکردی، حکم اصلی گام‌های برنامه‌های منظم خود را از وجه نظام‌سازی اجتماعی دریافت می‌کند. بدین معنی که تا حکمی صادر نگردد نمی‌توان برای اجرایی کردن آن اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی کرد. بنابراین وجه اتصال این کارگروه، به کارگروه نظام‌سازی در وجه اعتقادی، سوری هستند که باب اتصال به غیب و بهره‌مندی از نظام ملکوت و احکام الهی در مقدرات زندگی را باز می‌کنند.

به نظر می‌رسد سور مبارکه‌ای که با قسم به ملائکه آغاز می‌شوند از این وجه مناسب باشند. چرا که این چهار سوره (صافات، مرسلات، نازعات، زاریات) پرده از حقیقتی برمی‌دارند که کمتر در نوع جهان‌بینی و رویکرد اعتقادی انسان دیده شده است؛ و آن تأثیر نظام ملائکه و غیب بر ظرفیت‌سازی انسان از طریق نزول رزق‌های مختلف و ارتقاء ظرفیت بشر از طریق ایجاد تغییر در سبک زندگی و پذیرش حق، و ممارست و پیروی از رسولان الهی در حاکمیت توحید است.

بنابراین می‌توان گفت مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی جهت حاکمیت ساختارها و نظامات توحیدی را می‌توان به مدد قسم‌های این سور شناسایی کرد.

این کارگروه در ادامه روند رویکردی و علمی خود باید بتواند گام‌بندی‌های برنامه‌ریزی شده را به خوبی تبیین و در سطح اجتماع تدبیر کند. لذا از این منظر نیاز به سوری دارد که بتواند با بیان لزوم پایداری و استقامت در ارائه مؤلفه‌ها تا رسیدن به پیروزی، به لزوم برنامه مشخص برای موحد شدن اشاره کرده و ساختاری آموزشی و اخلاقی را تبیین نماید که قابلیت



توسعه در سطح اجتماع را داشته باشد. و بتواند به برنامه‌ریزی اجتماعی کمک نماید که در نهایت، آن‌چنان نفس خود را تذهیب و تزکیه کند که به دور از هوای نفس آماده‌ی تدبیرگری اجتماعی از راه تدبیر در قرآن شود.

سور مبارکه مکیّ الم به خوبی این موارد را در خود داشته و می‌تواند از وجه علمی حلقه اتصالی باشند که گام‌های برنامه‌ریزی شده قابلیت تدبیرگری پیدا کنند.

۲.۳. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها

در بُعد ابرازی و عملی این کارگروه با کارگروه تدبیرگری اجتماعی از وجهی در ارتباط است که افراد کارگروه باید بتوانند مطالب اجرایی تبیین شده را با مؤلفه‌ها و زمان‌بندی مشخص به نتیجه برسانند. و در نهایت بتوانند مسیر را به سمت حکمی که قابلیت اجرا در سطح جامعه را داشته باشد، هدایت نمایند.

سور مبارکه حج، نور و احزاب با تبیین گام‌های مختلف سیر منظم و مرتبط حرکت اجتماعی از جاری شدن احکام خداوند در عرصه‌های مختلف اجتماعی در قالب اعمال منسک‌گونه و در ادامه لزوم رعایت شأن رسول، مباحث خود را شروع کرده و نهایتاً به برپایی مناسک و امت‌سازی در جامعه مدنی از طریق رعایت قواعد و حدود الهی در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و در ابتدایی‌ترین روابط اجتماعی اشاره می‌کند. لذا می‌توان این سور مبارکه را به عنوان مدخل ورود حرکت عملی از کارگروه تدبیرگری به سمت برنامه‌ریزی، مورد تدبیر قرار داد.

کارگروه برنامه‌ریزی پس از فهم تبیین‌های اجتماعی در حیطه موضوعات مختلف در عرصه‌های اجتماعی، و ارائه مؤلفه‌ها و گام‌های اجرایی؛ باید بتواند از طریق حلقه واسطه به سمت نظام‌سازی اجتماعی حرکت کند. در واقع نیاز به راه و روشی است که علاوه بر معرفی اعمال و اصول، مواجهه‌ها و رفتارهای اجتماعی را نظم داده و برای اجرایی شدن آن به نحوی برنامه‌ریزی کند که به احکام آن دسترسی یابد.

سور مبارکه محمد، فتح و حجرات، سیر منسجمی از ابراز موضع‌گیرانه متناسب با شرایط اجتماعی، نسبت به احکام الهی و خنثی نبودن نسبت به آن و سپس پیروزی مسلمانان به دلیل پیروی از دستورات خدا و رسول را بیان داشته و در آخر به نحوه اطاعت و ادب اجتماعی نسبت به پیشوای اسلام برای ادامه فتح‌های مختلف در عرصه‌های کارزار اجتماعی اشاره می‌کند.

بنابراین با بیان روند بسیار دقیقی، ابتدا با ارائه دسته‌بندی کلی به ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن عمل اختیاری انسان در جامعه (اعم از ایمان آوردن به احکام و دستورات الهی تا ایجاد نفاق و یا کافر شدن به آن)، اعمال و اصولی را معرفی کرده و سپس احکام دقیق مواجهه‌ها و رفتارهای اجتماعی را معرفی می‌کند.

لازم است اعضای کارگروه برای دقیق‌تر و تفصیلی شدن فعالیت خود، در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبیر نمایند.



۴. کارگروه نظام‌سازی اجتماعی

نظام‌سازی به معنای انجام کارهایی است که عرصه و بستر را در راه پیاده‌سازی امر الهی به سمت تکامل پیش می‌برد. بنابراین می‌توان گفت نظام‌سازی به معنای ایجاد ساختار و سازوکارهایی برای هم‌راستایی فراگیر، همه‌جانبه و مداوم با اوامر الهی است.

با توجه به این تعریف، لازم است اعضای این کارگروه علاوه بر توان ایجاد ساختار بتوانند حکم خداوند را متناسب با هر موضوع از سور مربوطه استخراج کنند.

سور مبارکه حوامیم با علوی که دارند کرامت‌زا بوده و قوت علمی را در فرد بالا می‌برند چرا که عظمت و شکوه بعد علمی آن حکایت از یک نظام و ساختار منظم در عالم دارد.

از وجه عملکردی نیز اعضای این کارگروه باید بتوانند متناسب گام‌بندی‌های تدبیر شده حکم متناسب با نظام مسائل در بسترهای اجتماعی را بشناسند.

سوره مائده با طرح نظام ولایت و امامت، توضیح می‌دهد که اگر انسان‌ها در ساختار زندگی‌شان به سمت ولایت بروند؛ برای اجرایی و عملی کردن ساختار و نظام الهی می‌توانند سبک زندگی خود را در مسائل مختلف بر مدار احکام الهی تنظیم کنند.

این کارگروه از وجه علمی و عملی با کارگروه برنامه‌ریزی مرتبط است. چرا که برای جاری شدن جریان علم لازم است حکم خدا متناسب هر موضوع، مؤلفه‌بندی و منظم شود.

۴.۱. وجه ارتباط علمی با سایر کارگروه‌ها

به نظر می‌رسد سور ملائکه (صافات، مرسلات، نازعات و ذاریات) با رویکرد تأثیر نظام ملائکه و غیب بر ظرفیت‌سازی انسان از طریق نزول رزق‌های مختلف و ارتقاء ظرفیت بشر به وسیله ایجاد تغییر در سبک زندگی و پذیرش حق و ممارست و پیروی از رسولان الهی در حاکمیت توحید، رابط مناسبی بین دو کارگروه نظام‌سازی اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی است.

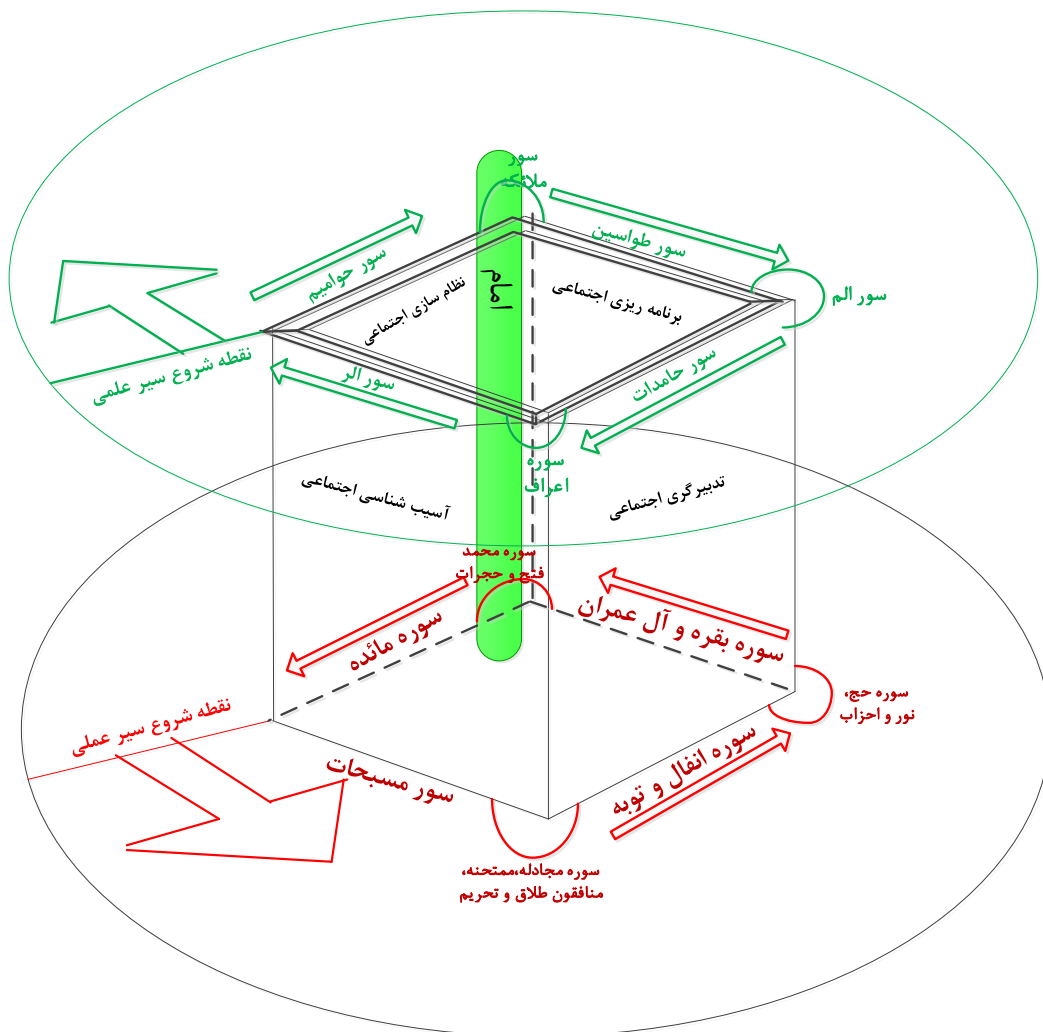
۴.۲. وجه ارتباط عملی با سایر کارگروه‌ها

کارگروه نظام‌سازی از وجه عملکردی نیز با کارگروه برنامه‌ریزی در ارتباط است. زیرا برای عملی کردن مؤلفه‌های برنامه‌ریزی شده اعضای کارگروه نهایتاً باید به حکم الهی دسترسی پیدا کنند.

۵. برای مطالعه بیشتر به کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن، دفتر چهارم: نظام‌سازی»، اخوت، احمدرضا، مراجعه شود.

سور فتح و محمد و حجرات، با ارائه سیر پدیدار شدن عمل اختیاری انسان در جامعه، اعمال و اصولی را به نحوی معرفی می‌کند که می‌توان احکام دقیق مواجهه‌ها و رفتارهای اجتماعی را نظم داده و برای اجرایی شدن آن برنامه‌ریزی کرد. از همین رو می‌توان گفت این سه سوره از وجه عملکردی، حد وصل برنامه‌ریزی اجتماعی و نظام‌سازی اجتماعی است.

لازم است اعضای کارگروه برای دقیق‌تر و تفصیلی شدن فعالیت خود، در سور مکی و مدنی مربوط به کارگروه، تدبیر نمایند.



شکل ۷- نقشه کعبه شامل سیر علمی و سیر عملی



فصل سوم

عرصه‌های اجتماعی

رخدادهای زندگی انسان در بسترهای مختلفی جاری می‌شوند، بسترهای وقوع رخدادهای زندگی را به نام عرصه می‌شناسیم. بنابراین برای عرصه‌یابی باید رخدادها را در بستر وقوع آن‌ها مشاهده کرد.

هر بستری به نسبت دوری یا نزدیکی از حق، دارای مرتبه می‌شود. به این ترتیب می‌توان مراتبی از عرصه‌های نزول حق را در سه عنوان هستی (از امر تا تکوین هستی و خلق انسان)، انسان (سیر رشد انسان در مراحل مختلف) و جامعه (وضعیت هویت جمعی انسان) طبقه‌بندی کرد.

◀ می‌توان برای هستی عرصه‌های زیر را در نظر گرفت: اسماء الهی؛ عرش و کرسی؛ ملائکه و وسائط؛ قضا‌های رانده شده؛ طبیعت و آیات تکوینی.

◀ همچنین برای انسان نیز عرصه‌های جزئی به صورت زیر قابل تأمل است: دریافت‌ها از طریق حواس؛ گزاره‌های استنادی براساس تعقل؛ علم؛ ایمان؛ توجه؛ فعل و صفات؛ اعمال؛ نتایج اعمال.

◀ برخی از بسترها مربوط به حیات جمعی انسان است مانند خانواده، حاکمیت، جامعه و ... که در آن رخدادهای اجتماعی رخ می‌دهد.^۱

بسترهای فردی محل وقوع رخدادهای درونی‌تر است و بسترهای اجتماعی محل وقوع رخدادهای عینی‌تر؛ لذا جامعه بستر وقوع رخدادهای اجتماعی است.

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: دفتر دوم: عملیات‌سازی»، اخوت، احمدرضا، درس هفتم، ص ۲۸۰ مراجعه شود.

از آنجا که در نقشه حاضر فعالیت عرصه‌های اجتماعی متناسب با کارگروه‌ها مدنظر است و هر عرصه‌ی اجتماعی شامل رخدادهای مختلف می‌باشد؛ با توجه به چرخه علم و عمل که پیش‌تر ذکر شد (همه عرصه‌ها بخش علمی و عملی دارند) در ادامه، عرصه‌های اجتماعی در یک دسته‌بندی جامع به سه سطح کلان، میانه و خرد تفکیک می‌شود.

۱. سطوح کلان: سیاست‌گذاری و نظام‌سازی

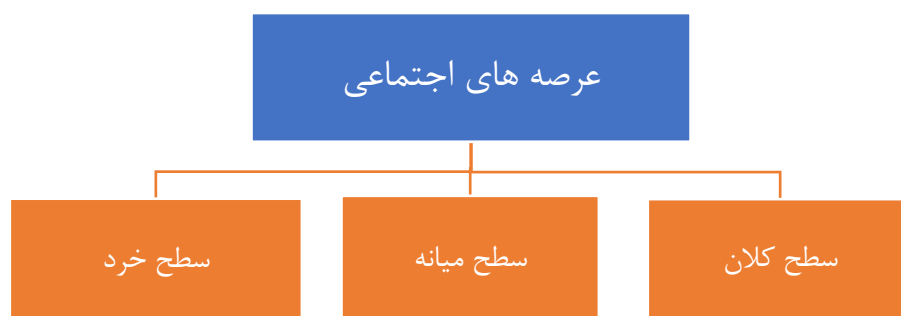
در سطح کلان، مطالب پایه‌ای از منظر چستی، چرایی و چگونگی مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرد. در این سطح، موضوعات اساسی و بنیادی ترسیم می‌شود و امکان شناخت نسبت به موضوع فراهم می‌گردد. در نتیجه به یک نظام و ساختاری خواهد رسید.

۲. سطوح راهبردی و میانه:

طبیعتاً هر یک از موضوعات بنیادی از مجموعه‌ای از موضوعات جزئی‌تر پدید آمده که ارتباط منسجم و نظام‌مند میان این اجزاء، امکان تحقق موضوعات پایه‌ای و اساسی را فراهم می‌نماید. بر این اساس سطوح میانه در مقام بررسی و تبیین این موضوعات قرار دارند که اساساً به دلیل جزئی‌تر بودن به حوزه عمل نزدیک‌تر می‌باشند.

۳. سطوح خرد:

سطحی است که به مهارت و فعالیت‌های علمی جهت تحقق و پیاده‌سازی سطح میانه در رخدادهای زندگی کمک می‌کند.





از آنجا که انتخاب عرصه به شرایط فرد، توان و استطاعت او بستگی دارد، لذا قلمرو عرصه می‌تواند وسیع و یا کوچک در حد یک خانواده باشد و موضوعات عرصه می‌تواند متعدد یا کم انتخاب شود.

عرصه‌ها را می‌توان به گونه‌های مختلف از هم تفکیک کرد و دانش و توان خود را در آن‌ها جستجو نمود:

- ❖ برخی انسان محورند؛ یعنی بر توان‌ها و شناخت‌های درونی انسان تکیه دارند.
مانند حوزه تعلیم و تربیت، اخلاق، روانشناسی و ...
- ❖ برخی جامعه محورند؛ یعنی بر داد و ستدها و روابط و نقش‌ها تکیه دارند.
مانند حوزه خانواده، اخلاق اجتماعی، جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد و ...
- ❖ برخی حاکمیت محورند؛ یعنی بر امر و نهی‌ها و سیطره‌ها و قواعد حکومتی تکیه دارند.
مانند فقه، سیاست، مدیریت و ...
- ❖ برخی بر خلق اثر و ابداع اشیاء و ایجاد دستاورد تکیه دارند.
مانند صنعت، عمران، فن‌آوری و ...
- ❖ برخی بر کشف حقایق پدیده‌ها، بر سیطره یافتن بر آن‌ها دلالت دارند.
مانند محیط زیست، زیست‌شناسی، شیمی، فیزیک، ریاضی و ...
- ❖ برخی بر کشف حقایق انسان به عنوان پدیده و سیطره بر پدیده‌های نفع و ضرر رسان بر او تکیه دارند.
مانند پزشکی، تغذیه، داروسازی و ...
- ❖ برخی بر مهیاکننده‌های زندگی مادی و معنوی تکیه دارند.
مانند کشاورزی، باغبانی، کتاب‌داری، نشر، نویسندگی و ...
- ❖ برخی بر شهادت و گواه بودن بر همه یا برخی عرصه‌ها و رصد آن‌ها تکیه دارند.
مانند قضاوت، تبلیغ، رسانه و ...
- ❖ برخی بر حمایت و پشتیبانی از دیگران تأکید دارند.
مانند پرستاری، انواع مشاغل خدمت‌رسان و ...
- ❖ برخی ...

با توجه به مطالب فوق، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- برخی مشاغل نمی‌توانند در بیش از یک عرصه حضور داشته باشند.
- برخی از بسترها مانند بستر خانواده، محل تلاقی چندین عرصه است، ولی عرصه داد و ستد در آن پررنگ‌تر می‌باشد که باید به عنوان اصل تلقی شود.
- برخی از عرصه‌ها را همه افراد باید به صورت تخصصی به آن پردازند مانند عرصه شناخت انسان؛ ولی برخی باید در آن مجتهدانه‌تر ورود پیدا کنند.



- هر انسانی به طور طبیعی از همه عرصه‌ها بهره می‌برد و باید بتواند حداقل در یکی از آنها صاحب اثر و تولید و ثمربخش باشد برای بهره‌وری از عرصه‌های مختلف، برقراری ارتباط و داشتن روابط اجتماعی، ضروری است.



فصل چهارم

روابط و تعاملات در عرصه های اجتماعی^۱

تمام بسترهای زندگی متشکل از تعامل و ارتباطات عده‌ای از مردم با یکدیگر است. این تعاملات و ارتباطات براساس دست‌یابی به مقاصد و رفع نیازهای مشترک صورت می‌پذیرد.

چنان‌چه افراد تصمیم بگیرند ارتباطات و تعاملات اجتماعی خود را براساس باید نباید و احکام الهی سامان دهند، با عرصه‌های اجتماعی موحدانه‌ای مواجه هستیم که روابط و تعاملات در درون این عرصه‌ها دارای سطوح متفاوتی است و قوانین ارتباطات اجتماعی متناسب با این سطوح تعیین می‌شود.

در این فصل لازم است برای بررسی ربط حقیقی در هستی، ابتدا به مسائل و موضوعاتی که دارای ربط حقیقی‌اند و سپس موضوعات و مسائلی که دارای ربط غیر حقیقی‌اند، توجه کرد؛ و در ادامه، علاوه بر ارائه تعریفی از ربط و ارتباط، به بیان مؤلفه‌های سطوح ارتباطات اجتماعی در عرصه‌های مختلف بپردازیم.

حقیقت ربط در هستی

ربط به معنای وابستگی به حالتی گفته می‌شود که قوام شیئی به شیء دیگر باشد. ربط حقیقی در هستی مربوط به وابستگی موجود به وجود یا وابستگی موضوع به حقیقت است. سایر ربط‌ها هم، اعتبار خود را از این ربط می‌گیرند.

۱. برای تفصیلی شدن مطالب این فصل می‌توان به کتب روایی (به طور مثال رساله حقوق امام سجاد علیه السلام) و کتب تخصصی مانند کتاب «تفکر اجتماعی، تفکر عینی: هنر خوب زیستن با دیگران»، (اخوت، احمدرضا)؛ «دوره‌های رشد تفکر اجتماعی: بلوغ عاطفی؛ دوره اکرام و تألیف» (اخوت، احمدرضا)؛ «اصول و مهارت‌های بلوغ باهم بودن» (اخوت، احمدرضا) مراجعه کرد.

با توجه به مطالب فوق :

۱. مسائل و موضوعات، هست و نیست‌ها یا باید‌ها و نبایدهایی که به وجود و هست و یا حقیقت وابستگی تام دارند (به این معنا که اعتبار بودن‌شان را از حقیقت می‌گیرند) مسائل و موضوعاتی هستند که دارای ربط حقیقی‌اند.

۲. مسائل و موضوعاتی که در کنار حقایق نشو و نما دارند، اصل با عدم آن‌هاست و جلوه‌ای از حقیقت به خود می‌گیرند ولی فاقد هرگونه حقیقتی هستند موضوعات و مسائلی‌اند که دارای ربط غیرحقیقی‌اند.

رابطه‌های اجتماعی

در زندگی اجتماعی، نیازها و مقاصد، انسان‌ها را به انواعی از رابطه‌های میان یکدیگر هدایت می‌کند. زیرا هر نقصی می‌تواند بروزاتی از خود داشته باشد که این بروزات می‌تواند عامل ارتباط میان افراد با یکدیگر باشد. نیازها و مقاصد از یک سو و نقش‌های دیگران از سوی دیگر عامل اتصال میان انسان‌هاست.

منظور از رابطه‌های اجتماعی، وابستگی‌هایی است که بین افراد جامعه با فراهم شدن اقتضائات جبلی یا اعتباری به وجود می‌آید. این وابستگی‌ها ممکن است بر مبنایی درست و یا بر مبنای نادرست شکل بگیرد.

خداوند به انسان اذن داده تا بر اثر اقتضائات جبلی، مانند روابط خانوادگی و اقتضائات اعتباری، مانند مسئولیت‌ها و مشاغل اجتماعی، زمینه‌ساز رابطه‌ها قرار گیرد.

رابطه‌های مختلف با انگیزه‌های مختلف و براساس نیازها و مقاصد مادی، عاطفی، شناختی، معنوی و ... شکل می‌گیرد.

انواع رابطه‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف

نسبت‌های هر فرد یا جمعی به نسبت دیگران، به اذن الهی، رابطه‌ی آن‌ها را رقم می‌زند. این نسبت‌ها بر مبنای ربط حقیقی آن‌ها به وجود و هست تعیین می‌شود و به واسطه توان فطری او قابل تمایز است.

عرصه‌های اجتماعی محل وقوع رخداد‌های مختلف زندگی هستند و هر رخدادی از تعامل انسانی با دیگران سامان یافته است. در واقع تعاملات اجتماعی است که می‌تواند نیازها و مقاصد را ساماندهی کند.

در ساماندهی روابط گاهی لازم است فردی با جمعی و جمعی با فردی و فردی با فرد دیگر، رابطه دوستی یا دشمنی داشته باشد و از این رهگذر، با هم داد و ستدی مادی یا معنوی را برقرار نمایند.

با توجه به مطالبی که از ابتدا بیان شده است، برای ورود به عرصه‌های مختلف اجتماعی و در مواجهه با رخداد‌های اجتماعی ناگزیر به ایجاد رابطه‌هایی با شئون مختلف خواهیم بود.



این نکته را باید مد نظر قرار داد که نقشه علوم اجتماعی نمی‌تواند یک سازه و یا دستگاه فکری خاص، فارغ از انواع روابط و تعاملات اجتماعی باشد؛ لذا در ادامه روند، نیاز به بررسی متقابل روابط و تعاملات در عرصه‌های اجتماعی است. از این رو لازم است در تعاملات خود با دیگران به شئون مختلف افراد توجه داشته باشیم و برای هر شأنی، ویژگی‌ها و حدود و حقوق خاصی باید در نظر گرفت.

برای تفصیل روابط لازم است به موضوعاتی همچون رتبه، شئون و ویژگی، نیازها و مقاصد، مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی و محبت و پیوند توجه کرد و برای هر یک، حقوقی که از جانب خدا معین شده را دانست و به آداب بروز هر یک طبق سیره رسول گرامی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام عمل کرد.^۲

نباید فراموش کرد اگر رابطه‌ای مورد تایید خداوند باشد، آن رابطه حقیقی و اگر نباشد یا نسبت به آن از غیر خدا عنوانی دریافت شود، رابطه غیرحقیقی خواهد بود.

امید است با پیاده‌سازی قوانین الهی در عرصه‌های موحدانه شاهد تحولی در نظام مسائل و نیازها و نیز توسعه قلمروها باشیم.

۲. جهت مطالعه انواع تفصیل روابط به ضمیمه شماره ۲ مراجعه شود.



خاتمه

هر کارگروه با محوریت یکی از اذکار تسییحات اربعه یک کعبه را تشکیل می‌دهند با محوریت امام. بنابراین ما با سیر:

شکل‌گیری اُمّت،

سیر شکوفایی اُمّت،

استقرار اُمّت،

رشد اُمّت

به ترتیب:

در دور علم و عمل

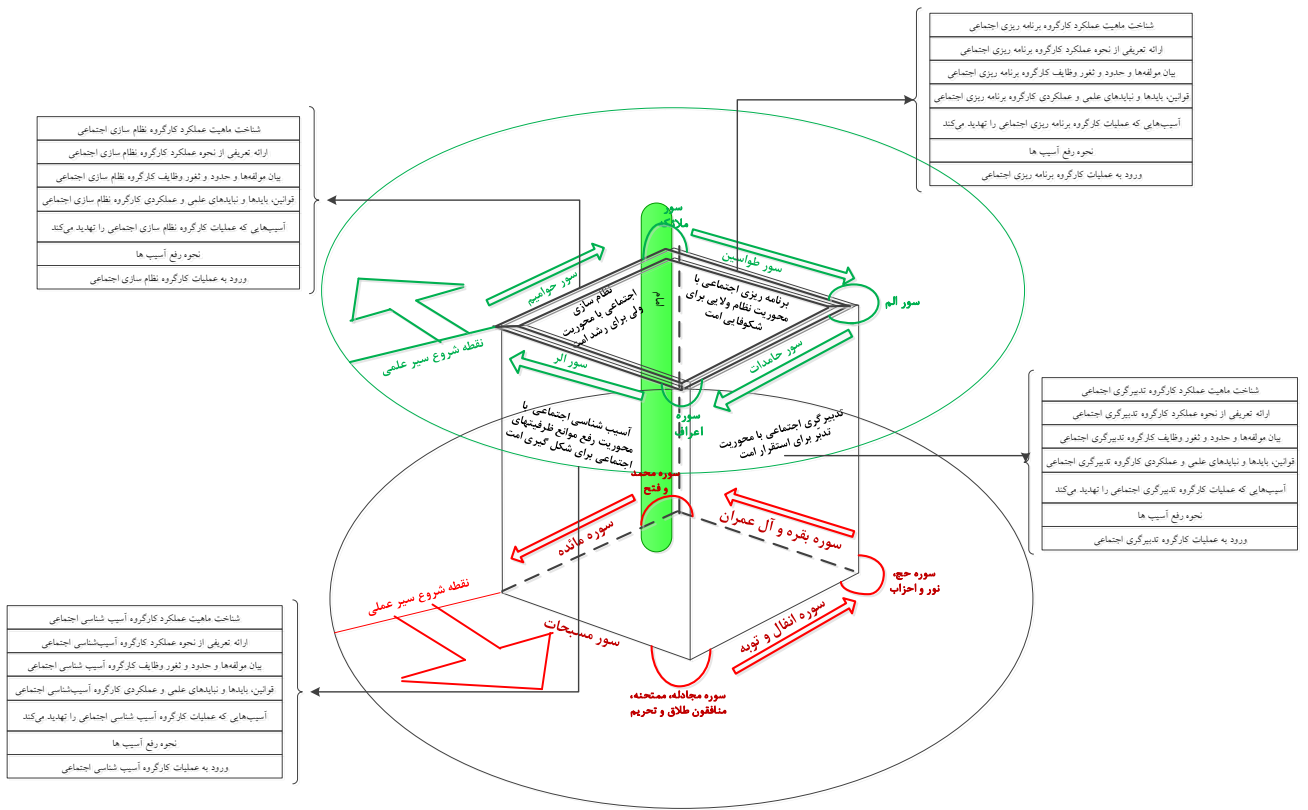
سبحان الله: سور الر / سور مسیحات

الحمد لله: سور حامدات / سور انفال و توبه

لا اله الا الله: سور طواسین / سور بقره و آل عمران

الله اکبر: سور حوامیم / سوره مائده

مواجه هستیم.



شکل ۹- کعبه- شکل‌گیری، استقرار، شکوفایی و نظام سازی امت



به این ترتیب:

ما نیاز به افرادی داریم که اعتقادات، باورها، صفات، خُلقیات آن‌ها توحیدی، طیب و بر مدار حُسن باشد.

به دور از هرگونه افراط و تفریط.

و این مهم محقق نمی‌گردد مگر به نور علم.

و علم چون چراغی است برکنار زنده ظلمت‌ها و تیرگی‌ها

و می‌برد و می‌زداید آن‌چه که نباید باشد.

و چون انسان موحد منور شد به نور علم،

عالمی است مؤمن، که امنیت‌بخشی او می‌تواند سراسر عالم را به احسن‌الحال هدایت کند.

و علم عطاشدنی است،

به میزان جهد مجاهد.

و استجاب‌شدنی است،

به میزان دعای دعاکننده.

فلذا چه فرق دارد آن انسان که باشد،

کجا باشد،

و چگونه عالم شده باشد.

مهم عمل براساس علم است.

صالح، محسنانه، خالصانه

و آن حرکت بر مداری است که باید.

و برای دستیابی به آن باید آماده شد به همان طریق که باید و آن را گویند به همان صورت که باید.

و دور اول شناخت است

و دوم تعریف آن

و سوم تعیین حدود آن



چهارم بایسته‌های آن، چگونگی به کارگیری، قوانین

پنجم آسیب آن

ششم رفع آن

و هفتم عمل به آن

و چون کامل شد، عالمی به اطاعت در زمان و مکان، که باید.

تا به فعلیت درآوری آنچه که امر شود.

و جامه عمل بر اندامش بپوشانی.

و آن نیست، مگر در پرده غیب.

که چون به در آید منور شود همه آنچه اقتضای آن را داشته.

و دیگر همه ظلمت است و نابود.

بنابراین مطالب

علت داشتن نقشه، جایگاه آن، کارکرد آن و اجرای آن

در قبل ظهور است.

و افرادی که لازم است در اجرای آن باشند.

و همه آن، تازه آماده شدن برای بعد از ظهور است ...

یعنی این نقشه، نقشه آماده‌سازی نیروها برای ذخیره است

و نه نقشه اصلی.

طراحی و تدوین نقشه

۸ اسفندماه ۱۳۹۸

مصادف با شب لیلة الرغائب ۱۴۴۱

ویرایش دوم

۱۰ مهر ماه ۱۴۰۲

مصادف با شب ولادت حضرت ختمی مرتبت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۱۴۴۵



سوره‌های مکی - سیر شناختی / علمی	
<p>هر یک از سوره حوامیم در مورد موضوعات خاصی در حوزه استقرار کتاب در هستی و در نظام اجتماعی و فردی انسان بحث می‌کنند. غرض مشترک این سوره بیان ساختار وجودی هستی و انطباق آن با ساختار وجودی انسان و جامعه است. در هر یک از این سوره‌ها با محوریت وحی و رسول به جنبه‌های مختلفی از این ساختار توجه می‌شود. این هفت سوره به عنوان تاج قرآن، به بررسی حاکمیت و فراگیری دین و وحی از طریق انطباق ساختار حکومتی با ساختار هستی، انسان و جامعه پرداخته‌اند.</p> <p>سوره مبارکه غافر، بیان‌کننده مفهوم ایمان و اتصال به عالم غیب و ملائکه است و از مؤمنی صحبت می‌کند که به سبب اعتقادات بسیار قوی در برابر طوفان‌های حوادث و مشکلات و فتنه‌ها نمی‌شکند.</p> <p>سوره مبارکه فصلت، بحث زکات را به عنوان مؤلفه‌ای نام می‌برد که نشان از نظام اختیار و توان فهم درست از نادرست دارد. و آن را عاملی برای جدا کردن مشرک از مؤمن بیان می‌کند و در ادامه با طرح شهادت اعضای بدن علیه خود انسان، او را به جایی می‌رساند که بفهمد خدا بر همه چیز شهید است. بنابراین سوره برای انسانی که کمبود خشیت دارد، مناسب است به نحوی که تعیینات فرد را برطرف می‌سازد و به او نشان می‌دهد که چگونه خدا بر همه چیز شهید است.</p> <p>سوره مبارکه شوری، سوره وصف‌ها و صفات امامت است. انسان مؤمن این سوره نیز شریعت‌خواه است. این سوره مبارکه با بیان ویژگی‌های وحی و کیفیت آن، انسان را به مرتبه امام‌خواهی می‌رساند.</p> <p>سوره مبارکه زخرف، سوره‌ای درباره‌ی بسترهای زندگی، ماهیت دنیا و نظر خداوند راجع به توجه به دنیاست و آن را برای مؤمن نمی‌پسندد.</p> <p>سوره مبارکه دخان، با طرح بحث زمان و وحی، اشاره به حقیقت شب قدر دارد که همه مقدرات در دست امام است.</p> <p>سوره مبارکه جاثیه، ساختار انسان را تبیین می‌کند.</p> <p>سوره مبارکه احقاف راجع به فلسفه حیات، سیر حیات و مراتب حیات صحبت می‌کند.</p> <p>سوره مبارکه حوامیم، با علوی که دارند، کرامت‌زا بوده و قوت علمی و عملی را در فرد بالا می‌برند. چرا که عظمت و شکوه بُعد علمی آن که حکایت از یک نظام و ساختار منظم در عالم دارد که تنها همراه با نظام عملکردی آن معنا پیدا می‌کند. نهایتاً می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که غرض مشترک این سوره بیان ساختار وجودی هستی و انطباق آن با ساختار وجودی انسان و جامعه است. در هر یک از این سوره‌ها با محوریت وحی و رسول به جنبه‌های مختلفی از این ساختار توجه می‌شود.</p>	<p>سور حوامیم (غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف)</p>



<p>در آغاز سور صافات، مرسلات، نازعات و ذاریات؛ به ملائکه و کارکرد و صفات آن‌ها سوگند یاد شده است.</p> <p>سوره مبارکه صافات با قسم به ملائکه‌ای که به فرمان خدا صف‌آرایی کرده‌اند و ملائکه‌ای که بازدارنده از گناهان هستند و ملائکه تلاوت‌کننده کتاب‌های خداوند آغاز می‌شود.</p> <p>غرض اصلی این سوره، تنزیه خداوند و سلام بر مرسلین و بیان پاداشی است که به سبب ممارست ایشان در حق و رفتار نیک ایشان عطایشان می‌شود. علاوه بر آن ضمن بیان گزارشی از شرایط و احوال بهشت و جهنم، درصدد یافتن علت ورود به آن است. از طرفی دیگر سختی‌هایی که انبیاء برای هدایت بشر متقبل شدند را یادآور می‌شود. سرانجام در چند آیه کوتاه پیروزی لشکر حق را بر لشکر کفر و شرک و نفاق بیان می‌دارد.</p> <p>موضوع اصلی سوره مبارکه ذاریات، تقسیم امر است که یکی از مصادیق آن رزق‌های الهی است. در واقع انسان ظرفیتی پیدا می‌کند که متناسب آن، رزق‌های خاص به او داده می‌شود.</p> <p>بنابراین آیات این سوره، از وجه اعتقادی اشاره به تأثیر اعمال انسان در اتصال به غیب و تقسیم امر و رزق‌های الهی دارد. لذا انسان تعیین‌کننده سرنوشت و رزق خود است.</p> <p>در نتیجه می‌توان گفت از یک طرف ظرفیت انسان تعیین‌کننده رزق‌ها و تقسیم امر است و از طرفی دیگر ظرفیت انسان به اعمال و افعال او مرتبط است. بنابراین اعمال و رفتار انسان ظرفیت‌ساز و تعیین‌کننده ظرفیت انسان برای دریافت رزق‌های الهی اعم از مادی و یا معنوی و روحانی است. عدم توجه به آخرت‌گرایی، تنگ‌کننده رزق و توجه به آخرت، افزایش دهنده رزق است.</p> <p>در سوره مبارکه مرسلات، سخن از القای ذکری آمده است که می‌تواند اتمام حجت کند و یا از طرفی رشد ایجاد نماید.</p> <p>قسم‌های سوره مبارکه نازعات نیز نشان از تغییر سبک زندگی دارد. این که عامل اصلی تغییر سبک زندگی انسان چیست.</p> <p>در مجموع، این پنج سوره پرده از حقیقتی برمی‌دارد که کم‌تر در نوع جهان‌بینی و رویکرد اعتقادی انسان دیده شده است و آن تأثیر نظام ملائکه و غیب بر ظرفیت‌سازی انسان از طریق نزول رزق‌های مختلف و ارتقاء ظرفیت بشر از طریق ایجاد تغییر در سبک زندگی و پذیرش حق و ممارست و پیروی از رسولان الهی در حاکمیت توحید است.</p>	<p>سور ملائکه (صافات، مرسلات، نازعات و ذاریات)</p>
<p>با بررسی سور طواسین درمی‌یابیم، ایمان مؤلفه اصلی میان این سور است، که دارای سه بخش است. بخش مقدمه‌ای: شامل تمام نعمت‌ها و توان‌هایی است که خداوند به انسان عطا کرده تا ضمن شناخت منعم به شکرگزاری در برابر او اقدام نماید.</p> <p>بخش اصلی: موضوعات زمینه‌ساز ایمان مانند «علم» و «یقین» که اعمال و صفات انسان بر اثر آن تثبیت می‌شود و بروز ایمان ثمره این تثبیت است.</p>	<p>سور طواسین (شعراء، نمل و قصص)</p>



<p>بخش نتیجه‌ای: غایت جریان تداوم ایمان.</p> <p>بنابراین با توجه به ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن ایمان که عملی اختیاری است و برنامه‌ریزی و مرتب کردن اعمال در طول زندگی انسان مبتنی بر بررسی موانع ایمان آوردن (سوره شعراء)، بررسی سیر رشد صفت ایمان (سوره نمل)، چگونگی مؤمن شدن و مؤمن ماندن (سوره قصص).</p> <p>می‌توان گفت سور طواسین به تحریض و تشویق مردم برای رسیدن به مرحله تثبیت ایمان در حوزه فردی و اجتماعی تأکید دارند و میل و اراده انسان‌ها را به تلاش علمی و عملی برای برقراری نظام ایمانی در عالم به نحوی برمی‌انگیزاند که انسان بتواند با گام‌بندی و برنامه‌ریزی صحیح تمام وجود خود را تحت ولایت انبیاء الهی و به تبع اهل بیت علیهم السلام قرار دهد.</p> <p>لذا انتخاب این سور مبارکه جهت بررسی ابعاد برنامه‌ریزی اجتماعی مناسب به نظر می‌رسد.</p>	
<p>سوره مبارکه عنکبوت سوره جهاد، صبر و مقاومت است و تنها فردی می‌تواند در این سه حوزه موفق باشد که در بعد اعتقادی دارای بینه بوده و از بعد اعتقادی محکم و توحیدی باشد.</p> <p>سوره مبارکه روم با بیان آیاتی در حوزه تفکر، سیر در زمین، توجه به آیات الهی و فطرت؛ اشاره به اصل مهمی دارد و آن نحوه بهره‌مندی از نظم جدید جهانی در یکپارچگی جهان اسلام تا رسیدن به پیروزی نهایی است. در واقع این سوره با اشاره به لزوم دین‌داری متفکرانه، عاقبت‌گرایانه و باطن‌گرایانه، وعده پیروزی مستضعفان بر مستکبران را داده و آن را جزء لاینفک نظام دینی می‌داند. بنابراین برای سهیم شدن انسان متدین در این وعده، لازم است علاوه بر سطحی نبودن دین‌داری، از پراکندگی اجتماع مؤمنین جلوگیری شود.</p> <p>سوره مبارکه لقمان با ارائه نظام آموزشی و اخلاقی، قصد داشتن و قصددار کردن انسان‌ها را محوری‌ترین موضوع در این نظام آموزشی مطرح می‌کند و آیاتش دلالت بر این دارد که لازمه موحد بودن، داشتن یک برنامه‌ریزی آموزشی و اخلاقی است.</p> <p>سوره مبارکه سجده به عنوان سوره عرفان قرآن به مبحث لقاءالله و تزکیه و تذهیب نفس پرداخته و شاخص خلوص عبودیت است؛ سخن از فردی می‌کند که اراده‌اش را به اراده خدا پیوند زده و در عبودیت خالص شده است.</p> <p>در مجموع می‌توان گفت سور الم مکی، با سوره مبارکه عنکبوت و مبحث جهاد، مقاومت و گذر از فتنه‌های زندگی شروع شده و با تصویرسازی پیروزی وعده خداوند در عرصه‌های مختلف زندگی، استقرار برای موحد ایجاد می‌کند و در ادامه سوره مبارکه لقمان، با بیان لزوم برنامه‌ریزی برای موحد شدن، نظام آموزشی و اخلاقی آن را تبیین کرده و توسعه می‌دهد و در آخر با سوره سجده اعلام می‌دارد چنین موحدی که در عرصه‌های اجتماعی با برنامه‌ریزی اخلاقی و آموزشی، صبر و مقاومت و ایمان به وعده‌های خدا، فتح را نصیب خود کرده؛ همان فردی است که نفس خود را تذهیب و تزکیه</p>	<p>سور الم (عنکبوت، روم، لقمان و سجده)</p>



<p>کرده و به لقاءالله رسیده و همواره درحال عبودیت خداوند است.</p>	
<p>سوره مبارکه حمد، زندگی انسان هدایت شده را از جهت‌گیری‌های گمراهان و غضب‌شدگان جدا کرده و عبودیت خالصانه را با استعانت از اسم خداوند و درک مقام حمد معرفی می‌کند.</p> <p>سوره مبارکه انعام، توحید را از منظر نفی شرک مطرح می‌کند. سوره خروج انسان از شرک و سوره فطرت است. این سوره اعلام می‌کند از طریق عناصر ساختار وجودی انسان، می‌توان از شرک خارج شد.</p> <p>تمرکز اصلی سوره مبارکه کهف، بر روی عمل صالح یا همان احسن عمل و تبیین موقعیت‌های ابراز، تأثیر عوامل مؤثر و موانع انجام آن است. این سوره نشان می‌دهد که قلمروی عمل صالح می‌تواند متناسب انسان‌ها و باورهای آنها متفاوت باشد.</p> <p>سوره کهف، با بیان چهار نمونه عمل صالح از چگونگی جاری شدن نور عمل صالح در زندگی پرده برمی‌دارد. داستان اول، اصحاب کهف است و پیدایش عمل صالح. که با داستان برائت ایشان از کفر می‌توان معنای عمل صالح را فهمید. دومی داستان باغ و آسیبی است که می‌تواند به عمل صالح وارد شود و به صراحت اعلام می‌کند، حفظ عمل صالح مهم است. سومی، داستان موسی و خضر، که به مختصات و مرتبه عمل صالح و این حقیقت اشاره دارد که با مرتبه‌بندی انسان، عمل صالح متمایز می‌شود و چهارمی، داستان ذوالقرنین است که به بیان توسعه عمل، وسیع شدن دید برای انجام عمل صالح اشاره می‌کند.</p> <p>سوره کهف افراد مضطرب است که در بسترهای زندگی درصدد احکام و بایسته‌های اعتقادی انجام عمل صالح هستند.</p> <p>سوره مبارکه سبأ، یک سوره درونی است. بحث استضعاف و استکبار را توصیف و تبیین می‌کند و به صورت خاص به بحث ملائکه می‌پردازد و حمد خدا در آخرت را مطرح می‌کند.</p> <p>سوره مبارکه فاطر، به توان و وسعت انسان در ملائکه‌آفرینی از طریق انجام عمل صالح اشاره دارد. بنابراین می‌توان گفت در سوره انعام، بحث نامساوی بودن ابعاد اعتقادی توحید و شرک تبیین می‌شود و در سوره کهف انواعی از آن نام برده شده و در سوره سبأ نامساوی‌ها نشان داده شده و در سوره فاطر فهم آن‌ها از طریق عقل مطرح می‌شود.</p> <p>در مجموع سوره‌های حامدات با سوره مبارکه حمد که بحث استعانت انسان از خداوند و عبودیت اوست شروع شده و در ادامه به تبیین نامساوی بودن اعتقادات توحیدی و مشرکانه، از منظر ساختار وجودی انسان می‌پردازد. و سپس به وجود ساختار ملک‌آفرینی و ملک‌گونه این نامساوی‌ها در انسان، که همانا عقل است؛ اشاره دارد.</p>	<p>سوره حامدات (حمد، انعام، کهف، سبأ و فاطر)</p>
<p>سوره مبارکه اعراف با طرح مباحثی در مورد انبیاء الهی، ضمن بیان تمایز میان زندگی انبیاء به سیر</p>	<p>سوره اعراف</p>



<p>فرآیند رشد بشر اشاره دارد. علاوه بر آن با بررسی آیات مرتبط به عالم ذر می‌توان با لایه باطنی از زندگی انسان در دنیا و هستی آشنا شد. در مجموع این دو نوع نگاه اعتقادی، از طرفی نیازمند تدبیر و تدبیر یا به اصطلاح تدبیرگری در عرصه‌های زندگی است و از طرفی با توجه به وجه استعاده‌ای سوره و آیات مرتبط با انحرافات دینی؛ باید به وجه آسیب‌های اجتماعی در بعد اعتقادی نیز توجه داشت. بنابراین می‌توان گفت از بُعد علمی و اعتقادی، حلقه واسط گذر از مباحث مدیریتی و ورود به مطالب آسیب‌شناسانه در عرصه اجتماع، نیازمند نگاه تدبیری به سوره مبارکه اعراف است.</p>	
<p>سور مبارکه الر، بیان‌کننده نقش آیات در زندگی فردی و اجتماعی انسان و نحوه چگونگی برخورد با آیات است. در این راستا به منشأ، اصل، جریان و نتایج نزول آیات و صفاتی که در اثر آن در عالم تجلی می‌یابد، اشاره می‌کند. در این راستا ضمن بیان صفت بارز اولوالالباب که ثمره شناخت و رفتار مثبت نسبت به آیات است؛ به بیان ویژگی‌های شناختی و رفتاری مربوط به موضع‌گیران با وحی، کتاب و انبیاء و تبعات آن می‌پردازد. بنابراین می‌توان گفت سور مکی الر از منظر پرداختن به انواع آسیب‌های اعتقادی پایه و نحوه درمان آن قابل بررسی است.</p> <p>سوره مبارکه یونس با پرداختن به موضوع آیات، کتاب و حق، گزاره‌های عقلی ارائه می‌دهد و انداز را فراهم‌کننده زمینه رشد و شکوفایی انسان می‌داند.</p> <p>در سوره مبارکه هود، وجه امت بارز است و فرد با استغفار و توبه و عبودیت رشد می‌کند.</p> <p>سوره مبارکه یوسف، به عنوان تنها سوره‌ای که منحصراً به داستان یک پیامبر اشاره دارد؛ به بیان تأثیر تقویت ایمان در هدایت می‌پردازد و نشان می‌دهد شرط بهره‌مندی از هدایت و رحمت، ایمان و شرط استفاده از عبرت، لبّ است. در واقع مسائل روان‌شناسانه، حقوقی، جامعه‌شناسی و... را اولوالالباب‌ها می‌توانند استخراج کنند.</p> <p>سوره مبارکه رعد با توصیف حق، به اهمیت لبّ اشاره داشته و آیات احکامی این سوره، حکایت از توصیف حق و ارتباط آن به زندگی انسانی دارد که از لبّ استفاده کرده و حق را در زندگی جاری می‌سازد.</p> <p>سوره مبارکه ابراهیم، از کتابی سخن می‌گوید که انسان را از ظلمات به سوی نور خارج می‌کند و به سبب این نعمت لازم است شکرگزاری شود. در این سوره، جریان حق و باطل به عبادت تبدیل شده و نام منسک به خود می‌گیرد.</p> <p>سوره مبارکه حجر در مورد خود رسول الله و دائمی شدن قرآن و جاری شدن جریان حق در عالم است.</p>	<p>سور الر (یونس، هود، یوسف، ابراهیم و حجر)</p>



سوره‌های مدنی - سیر عملی / اجرایی	
سوره‌های مسبّحات	<p>با مطالعه و بررسی این سوره این‌گونه به نظر می‌رسد که در سوره مسبّحات، ضمن این که اسماء الهی دارای جایگاه بارز و آشکاری در محتوای سوره هستند؛ به صورت مشهودی هر پنج سوره به آسیب‌هایی اشاره دارد که به صورت روزمره می‌تواند یک جامعه توحیدی را گرفتار کند.</p> <p>سوره مبارکه حدید، با بیان بحث‌های اقتصادی، تدارکاتی و تأمین معاش زندگی؛</p> <p>سوره مبارکه حشر، با مطرح کردن بحث برادری، خواهری و تنظیم روابط داخلی و خارجی؛</p> <p>سوره مبارکه صف و سوره مبارکه جمعه با ارائه مباحثی پیرامون جهاد، تعلیم و تزکیه، آمادگی نظامی و آمادگی فرهنگی؛</p> <p>و نهایتاً سوره مبارکه تغابن، با طرح مسائل و نظام خانواده، پنج رکن اساسی جامعه مدنی هستند که به آسیب‌شناسی جامعه مدنی می‌پردازند.</p> <p>در واقع می‌توان گفت در مجموعه این سوره‌ها، حالات مختلف آسیب‌های جدی جامعه توحیدی بررسی شده است.</p> <p>بنابراین وجوه مشترک سوره‌ها بر دو جنبه وجه اسماء الهی به عنوان راه درمان و نجات، وجه انواع روش‌های مقابله با استمرار و استقرار حکومت جامعه ایمانی قرار می‌گیرد که با بررسی اسماء الهی می‌توان خلاءهای فکری یک جامعه را بررسی کرده و برای درمان آسیب‌ها از اسماء الهی مدد گرفت.</p>
سوره‌های مجادله، ممتحنه، منافقون، طلاق و تحریم	<p>این دسته سوره در میان سوره مسبّحات قرار گرفته‌اند و با آن‌ها در ارتباط هستند.</p> <p>سوره مبارکه مجادله با بیان مسائل در سه حوزه خانواده، برادری و ارتباطات، مسائل سیاسی و احکام دین؛ مهم‌ترین مسئله را عدم پیوند با افرادی بیان می‌دارد که با رسول‌الله دارای زاویه و عدم اتفاق نظر هستند اعم از منافقین و کفار.</p> <p>موضوع اصلی در سوره مبارکه ممتحنه، برائت از دشمنان است و به نقش مسئله زن در ارتقاء و یا افول جوامع می‌پردازد.</p> <p>سوره مبارکه منافقون، غفلت از آخرت را علت اصلی نفاق و منافق شدن انسان دانسته و خصوصیات منافق را نام می‌برد.</p> <p>سوره مبارکه طلاق، شروط موفقیت در زندگی را بیان کرده است و آیاتی که بیشتر قالب شرطی دارند نشان می‌دهد آن چیزی که در زندگی و بالآخر در فضای خانواده باید مورد توجه قرار گیرد، شروط موفقیت و شروط ناکامی در زندگی است و نه صرفاً توجه به ظواهر زندگی.</p> <p>در سوره مبارکه تحریم، با بیان بحث خانوادگی درون بیت رسول، نشان می‌دهد که ازدواج‌های پیامبر جنبه سیاسی داشته است. در مجموع این پنج سوره، با گذر از مسائل درون بیت به نقش افراد در ساختارهای اجتماعی اشاره دارد و علاوه بر توجه به آسیب‌هایی که در جامعه مدنی می‌تواند وجود داشته باشد، ارکان جامعه مدنی را یادآور شده و تبیین می‌کند.</p>



<p>این دو سوره مدنی هستند که به وضوح با تبیین شرایط کارزار و مسائل قبل و بعدش از دو منظر ایجابی و سلبی؛ آداب قیام، رزم و بروز نفاق در جامعه را بررسی می‌کنند. این دو سوره زوج سوره‌ای هستند که مفاهیم آن در هم تنیده و با هم مرتبط است. در واقع علاوه بر بیان احکام اجرایی و عملی آمادگی برای رزم، با بیان ویژگی طیف‌های مختلفی از انسان‌هایی که با رزم مشکل داشته و عهدشکن می‌باشند به نحوی مدیریت خود و شرایط را در عرصه‌های مختلف زندگی تبیین می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد در بُعد عملی برای اقامه ارزش‌ها و مدیریت جامعه مدنی، تدبیر در این دو سوره لازم است.</p>	<p>سوره انفال و توبه</p>
<p>سور مدنی هستند که با بیان مراتب بیت، نحوه جاری شدن احکام الهی در عرصه‌های مختلف را بیان می‌دارد.</p> <p>در سوره مبارکه حج با مخاطب قرار دادن مشرکین، اصول دین را بیان نموده و آن‌ها را انذار و تخویف می‌دهد و از طرفی دیگر با بیان قواعد منسک حج به عنوان نماد جهاد انبیاء در ابراز رسالت-شان؛ ممزوجی از ایستادگی و مقاومت جهادگونه انبیاء در جاری کردن احکام خداوند در عرصه‌های اجتماعی و در مقابل تهدید مقابله کنندگان با انبیاء را به تصویر می‌کشد. و از این طریق منسک حج را به عنوان راهکار عملیاتی شدن دعوت انبیاء معرفی می‌کند.</p> <p>در سوره مبارکه احزاب با محور قرار دادن انواع روابط در درون بیت رسول، قواعدی بیان می‌گردد که رعایت آن‌ها به عنوان حفظ شأن ولایت پیامبر در درون بیت مهم می‌شود و در واقع منشوری از نحوه تعامل و ارتباط با پیامبر ارائه داده و یادآور می‌شود حفظ شأن پیامبر به عنوان ولی جامعه و رعایت حدود الهی به منزله امانت‌داری در عرصه‌های اجتماعی است.</p> <p>سوره مبارکه نور نیز با طرح مباحث خانواده به قواعد کوچک‌ترین بیت در عالم اشاره دارد؛ از آسیب‌هایی که خانواده را تهدید می‌کند آغاز کرده و سپس با بیان قواعد توحیدی، راهی برای نورانی شدن بیت نشان می‌دهد.</p> <p>بدین ترتیب می‌توان گفت ما در واقع با حلقه و چرخه جاری شدن احکام خداوند در عرصه‌های مختلف اجتماعی مواجه هستیم. حرکتی که جهاد انبیاء در اقامه حکومت دینی را با نماد منسک نشان داده و برای تفصیلی‌تر شدن نحوه عملکردی انبیاء در عالم، تعاملات اجتماعی با رسول را بیان می‌دارد و بدین نحو شأن رسولان الهی به عنوان جهادگران عرصه‌های اجتماعی و تبیین کنندگان دین و جاری‌کنندگان منسک حج را بیان می‌دارد و در ادامه با بیان نحوه رعایت حدود الهی در بیوت مؤمنان اشاره به این حقیقت دارد که برای برپایی مناسک و امت‌سازی در جامعه مدنی باید از رعایت قواعد و حدود الهی در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و در ابتدایی‌ترین روابط اجتماعی شروع کرد.</p>	<p>سوره حج، نور و احزاب</p>



<p>زوج سوره‌هایی هستند که موضوعات مطرح شده در آن بسیار با یکدیگر مرتبط هستند و چگونگی رسیدن احکام به تفصیل را بیان می‌کنند. چنانچه کسی توان فهم این دو سوره را داشته باشد می‌توان گفت علاوه بر فهم مدیریت زندگی، تبدیل به انسان چابکی شده است که توان گام‌بندی‌های اجرایی را دارد.</p> <p>سوره مبارکه بقره با تمرکز بر ابعاد تقویت‌کننده و محدودکننده برنامه‌ریزی اجتماعی ذیل موضوع کتاب و نوع رویکرد و موضع‌گیری انسان‌ها نسبت به آن و از طرفی با طرح مباحث نظام ولایی و امام حق و امام کفر به مباحث اصلاح و افساد و نحوه برنامه‌ریزی اجتماعی پرداخته است. بنابراین با طرح مبحث مدیریت، امکانات و شرایط بایی را در حیطه برنامه‌ریزی اجتماعی برای فعال‌سازی جمعی جهت رسیدن به مقصدی مشخص گشوده است.</p> <p>سوره مبارکه آل‌عمران نیز، سوره تهلیل است و مبحث «لا اله الا الله» در آن ویژه مطرح شده است. در سوره بقره امامی که مطرح می‌کند، در سوره آل‌عمران تبدیل به یک اُمّت شده است؛ بنابراین بحث ولایت‌پذیری در جامعه مدنی از مجموع این دو سوره قابل پیگیری است. با توجه به این نکته کلیدی باید خاطر نشان کرد در برنامه‌ریزی اجتماعی می‌توان جهت تقویت رفتارهای اجتماعی و نفوذپذیری آن در اجتماع، طبق ضوابط و زمان‌بندی از دو وجه مدیریت و نظام‌سازی اجتماعی از این دو سوره مدد گرفت.</p>	<p>سوره بقره و آل‌عمران</p>
<p>سوره‌های مبارکه محمد، فتح و حجرات سه سوره مدنی هستند که هر کدام علی‌رغم اینکه فضای خودشان را دارند با یکدیگر دارای قرابت معنایی هستند.</p> <p>محور سوره مبارکه محمد صلی الله علیه و آله و سلم قتال است و به مسائل قبل جنگ و حین جنگ و بعد جنگ می‌پردازد به نحوی که در بعضی کتب با عنوان سوره قتال از آن یاد می‌شود. قتال اراده‌ی نبودن است؛ الزاماً هم جنگ با شمشیر نیست. اراده‌ی نبودن را قتال می‌گویند. در سوره محمد، مقایسه مؤمن و کافر در صحنه‌های زندگی، با رویکرد از کارکرد انداختن طرف مقابل است.</p> <p>سوره مبارکه فتح نیز فتح قرآن است. فتح یعنی به واسطه رسول اعظم خیلی از درها باز شده است. اگر ایشان نبودند خیلی درب‌ها باز نمی‌شد. سوره فتح حضور پیامبر در زندگی نوع بشر و فتح-های پیاپی در عالم است.</p> <p>سوره مبارکه حجرات به عنوان سوره آداب و اخلاق اجتماعی با بیان قواعد زندگی جمعی سالم به آداب برخورد با پیشوای اعظم اسلام و چگونگی برخورد با اختلافات و درگیری‌ها میان مسلمانان پرداخته و اصولی که مسلمانان در مواجهه با رسول الله باید به‌کار بندند را بیان می‌دارد.</p> <p>بنابراین می‌توان سیر منسجمی از ابراز موضع‌گیرانه متناسب با شرایط اجتماعی، نسبت به احکام الهی و خشتی نبودن نسبت به آن را در سوره محمد دنبال کرد و سپس در ادامه پیروزی مسلمانان به دلیل</p>	<p>سوره فتح، محمد و حجرات</p>



<p>پیروی از دستورات خدا و رسول را در سوره فتح دید و در سوره حجرات نحوه اطاعت و ادب اجتماعی نسبت به پیشوای اسلام برای ادامه فتح‌های مختلف در عرصه‌های کارزار اجتماعی آموخت. این سه سوره با روند بسیار دقیقی ابتدا با ارائه دسته‌بندی کلی به ترتیب صحیح سیر پدیدار شدن عمل اختیاری انسان در جامعه (اعم از ایمان آوردن به احکام و دستورات الهی تا ایجاد نفاق و یا کافر شدن به آن)، اعمال و اصولی را معرفی می‌کند و تا جایی پیش می‌رود که می‌توان احکام دقیق مواجهه‌ها و رفتارهای اجتماعی را نظم داده و برای اجرایی شدن آن برنامه‌ریزی کرد. از همین رو می‌توان گفت این سه سوره از وجه عملکردی، حد وصل برنامه‌ریزی اجتماعی و نظام-سازی اجتماعی هستند.</p>	
<p>سوره مبارکه مائده با طرح نظام ولایت و امامت، توضیح می‌دهد که اگر انسان‌ها در ساختار زندگی-شان به سمت ولایت بروند؛ سبک زندگی‌شان به طور کلی تغییر کرده و طیب‌خواه خواهند شد. لذا برای اجرایی و عملی کردن ساختار و نظام طیبات می‌توان از سوره مائده به عنوان سوره نظام‌ساز ولایت و تغییردهنده سبک زندگی به سمت ولایت‌مداری استفاده کرد.</p>	<p>سوره مائده</p>



ضمیمه شماره ۲

انواع تفصیل روابط:

۱. تفصیل روابط از نظر رتبه

هر یک از این روابط دارای احکام حقوق و غایت مخصوص خود است.

<p>شفع: رابطه‌ای برای رسیدن به مقصدی رابطه شفعیست رابطه‌ای است میان دو چیز، بر محور مشترکی که میان آن دو استوار می‌شود و یکی داشته خود را به داشته دیگری ملحق می‌کند تا بتواند به غرض و نتیجه‌ای دست یابد.</p>
<p>عون: رابطه همکاری برای تحقق امری رابطه عون، رابطه همکاری میان دو چیز برای تحقق امری است.</p>
<p>زوج: رابطه شراکت و تولید زوج آن چیزی است که در راستای وجود و بقای موجودی همراه، مقارن و معادل با آن دارای جریان مشخص و برنامه معلوم باشد و بتواند این منظور را رقم بزند لذا هر زوجیتی مستلزم موارد زیر است: وجود نقص، غرض و غایتی برای برطرف شدن نقص، وجود دو زوج معادل و قرین ولی گوناگون، که همراهی آنها موجب برطرف شدن نقص است، پیوند بین آن دو زوج، ایجاد شرایط لازم برای برطرف شدن نقص، نتیجه برطرف شدن نقص به عنوان محصول.</p>
<p>ولایت: رابطه سرپرستی و مقام امر و نهی و تکفل رابطه ولایتی یعنی عطف با کسی که به نحوی انسان را به بایدها و نبایدهای الهی متصل می‌کند. عطف به ولی باعث می‌شود تا انسان بر احکام خود واقف شده و بتواند ظرفیت خود را برای پذیرش احکام بعدی و دریافت محبت بیشتر به خداوند افزایش دهد.</p>



۲. تفصیل روابط از نظر شئون و ویژگی

شئون و ویژگی‌ها اعتبارهایی است که برای روابط در نظر گرفته می‌شود و به آن‌ها خاصیت می‌بخشد. اعتبار روابط و حقوق و احکام آن از جانب خدا تعیین می‌شود. برخی از این روابط عبارتند از:

<p>رابطه انسانی: هر انسانی از جانب خدا بر دیگر انسان‌ها حقوق معلوم و مشخصی دارد. منظور از روابط انسانی سطحی از رابطه است که بدون در نظر گرفتن فرهنگ، دین، خویشی و مواردی از این دست شکل می‌گیرد و در تعاملات تنها وجه انسان بودن افراد دخیل است. این روابط براساس حقوق انسانی تنظیم می‌شود و در دین احکامی مخصوص را به خود اختصاص داده که لازم است رعایت شود.</p>
<p>رابطه قومیت: هر انسانی به اعتبار هم‌عهده‌ی اجتماعی‌اش بر سایر افراد هم‌عهد خود حقوق مشخصی دارد. این روابط براساس حقوق مربوط به زیست‌گاه مشترک و یا هم‌عهده‌ی مشترک و اشتراکات مادی یا معنوی تنظیم می‌شود.</p>
<p>رابطه عهدی: علاوه بر عهدهای طبیعی و تکوینی افراد می‌توانند بین خود نیز عهدهای اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی جاری سازند.</p>
<p>رابطه دینی: انسان‌هایی که به شریعت‌های دیگر توحیدی هستند حقوقی مشخص بر مسلمانان دارند.</p>
<p>رابطه ایمانی: روابط ایمانی عبارت است از پیوند مجموعه‌ای از انسان‌ها با شأن ایمانی برای تحقق غایت خاص و حرکت در مسیری واحد که در راستای نصرت دین خدا و منویات ولی حق در جامعه بوده، به تثبیت قدم و ایمان‌افزایی در جمع، گسترش دین خدا در میان سایر انسان‌ها و همچنین توسعه جمع‌های این چنینی منجر خواهد شد. این روابط براساس حقوق مربوط به فضای دینی، ایمانی و اسلامی مشترک تنظیم می‌شود و افراد ملزم هستند تا براساس این فضا حقوقی را در رابطه با هم به جا آورند.</p>
<p>رابطه برادری: برادری دارای انواعی است و هر یک دارای حقوق مشخصی است.</p>
<p>رابطه خویشاوندی: روابط ارحامی، اتصال و ارتباط میان افراد که در قالب خانواده‌ها و بیوت صورت می‌گیرد و با محوریت اُمّ می‌باشد، شکل‌دهنده ارحام است. هر انسانی که به دنیا می‌آید در پیوندهای خویشاوندی با افراد دیگر قرار دارد. در صورتی که بیوت نسبت به این پیوندها اهتمام داشته باشند و اتصال با دیگران از طریق این پیوندها را حفظ نمایند، هویت جمعی ارحام شکل گرفته می‌شود. رابطه فامیلی-سببی و نسبی- برای هر فرد به طور طبیعی اتفاق می‌افتد و خویشاوندان به نسبت نزدیکی خود دارای حقوق هستند. این نسبت‌ها در صورتی که با رابطه ایمانی تداخل نداشته باشند، قابل اعتناست که احکام آن توسط دین تبیین شده است.</p>
<p>رابطه همسری: در رابطه همسری می‌تواند بسیاری از روابط فوق جمع باشد لذا از سایر روابط حساس‌تر و دقیق‌تر و دارای میثاقی غلیظ‌تر است.</p>



۳. تفصیل روابط از نظر نیازها و مقاصد

در این حالت از روابط، افراد هر یک به نسبت کارکردی که می‌یابند دارای نوعی رابطه می‌شوند. برای هر یک از این رابطه‌ها در دین احکامی مشخص وضع شده است.

رابطه همسفری: مسافرت یکی از ضرورت‌های زندگی است که نوعاً به همراه عده‌ای صورت می‌گیرد و دارای حقوق خاصی است.
رابطه هم‌صحبتی: گفتگو یکی دیگر از ضرورت‌های زندگی است که برای خود دارای احکام خاصی است.
رابطه مشاوره: به طور طبیعی انسان قادر نخواهد بود نسبت به همه نیازهای خود علم به دست آورد. در مشورت افرادی که توانسته‌اند از وجهی قوت یابند، علم خود را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. بر افراد جامعه رجوع به ایشان طبق ضوابط عقلی و شرعی لازم است و بر کسانی که علمی در اختیار دارند نیز عطای بی‌دریغ آن علم به دیگران ضروری است.
رابطه همراهی: انسان در طی مسیر علمی یا معنوی یا حتی مسیر معمولی خود با افرادی هم‌مسیر می‌شود. این هم‌مسیری دارای احکام و حقوقی است.
رابطه همسایگی: انسان در زندگی خود بنا به دلایلی با افراد مجاور می‌شود این مجاورت دارای حقوق و احکام خاص است.

۴. تفصیل روابط از نظر مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی

قدرت و علم، نفوذ افراد را در جامعه توسعه می‌دهد و این فضل و برتری به ایشان، مسئولیت بیشتری نسبت به دیگران عطا می‌کند. بر این اساس طبق نظام دینی، جامعه به دو قشر عوام و خواص تفکیک شده و برای خواص نیز روابط متعددی در نظر گرفته شده و برای هر یک احکام و حقوقی فرض شده است. برخی از این رابطه‌ها عبارتند از:

رابطه خواص اجرایی در حکومت
رابطه خواص فکری و علمی جامعه
رابطه خواص اقتصادی
رابطه خواص سیاسی
رابطه خواص حافظ امنیت
رابطه خواص فرهنگی هنری
رابطه خواص صنعتی
رابطه خواص تبلیغی



۵. تفصیل روابط از نظر محبت و پیوند

دوستی و محبت از ویژگی‌های فطری انسان است که براساس سنخیت و ایجاد یگانگی فعال می‌شود. در عین حال هر محبتی دارای سطوحی از حقوق و احکام است که از دیگری متمایز و متفاوت است. برخی از این روابط را می‌توان در موارد زیر بررسی کرد:

رابطه همسری
رابطه پدری
رابطه مادری
رابطه فرزندی
رابطه استادی
رابطه شاگردی
رابطه مولوی
رابطه برادری
رابطه خواهری
رابطه مشاوره‌ای
رابطه همکاری
رابطه دشمنی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا
وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

دفتر دوم

نظام اجرایی نقتش علوم اجتماعی



فهرست دفتر دوم

۶۳مقدمه دفتر دوم
۶۴فصل اول: تعیین عرصه
۶۶فصل دوم: سطوح روابط و تعاملات در عرصه
۶۸فصل سوم: ویژگی نیروها
۶۹نیروی متخصص در عرصه‌های اجتماعی
۷۱نیروی متخصص در کارگروه‌های اجتماعی
۷۳سطوح روابط تعاملی نیروها
۷۷خاتمه

مقدمه

خداوند متعال انسان را اشرف مخلوقات و خلیفه الله نامید و به او اراده و اختیار عطا کرد تا مسیر خود را در زندگی انتخاب کند و آدم علیه السلام ابوالبشر را دریافت‌کننده وحی و احکام الهی از جانب خود قرار داد تا از همان ابتدا مسیر حق از باطل توسط امر خداوند مشخص شده و اوامر و نواهی خداوند متناسب شرایط زندگی در عالم ماده جاری شود و بعد از او رسولانی پی در پی فرستاد تا هادی انسان باشند و به هنگام خطا و انتخاب نادرست او را انذار داده و از راه ناصواب باز دارند.

قرآن، آخرین کتاب هدایت بشر توسط خاتم انبیاء بر انسان عرضه شد و امامان معصوم، چونان ستارگان آسمان، روشن‌کننده راه زندگی بشریت، قرآن را قرائت کردند تا نحوه عمل به آیات الهی را بیاموزیم. حال، بعد از تلاش سال‌ها مجاهدت انبیاء و رسولان الهی و امامان معصوم، نوبت ماست تا قرآن را در زندگی خود جاری کرده و آن‌چنان قرائت کنیم که قابل بالا رفتن از نردبان رشد و هدایت بوده و به نحوی بر آیات آن، جامه عمل بپوشانیم که تک‌تک سوره‌ها، آیات و کلماتش در بستر زندگی جاری شود.

متن پیش‌رو نظام اجرایی نقشه علوم اجتماعی است که بر مبنای یک دست‌گاه فکری قرآن کریم طراحی شده و تمام گام‌های آن براساس سور مبارک تنظیم شده است. از آنجا که در متن سند «سیاست‌ها و راهبردهای فعالیت‌های قرآن محور» و «نظام‌نامه خانواده» شرح مبسوطی از روابط و ویژگی‌های نیروها و نحوه بهره‌مندی از امکانات و مسائل مالی و نشر بیان شده است در این متن نیازی به تکرار ندیده و علاقمندان را به سندهای بالادستی و ذکر شده ارجاع می‌دهیم. بنابراین در این نوشتار به بیان کلیاتی بسنده می‌کنیم که در گذر زمان تغییر نکرده و رخدادهای ایام، آن را از کارکرد نمی‌اندازد.

امید است متدبیرین و مجریان این نظام‌نامه به حول و قوه الهی و با توکل به خداوند متعال و توسل به اهل بیت علیهم السلام در جاری کردن این دست‌گاه فکری تمام سعی خود را بنمایند.



فصل اول

تعیین عرصه

هر موجودی متناسب با ظرفیت خود همواره در حال دریافت امر الهی است. انسان نیز باتوجه به اینکه انتخاب و اختیار، در ظرفیت او قرار داده شده است، از این امر مستثنی نمی‌باشد. در واقع مرتبه‌ای از تجلی امر الهی، برای انسان این امکان را ایجاد کرده که با انتخاب آگاهانه خود، دریافتی از مراتب حیات داشته باشد.

با توجه به این حقیقت، چنانچه انسان باید نبایدهای زندگی خود را از جانب ربّ عالم دریافت کند با رخدادهایی مواجه می‌شود که توان‌هایش را شکوفا کرده و به سعادت او منجر خواهد شد و در مقابل چنانچه باید نبایدهای زندگی خود را از مصدری غیر الله دریافت دارد، با رخدادهای ناگواری مواجه می‌شود که منجر به هلاکت او می‌گردد.

بنابراین چنانچه انسان خواستار فلاح و سعادت خود باشد، برای انجام هر عملی و حضور در هر فعالیتی، به دنبال امر الهی بوده و به طور جدی از طاغوت و جلوه‌های آن اجتناب خواهد کرد.

لذا شناخت اوامر و نواهی خداوند در بسترهای زندگی از اوجب واجبات بوده و لازم است با تدبیر در قرآن باید و نبایدهای الهی را در رخدادهای زندگی کشف کنیم.

هرگاه انسان موفق شود موضوعی را متناسب با باید و نباید الهی بررسی کرده و احکام الهی را در بستری حاکم سازد، عرصه‌ای را ایجاد کرده و حیات الهی در آن بستر احیا می‌شود.



لذا برای تعیین عرصه، ابتدا باید بسترهای مختلف زندگی را شناخت و سپس نسبت به حاکمیت اوامر و نواهی خداوند در آن اقدام نمود.

قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب آسمانی، بهترین منبع برای معرفی بسترهایی است که انسان در طول زندگی خود و متناسب نیازهای حقیقی‌اش با آن مواجه شده و یا در آن به ایفای نقش خواهد پرداخت.

بنابراین به نظر می‌رسد بهترین مسیر برای شناخت عرصه‌های زندگی، مطالعه بسترهایی است که قرآن از آن یاد کرده و تعاملات و ارتباطات اجتماعی در سطوح مختلف در آن شکل می‌گیرد.

از آن‌جا که امکان بررسی و انتخاب تمام عرصه‌های حقیقی در زندگی میسر نیست، برای انتخاب عرصه تخصصی بهتر است موارد زیر را مد نظر قرار داد:

- ✓ **مسئولیت اجتماعی:** چنانچه فردی دارای شأن و جایگاه اجتماعی خاصی باشد و مسئولیتی را بر عهده گرفته باشد، لازم است آن عرصه را شناخته و متناسب آن احکام الهی را جاری سازد.
- ✓ **توان و ظرفیت فرد:** هر فردی باید توان و ظرفیت خود را در انتخاب عرصه در نظر بگیرد.
- ✓ **استعداد فردی:** فضل‌ها و استعدادها، کمک‌کننده در اجرای بهتر احکام الهی در هر بستری هستند. چنانچه فردی در عرصه‌ای توانمند باشد، بهتر می‌تواند احکام خداوند را در آن جاری کند.
- ✓ **علاقه و یا دغدغه فردی:** به هر دلیلی ممکن است انسان نسبت به عرصه‌ای علاقه خاصی نشان دهد و یا نسبت به آن دغدغه داشته باشد. این موتور محرکه سبب می‌شود سختی‌های مسیر دیده نشده و تا حصول نتیجه به سعی و تلاش خود ادامه دهد.



فصل دوم

سطوح روابط و تعاملات در عرصه

انسان موجودی بالطبع اجتماعی است و خواه ناخواه تمام بسترهای اجتماعی او سرشار از سطوح مختلف تعاملات و ارتباطات اجتماعی است که در پذیرش نقش‌های اجتماعی در بسترها و در رخدادهای زندگی تأثیر بسزایی دارد.

ارتباطات دو یا چند نفره، کنش و واکنش‌های اجتماعی را رقم می‌زند که در بسترهای مختلف خود را نشان داده و هنگامی که انسان بخواهد اوامر و نواهی خداوند را حاکم کند، قد علم کرده و خودنمایی می‌کند.

ارتباطاتی که براساس موازین الهی شکل گرفته باشد، خالی از هرگونه منیت، هوی و هوس بوده و صرفاً تجلی‌دهنده احکام الهی در رخدادها خواهد بود.

این سطح از ارتباط شاید در نظر برخی افراد چندان دل‌انگیز و دل‌چسب نباشد اما می‌توان گفت خالی از هرگونه گناه بوده و براساس موازین الهی است.

ارتباطات اجتماعی را می‌توان براساس مولفه‌های ساختار وجودی انسان مبتنی بر توان انسان‌ها به موارد زیر دسته‌بندی کرد:

- براساس مؤلفه‌های حسی هم‌چون زبان چشم و گوش: ارتباط از جنس هم‌کلامی با استفاده از قوای ادراکی و حواس
- براساس مولفه تفکر: ارتباط از جنس هم‌فکری با استفاده از اشتراک گذاشتن آراء و نظرات



- براساس مولفه قلب و صدر: ارتباط از جنس هم‌دلى با استفاده از قدرت توجه و عواطف
- براساس مولفه فعل و مقصد: ارتباط از جنس هم‌راهى با استفاده از مقاصد مشابه با ديگران
- براساس مولفه فعل و نيت: ارتباط از جنس هم‌كارى با استفاده از انجام اعمال مشترك با ديگران
- براساس مولفه علم و ايمان: ارتباط از جنس هم‌نشيني با استفاده از نشست و برخاست
- براساس مولفه توجه: ارتباط از جنس هم‌آهنگى با استفاده از تعامل در اهداف

شناخت نوع روابط در عرصه‌هاى اجتماعى راه را براى تشخيص حدود و ثغور تعاملات اجتماعى هموار نموده و در ادامه فرد مى‌تواند سطوح ارتباطات خود را شناسايى كند.



فصل سوم

ویژگی نیروها

انسان تا زمانی که در دنیا زندگی می‌کند هر عملی که انجام می‌دهد چه آشکار باشد و چه نهان، بر خود و دیگران اثر دارد. بنابراین هیچ‌یک از افعال و اعمال او فردی تلقی نگردد و از آن‌جا که دنیا محل بروز استعدادها و نهفته است، هر بروزی در عالم نشان‌گر حرکتی خواهد بود.

منظور از حرکت اجتماعی، بروزاتی از انسان است که از رابطه نقش‌ها با هم ناشی می‌شود. در این صورت هر حرکت اجتماعی از اثرآفرینی بیش از یک نقش به وجود آمده است.

با فعال شدن نقش‌ها، روابط انسانی شکل می‌گیرد و عناوین جدیدی برای انسان به وجود می‌آید. این تبدیل نقش به رابطه (که عناوینی را برای فرد پدید می‌آورد) خود حرکتی است که چون در بستر اجتماع تحقق می‌یابد به آن حرکت اجتماعی گوئیم. بنابراین از ارتباط نقش‌ها با هم یا تلفیق روابط، حرکت اجتماعی پدیدار می‌شود.

آغاز هر ارتباط، نقطه عزیمت یک حرکت است که از فردی به سوی فرد دیگر آغاز می‌شود و به اعتبار اثرگذاری و منطبق بودن با خواست الهی در فضای جامعه انسانی، ارزیابی می‌شود و دارای محرک بزرگی چون بهره‌مندی از حیات - ولو به صورت توهمی - است و می‌توان از «برقرار بودن ارتباط‌ها» یا وجود دستاوردهایی به «وجود حرکت‌ها» پی برد.

هر حرکت اجتماعی از حرکت دیگری ایجاد شده و مولود است و خود می‌تواند منشأ و مولد حرکت‌های دیگری باشد. در این حالت ارتباط علی و معلولی بین این حرکت‌ها وجود دارد. پس هر حرکتی به نسبت حرکت‌های دیگر یا رابطه علی و



معلولی دارد یا ندارد؛ در صورتی که رابطه علی و معلولی نداشته باشد یا با سایر حرکات تشابه داشته و از وجهی هم‌سرخ آن‌ها است یا هیچ ارتباطی ندارد؛ در صورت عدم ارتباط یا ضد و مخالف آن است یا وجهی از تقابل در آن وجود دارد.^۱

گستره مدرسه یا گروه علوم اجتماعی با هدف تشکیل جمع‌های ربّانی و اّمّت توحیدی حول محور امام، محدود به تعدادی از افراد نیست و تمام آحاد جامعه - منظور افرادی است که به هر نحو مخاطب تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها و محتوای اجتماعی تولید شده باشند- و نیروهای متخصص در عرصه‌های اجتماعی یا کارگروه‌های علوم اجتماعی متناسب نقش‌هایی که منجر به حرکت‌های اجتماعی می‌شود، در آن عضو هستند.

نیروی متخصص در عرصه‌های اجتماعی

منظور افرادی است که در ایجاد و روند تصمیمات، برنامه‌ریزی‌ها و محتواهای اجتماعی تولید شده در عرصه‌های مختلف اجتماعی دخیل باشند و بتوانند احکام مرتبط با عرصه خود را از قرآن استخراج نموده و درصدد جاری کردن آن برآیند. لذا توجه به موارد زیر لازم به نظر می‌رسد:

- ❖ تشخیص حدود عرصه منوط به انتخاب عرصه است.
- ❖ این انتخاب یا بر منطبق قرآن اتفاق می‌افتد و عرصه همان است که خداوند برای انسان در حوزه زیستن در عالم دنیا معرفی می‌کند یا مربوط به حوزه نیازهای انسان است که می‌تواند به عنوان سؤال به قرآن عرضه شوند.
- ❖ در هر دو حالت کلمات در قرآن معرف حدود عرصه هستند.
- ❖ ایجاد شبکه کلمات برای عرصه می‌تواند ارتباط عرصه را با سایر عرصه‌ها مشخص کند.
- ❖ قلمرو هر عرصه‌ای را باید از کتاب خدا به دست آورد زیرا معیارهای وحی برای محدوده‌بندی حوادث و رخدادها با سایر معیارهای قراردادی بسیار متفاوت است.
- ❖ در نظر نداشتن وحی برای تشخیص نیازها و مسائل یک عرصه باعث بی‌خبر ماندن از نیازها و مسائل مهم‌تر و ترجیح دادن نیازها و مسائل به ظاهر مهم بر آن‌هاست.
- ❖ غرض هر عرصه همان منفعتی است که خداوند برای عرصه در نظر گرفته است که دارای مراتب است. غایت هر عرصه منفعت یا ضرری است که به واسطه بهره‌مندی یا عدم بهره‌مندی از عرصه متوجه انسان یا جامعه می‌شود.
- ❖ خداوند در آیات، علاوه بر غرض یا غایت عرصه به مسیر دستیابی آن‌ها نیز اشاره کرده است. این اشاره یا به صورت مستقیم از ظاهر آیات برداشت می‌شود و یا با کندوکاو بیشتری از ظاهر معلوم می‌گردد.
- ❖ گاهی نیز بایدها و نبایدهای مربوط به یک عرصه به طور کامل توسط روایات اهل بیت علیهم السلام تبیین شده است.

۱. «تدبر در ساحت جامعه»، فصل دوم: تدبر در حرکت‌های اجتماعی، اخوت، احمدرضا.



- ❖ در هر صورت مسیرهای دستیابی به غرض یا به صورت هدف‌گذاری‌های کلی یا جزئی و تفصیلی یا با تعیین ارزش‌ها تعیین شده است.
 - ❖ مقصد، تعیین‌کننده نوع عملیات است. متنی که این مسأله در آن تحلیل می‌شود، نوع عملیات را مشخص می‌کند. ممکن است مسأله‌ای در یک سوره پی گرفته شود و یا ممکن است مسأله‌ای در میان چند سوره پی گرفته شود.
 - ❖ نحوه انتخاب سوره‌ها نیز متغیر است. ممکن است سوره‌های مکی و یا چند سوره مکی با هم انتخاب شوند و نیز ممکن است یک سوره مدنی به همراه سوره‌های مکی انتخاب شود.
 - ❖ کسی می‌تواند بایدها و نبایدهای یک عرصه را به خوبی از کتاب خدا استخراج کند که هم کتاب خدا را خوب بشناسد و هم از حضور مراتب انسان در مراتبی از همان عرصه باخبر باشد.
 - ❖ حداقل شناخت عرصه، درگیر شدن با مسائلی از آن عرصه است که با لمس آن‌ها در بسترهای زندگی ممکن می‌شود، به گونه‌ای که فرد هم بتواند پس از بروز مسأله، مسأله خود را به وضوح به قرآن ارجاع دهد و هم بتواند باید و نبایدهای الهی در رابطه با آن عرصه را به خوبی محقق سازد.^۲
- شایسته است برای ارتقاء توان خود به موارد زیر توجه کند:
- أ. خواندن قرآن به صورت منظم، روزانه بیش از یک ساعت باشد. این موضوع نشانه‌ای برای ایجاد انس به گونه‌ای است که فرد احساس وابستگی شدید به قرآن نماید.
 - ب. قدرت ارتباط‌دهی موضوعات بیرونی با موضوعات قرآن و بالعکس را داشته باشد.
 - ت. توان در نظر گرفتن گزاره‌های حقیقی در اغلب مواقع زندگی و برای بیشتر تصمیمات زندگی خود را داشته باشد. (بیشتر از ۷۰ درصد)
 - ث. توان برنامه‌ریزی اجتماعی یا ساختاری^۳ متناسب با غرض دسته‌ای از سوره‌های قرآن را داشته باشد.
 - ج. علاوه بر تسلط کامل به نفس و افعال و اعمال و نیت خود، هم‌چنین مراقبت ویژه در کنترل خطورات و تخیلات داشته باشد.

۲. برای مطالعه بیشتر به کتاب «شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: دفتر دوم: عملیات‌سازی»، اخوت، احمدرضا، درس دهم، مراجعه شود.

۳. برنامه‌ریزی ساختاری عبارت است از فرآیندی که طی آن انسان نه فقط برای خود و یا شئون اجتماعی زندگی‌اش، بلکه برای جامعه خود و با توجه به نیازها و مقاصد آن برنامه‌ریزی انجام می‌دهد.

نیروی متخصص در کارگروه‌های اجتماعی

منظور افرادی است که با استفاده از روش‌های تدبیرمحور در سامان‌دهی کارگروه‌های اجتماعی فعالیت دارند.

هر کارگروه لازم است برای انجام عملیات خود متناسب با عرصه‌های اجتماعی، وارد عملیات علمی و اجرایی در سطوح کلان، میانه و خرد شوند.

در همین راستا کارگروه‌ها مراحل ذیل را باید مدنظر قرار دهند:

- ✓ ترسیم نقشه و درخت موضوعات از سور مکی (سیر علمی، رویکردی-اعتقادی) برای پاسخ به:
 - شناخت ماهیت عملکرد کارگروه (موضوع کارگروه چه چیزی هست و چه چیزی نیست)
 - ارائه تعریفی از نحوه عملکرد کارگروه
 - بیان مولفه‌ها و حدود و ثغور وظایف کارگروه
 - قوانین، بایدها و نبایدهای علمی و عملکردی کارگروه
 - آسیب‌هایی که عملیات کارگروه را تهدید می‌کند
 - نحوه رفع آسیب‌ها
- ✓ ترسیم نقشه و درخت موضوعات از سور مدنی (سیر عملی، رویکرد اجرایی) برای ورود به عملیات‌های اجتماعی
 - تعیین چارت ساختاری و سازمانی خود برای مشخص کردن مناسبات سازمانی افراد کارگروه با یکدیگر
 - ✓ تبیین وظایف کارگروه‌ها نسبت به:
 - دیگر کارگروه‌ها
 - اعضای کارگروه
 - ✓ تربیت نیروی متخصص برای پیوستن به:
 - اعضای کارگروه
 - عرصه‌های اجتماعی
 - ✓ پاسخ به مراجعه‌کنندگان در عرصه‌های تخصصی اجتماعی
 - ✓ و ...



در ادامه، معرفی اجمالی از مسئول کارگروه و اعضای آن ارائه می‌شود.

مسئول کارگروه: توان استخراج حکم از قرآن (لازمه آن، توان استخراج نظام موضوعات و مسائل از سور قرآن کریم است)، متناسب بستر و شرایط^۴

لذا لازم است برای ارتقاء توان خود به موارد زیر توجه کند:

- ا. خواندن قرآن به صورت منظم، روزانه بیش از یک ساعت باشد. این موضوع نشانه‌ای برای ایجاد انس به گونه‌ای است که فرد احساس وابستگی شدید به قرآن نماید.
- ب. قدرت ارتباط‌دهی موضوعات بیرونی با موضوعات قرآن و بالعکس را دارد.
- ت. بتواند گزاره‌های حقیقی را در بخش بیشتری از زندگی (بین ۴۰ درصد تا ۷۰ درصد) در نظر بگیرد و توان در نظر گرفتن گزاره‌های حقیقی در اغلب مواقع زندگی و برای بیشتر تصمیمات زندگی خود را داشته باشد. (بیشتر از ۷۰ درصد)
- ث. توان برنامه‌ریزی اجتماعی متناسب با غرض سوره‌ای از قرآن را بدست آورد. به علاوه توان برنامه‌ریزی ساختاری متناسب با غرض سوره‌ای از قرآن را کسب کند.
- ج. قدرت کنترل خود را تقویت نماید به گونه‌ای که تسلط کامل به نفس و افعال و اعمال و نیات خود داشته باشد.

اعضای کارگروه: توان استخراج نظام موضوعات از سور قرآن، متناسب بستر و شرایط (توان کشف رابطه توحید تبیین شده در سوره با سایر موضوعات سوره و شناخت آسیب‌های اجتماعی مانع جریان‌سازی توحیدی و ارائه راهکار براساس اسماء الهی سوره^۵)

لذا لازم است برای ارتقاء توان خود به موارد زیر توجه کند:

- ا. قرآن را به صورت منظم، روزانه بیشتر از نیم ساعت تا یک ساعت بخواند. در واقع این موضوع نشانه‌ای برای ایجاد انس به گونه‌ای است که فرد احساس جدایی از قرآن را برای خود متصور نباشد.
- ب. توان ارائه انواع دسته‌بندی موضوعی از سوره و تفصیل مطالب و ارتباط دسته موضوعات سوره با سوره دیگر را بیابد. به علاوه توان ثبت موضوعات مهم سوره‌ها و توان ارتباط‌دهی موضوعاتی که بین کلمات، آیات، سوره‌ها قرار دارد را دارا باشد.
- ت. توان در نظر گرفتن گزاره‌های حقیقی در بخش متوسطی از زندگی (بین ۱۰ درصد تا ۴۰ درصد) را داشته باشد.
- ث. توان برنامه‌ریزی شخصی متناسب با غرض سوره‌ای از قرآن را به دست آورد.

۴. دوره تهلیل: دوره‌ای است که در آن فرد توان بررسی ابعاد مختلف یک سوره را به دست بیاورد.

۵. کتاب «روش‌های تدبر سوره‌های مدنی» و ما بعد.



ج. عیوب و نواقص و گناہانی را که عموماً افراد جامعه از آن بی‌اطلاع‌اند، برطرف کند.

سطوح روابط تعاملی نیروها

با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد علاقه‌مندان به فعالیت در عرصه‌های اجتماعی یا کارگروه‌های مشخص شده، لازم است سطوح روابط خود را با دیگر افراد مشخص کرده و در تعاملات اجتماعی، حقوق آن را لحاظ نمایند.

در ادامه، جهت تسهیل روند، معرفی اجمالی از سطوح مختلف روابط ارائه می‌شود.

رابطه ولایی

سطح رابطه من ولایی است اگر:

- ✓ به ضرورت وجود حکم برای هر کار قائل باشم.
- ✓ به باید و نبایدهای جاری در زندگی واقف باشم.
- ✓ بتوانم از طریق عقل حجت هر کار را کشف کنم.
- ✓ عقل را با ترک گناه و از مسیر تفکر شکوفا سازم.
- ✓ بتوانم حجت بیرون را کشف نموده و او را واسطه در ابلاغ حکم بدانم.
- ✓ خودم را در معرض حکم قرار داده و قصد و عزم تبعیت از آن داشته باشم.

رابطه زوجیت

سطح رابطه من زوجیت است اگر:

- ✓ در وجود خود نقصی را پیدا کرده باشم.
- ✓ برای برطرف شدن نقص، غرض و غایتی در نظر گرفته باشم.
- ✓ زوجی هم کفو در اعتقادات و باورهای دینی داشته باشم.
- ✓ در خلیات و روحیات با یکدیگر سازگار باشیم.
- ✓ به تعهداتی که با یکدیگر داریم، پایبند باشیم.

برای استمرار پیوند زوجیت از طریق موارد زیر تلاش کنم:

- ✓ پیوند با ولی الهی
- ✓ شناخت و ادای حقوق
- ✓ ارتقای تقوا و معنویت
- ✓ ارتقای علم و دانش



✓ و ...

رابطه شفیعیت

رابطه من شفیعیت است اگر:

- ✓ به فرد یا شیء دیگری برای به دست آمدن نتیجه مشخصی ملحق شوم.
- ✓ به کمک وجه کمال شفیع خود، نقص‌هایم برطرف شود.
- ✓ بین من و شفعم، سنخیت لازم وجود داشته باشد.
- ✓ به واسطه این رابطه، تعاون صورت پذیرد.

رابطه انسانی

رابطه من انسانی است اگر:

- ✓ به محیط زیست توجه کنم.
- ✓ به محرومین کمک نمایم.
- ✓ در ادای حقوق انسانی و رعایت اخلاق اجتماعی با رعایت موارد زیر تلاش نمایم:
 - ✓ امانت‌داری
 - ✓ راست‌گویی
 - ✓ انعطاف و مدارا
 - ✓ عدل و انصاف
 - ✓ کنترل کلام و پرهیز از کلام‌های زشت
 - ✓ بخشش و عدل
 - ✓ یاری کردن برای اطاعت خدا
 - ✓ فعال کردن مکارم اخلاق مانند مهمانی دادن
 - ✓ اقامه قسط و پرپایی عدالت
 - ✓ داشتن تفکر جهاد در راه خدا
 - ✓ دوری از فساد و مقابله با آن
 - ✓ ترویج بایدها و نبایدهای الهی
 - ✓ حل اختلافات بین مردم
- ✓ و ...



رابطه ایمانی: (هم قصد و هم جهت: اَمّت)

سطح رابطه من ایمانی است اگر:

- ✓ ولی الهی را بپذیرم و از متن قرآن به عنوان میثاق جمعی تبعیت نمایم.
- ✓ انگیزه و قصد نصرت دین خدا را داشته باشم.
- ✓ با ابراز برائت از دشمنان خدا درصدد یاری اولیای خدا باشم.
- ✓ مقاصد تفصیلی مشترک را تعیین نموده و راههای دست‌یابی به آن را به صورت مرحله‌ای و زمان‌بندی و با برنامه‌ریزی مشخص و دقیق تبیین نمایم.
- ✓ جای خود را در جمع بشناسم.
- ✓ وظایف خود را برای دست‌یابی به مقاصد مشترک تعیین نمایم.
- ✓ وظایف محوله را در وقت و موقعیت در نظر گرفته شده انجام دهم.
- ✓ سطح خود را برای انجام وظایف مشترک ارتقا دهم.
- ✓ مقاصد مشترک را تفصیل و توسعه دهم.
- ✓ درصدد ارتقاء جمع و تألیف با جمع‌های دیگر برآیم.
- ✓ رابطه ولایی انسانی و التزام به آن را بشناسم.

رابطه برادری

رابطه من برادری است اگر:

- ✓ امین برادرم باشم.
- ✓ به او کمک و اعانت برسانم.
- ✓ با او الفت بگیرم.
- ✓ با او مودّت قلبی برقرار نمایم.
- ✓ آینه او باشم.
- ✓ اسرارش را حفظ نمایم.
- ✓ در آشکار و نهان با او دوست باشم.
- ✓ او را احترام و تکریم نموده.
- ✓ با او گرم و صمیمی باشم.
- ✓ در کسب منافع او را با خود شریک نمایم.
- ✓ و ...



سطح رابطه ارحامی

رابطه ارحامی از راه نسبت‌های پدر و مادر، ازدواج، شیردهی به طفل و ارحام معنوی شکل می‌گیرد. هر یک از این سطوح دارای احکام مختص به خود است.

سطح رابطه من ارحام نسبی است اگر:

✓ از یک رحم نشأت گرفته باشیم مانند والدین، خواهر و برادر و ...

سطح رابطه من ارحام سببی است اگر:

✓ رابطه خویشاوندی در نتیجه ازدواج حاصل شود.

سطح رابطه من ارحام رضائی است اگر:

✓ از طریق شیر خوردن نوزادی ایجاد شده باشد.

سطح رابطه من ارحام معنوی است اگر:

✓ از طریق توجه به اهل بیت خود را به جریان حقیقت هستی (بستر تحقق اسماء حسناى الهی) متصل نمایم.

خاتمه

انسان بدون برقراری تعامل و ارتباطات اجتماعی قادر به ادامه حیات نیست. بنابراین در گام اول تعاملات اجتماعی، موفقیت در عرصه‌ای می‌تواند مبتنی بر انتخاب و تشخیص درست سطوح روابط بین افراد مختلف در هر عرصه باشد تا بدین صورت فرد بتواند به سمت اهداف عرصه و غرض اصلی آن حرکت کرده و موفقیت‌هایی کسب نماید.

بنابر آنچه پیش‌تر آمد، هر فردی علاوه بر پیدا کردن تخصص در عرصه انتخابی خود، لازم است سطوح روابط و تعاملات را شناسایی کرده و برای اصلاح و ارتقای آن بکوشد و از طرفی دیگر شناسایی آسیب‌های هر عرصه، شناخت و تبیین راه‌های برون‌رفت از آسیب و اتخاذ تدابیر درست همراه با گام‌بندی‌های اجرایی ضروری به نظر می‌رسد. بدین نحو امید است متدبر قرآنی در عرصه‌های عملیاتی خود بتواند حکم خداوند را از قرآن کریم بدست آورده و بر آن متناسب شرایط و نظام مسائل عرصه تخصصی جامه عمل بپوشاند.

این نوشتار در تاریخ جمعه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۲ مصادف با ۴ ربیع‌الثانی

ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام از نوادگان کریم اهل بیت تکمیل شد.

به امید دست‌گیری و عنایت خاص ایشان



دفتر سوم

نظام آموزش شرقی علوم اجتماعی

فهرست دفتر سوم

۸۱.....	مقدمه
۸۳.....	دوره گوهراں
۸۷.....	دوره مشفقین
۹۲.....	دوره منفقین
۱۰۰.....	دوره منیبین
۱۰۸.....	ضمائم



مقدمه

نقشه علوم اجتماعی با هدف تشکیل جمع‌های ربّانی و اّمت توحیدی حول محور امام، درصدد است با شناسایی ظرفیت‌ها از طریق گام‌های زیر، ظرفیت‌ها را ارتقاء داده و با ایجاد ظرفیت‌های جدید این هدف مهم را محقق نماید:

- آسیب‌شناسی اجتماعی با محوریت رفع موانع ظرفیت‌های اجتماعی برای تشکیل اّمت
- تدبیرگری اجتماعی با محوریت تدبیر و تدبّر برای استقرار اّمت
- برنامه‌ریزی اجتماعی با محوریت نظام ولایی برای شکوفایی اّمت
- نظام‌سازی اجتماعی با محوریت ولیّ برای رشد اّمت

لذا جهت تحقق این هدف، نظام آموزشی زیر پیشنهاد می‌شود.

بدیهی است از آنجا که هدف اصلی، تحقق غایت و گام‌های نقشه جامع علوم اجتماعی به عنوان دستگاه فکری است، لذا با تغییر شرایط اجتماعی - فرهنگی و اقتضائات جامعه، این نظام قابلیت تغییر یا تکمیل دارد.

مراحل دوره‌های آموزشی

هر فعالیت اجتماعی علاوه بر تسلط بر مباحث تخصصی، نیازمند شناسایی عرصه و مخاطبان آن است تا بتواند به اهداف خود نائل گردد.

بنابراین برای تحقق غایت نقشه علوم اجتماعی، نیاز به افرادی است که بتوانند در عرصه‌های تخصصی خود نظام موضوعات و مسائل را استخراج کرده و از قرآن به عنوان کتاب زندگی، راه حل آن را بیابند.



افرادی توانمند که آسیب‌های عرصه خود را شناخته، راه برون‌رفت را می‌دانند؛ می‌توانند موضوعات و مسائل عرصه خود را به خوبی تبیین کرده و برای رسیدن به نتیجه نهایی برنامه‌ریزی کنند و در آخر، حکم نهایی را از منظر قرآن ارائه دهند. بدیهی است اگر جامعه‌ای فاقد چنین افرادی باشد، لازم است متخصصین مربوطه برای تربیت و پرورش چنین افرادی، از سنین نوجوانی تلاش کنند.

دوره‌های آموزشی ارائه شده در قالب دوره عمومی و تخصصی جهت نیل به این مقصود طراحی شده است.

لازم به ذکر است، سطوح آموزشی تدبیری به شرح زیر است:

❖ دوره تسبیح

این دوره به آموزش کتاب «مقدمات تدبیر در قرآن» تا «روش‌های تدبیر قرآن به قرآن» پرداخته و به عنوان سطح عمومی تدبیر شناخته شده است. در این دوره انتظار می‌رود نگاه کلی به قرآن در فرد ایجاد شده باشد.

❖ دوره حمد

این دوره که تا کتاب «روش‌های تدبیر با روایات و ادعیه» است و به عنوان سطح نیمه‌تخصصی تدبیر محسوب می‌شود، درصدد است تا فرد مقدمات لازم برای رجوع محققانه به قرآن را به دست آورد.

❖ دوره تهلیل

در این دوره که تا کتاب «شیوه تفصیل در موضوعات» استمرار دارد به عنوان دوره تخصصی تدبیر محسوب می‌شود، انتظار می‌رود فرد بعد از این دوره، توان تحقیق درباره موضوعات قرآن و مسائل زندگی مبتنی بر قرآن را حاصل کرده باشد.

❖ دوره تکبیر

در این دوره ضمن برطرف کردن خلاء تدبیری، مباحث تدبیر در دعا آغاز شده و فرد باید مشغول عملیات شود. عملیات به معنای اقامه بیرقی از بیرق‌های دین و دین‌دار در جامعه است.

دوره گوهران

خداوند انسان را اشرف مخلوقات نامید و او را خلیفه‌الله بر روی زمین قرار داد تا بتواند تجلی دهنده اسماء و صفات الهی در زمین باشد. محدودیت‌های عالم ماده، ابتلائات زندگی، رخدادها و وقایع؛ گاهی آن‌چنان بشر را در تنگنا قرار می‌دهند که این مهم فراموش شده و انسان برای رهایی خود از معرکه‌های زندگی، به ریسمان سست زینت‌های دنیایی چنگ می‌زند و از گوهرهایی که در او به ودیعه گذاشته شده، غفلت می‌ورزد.

گوهری ناب از جنس نعمت، فضل، استعداد که می‌توان با شناخت آن‌ها، شکرش را به جای آورده و به درستی از آن‌ها بهره برد.

دوره گوهران، در دو بازه سنی ۱۳ تا ۱۷ سال و ۱۸ تا ۲۲ سال برگزار می‌گردد.

دوره گوهران ۱، مختص دختران نوجوانی است (۱۳ تا ۱۷ سال) که مسلمانند و می‌خواهند با شناخت استعدادها، نعمت‌ها و فضل‌های خود در آینده جوانان برومند و معتقدی باشند که اعمال آن‌ها مورد رضایت خدا و اهل بیت علیهم السلام باشد.

دوره گوهران ۲، در بازه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال، مختص دختران جوانی است که می‌خواهند استعدادها، نعمت‌ها و فضل‌های خود را بشناسند.

مدرسه علوم اجتماعی، با برگزاری دوره گوهران و با هدف کمک و همراهی کردن علاقه‌مندانی که قصد دارند ظرفیت‌ها، توان‌ها، استعدادها و فضل‌های خود را بشناسند؛ درصدد است دوره گوهران در دو بازه سنی نوجوان (گوهران ۱) و جوان (گوهران ۲) را برگزار نماید. این دوره‌ها با توجه به اقتضائات و توان مخاطب قابل تغییر است.

شرایط شرکت‌کنندگان:

◀ امکان شرکت در جلسات حضوری

◀ عدم گذراندن دوره‌های تدبیر محور



ماه قمری	انس با سوره	توان به دست آمده ضمن بیان شأن نزول و ثواب قرائت، درک و فهم موضوعات سوره	خروجی	مهارت آموزی ^۱
محرم و صفر	بلد	درک و فهم سوگندهای سوره / شناخت حقیقت زندگی انسان در عالم دنیا / یادآوری مهم‌ترین نعمت‌های الهی برای انسان / ناسپاسی انسان/ وضعیت دو گروه انسان در معاد	تولیدات: عکس‌نوشت کلیپ پاورپوینت متن ادبی از سوره متن نمایشنامه از سوره عکاسی پادکست	سلامت نوجوان (آشنایی با گیاهان دارویی - راه‌های حفظ سلامتی و تقویت جسم - آماده‌سازی دمنوش و ارائه و معرفی آن در کلاس و ...)
ربیع الاول و ربیع الثانی	شمس	درک و فهم اهمیت مفهوم تزکیه جهت رسیدن به رستگاری / عبرت گرفتن از اقوام متمرد پیشین	روزنامه دیواری اینفوگرافیک رزق بروشور نقاشی و ...	هنر رسانه (آموزش نرم افزار Word، فهرست کردن، کشیدن جدول، منبع‌گذاری و ...)
جمادی الاول و جمادی الثانی	لیل	درک و فهم سوگندهای سوره / تقسیم مردم به دو گروه و عاقبت آن‌ها	روزنامه دیواری اینفوگرافیک رزق بروشور نقاشی و ...	هنر دست (آموزش دوخت ملحفه، روبالشتی، دست‌گیره و ...)
رجب و شعبان	کوثر تکاتر	درک و فهم شأن نزول سوره / بشارت و منت خدا بر رسول با اعطای کوثر / ابر بودن دشمن رسول/ ملامت افراد اهل تفاخر براساس مطالب موهوم/ هشدار نسبت به مسئله معاد/ هشدار در زمینه سوال از نعمت‌ها	اجرا: کمک به برگزاری همایش‌های سوره- ای (میزکتاب، پنخس رزق، تدارکات و...)	در تکاپوی علم (آموزش خلاصه‌نویسی کتاب، مطالعه کتب: داستان راستان، رساله توضیح المسائل مراجع، کتب تاریخی اردوهای علمی-آموزشی و ...)
رمضان و شوال	ختم قرآن	آشنایی با موضوعات سوره‌های جز ۲۸ و ثبت آن‌ها	نصب محصولات تولید شده به عنوان رویداد سوره روی بردهای مدارس، مساجد و ...	دختر کدبانو (آموزش درست کردن انواع دسر، پیش غذا، انواع سالاد، کیک و بیسکویت و ...)
ذی القعدة و ذی الحجه	معاون	بیان اوصاف تکذیب‌کنندگان دین در ۵ مرحله/ تهدید مسلمانان متخلق به اخلاق منافقین	رویداد سوره روی بردهای مدارس، مساجد و ...	هنر قلم (آموزش خوش‌نویسی با قلم یا خودکار و ...)

دوره گوه‌ران ۱ - سال دوم ۱۴ تا ۱۵ سالگی

جدول ۱ سیرانس، مطالعه و مهارت آموزی دوره گوه‌ران ۱- دختران

^۱ انواع فعالیت‌های متناسب با اقلیم و مخاطب بنا به صلاح دید مربی

ماه قمری	انس با سوره	توان به دست آمده ضمن بیان شأن نزول و ثواب قرائت، درک و فهم موضوعات سوره	خروجی	مهارت آموزشی ^۲
محرم و صفر	فیل قریش	قدرت‌نمایی خدا در سوره/ یادآوری و منت خداوند بر قریش به واسطه نعمت‌هایشان / دعوت به توحید و عبادت رب	تولیدات: عکس نوشت کلیپ	سلامت نوجوان (آموزش کمک- های اولیه)
ربیع الاول و ربیع الثاني	نصر	نوید پیروزی عظیم دین خدا / ورود گروه مردم به اسلام / امر به تسبیح و حمد و استغفار برای شکرانه این یاری و فتح	پاورپوینت متن ادبی از سوره متن نمایشنامه از	هنر رسانه (آموزش انواع نرم‌افزار)
جمادی الاول و جمادی الثاني	محمد و فتح	مقایسه‌ی حال مؤمنان و کافران در دو جهان / بحث پیرامون جهاد و برخی احکام آن / شرح حال منافقان بیان فتح مبین (صلح حدیبیه) / متی که خدا بر رسول الله و مؤمنین نهاد / وعده‌ی جمیل به همه‌ی مؤمنین	سوره عکاسی پادکست روزنامه دیواری اینفوگرافیک رزق	هنر دست (آموزش خیاطی، عبادوزی و ...)
رجب و شعبان	عادیات	سوگندهای صور متناسب با مسئله جهاد/ پاره‌ای از صفت‌های نوع انسان: کفر، بخل، دنیارستی/ مسئله معاد و احاطه علمی خدا به بندگان	بروشور نقاشی و ... اجرا: کمک به برگزاری همایش‌های سوره- ای (میزکتاب، پخش رزق، تدارکات و...) نصب محصولات تولید شده به عنوان	در تکاپوی علم (آشنایی با رشته- های علمی - دانشگاهی و کاربردی آموزش تکنیک‌های تست‌زنی و آموزش مهارت‌های برنامه‌ریزی کنکور)
رمضان و شوال	ختم قرآن	آشنایی با موضوعات برخی سوره‌های جز ۲۶ و ثبت آن‌ها	رویداد سوره روی بردهای مدارس ، مساجد و ...	دختر کدبانو (آموزش پلو و خورش + غذاهای سنتی ایرانی بدون پلو)
ذی القعدة و ذی الحجة	محمد و فتح	مقایسه‌ی حال مؤمنان و کافران در دو جهان / بحث پیرامون جهاد و برخی احکام آن / شرح حال منافقان بیان فتح مبین (صلح حدیبیه)/ متی که خدا بر رسول الله و مؤمنین نهاد / وعده‌ی جمیل به همه‌ی مؤمنین		هنر قلم (ارائه اثر هنری از سوره‌ها)

^۲ انواع فعالیت‌های متناسب با اقلیم و مخاطب بنا به صلاح دید مربی



جدول ۲- سیر مطالعاتی - مهارتی دوره گوهرا ۲ - خواهران

مدت زمان	عنوان جلسه ^۲	توان بدست آمده	خروجی
هفته اول	معرفی دوره و بیان نکاتی از اصلاح رویکرد رجوع به قرآن انس با سوره فلق	ضمن بیان شأن نزول و ثواب قرائت، درک و فهم موضوعات: پناه و پناهندگی / شناخت انواع شرور	تولید محتوا جهت برگزاری جشنواره سوره به صورت گروهی
هفته دوم	انس با سوره ناس	ضمن بیان شأن نزول و ثواب قرائت، درک و فهم موضوعات: شناخت انواع وسواس / نحوه دور ماندن از شرور	تولید محتوا جهت برگزاری جشنواره سوره به صورت گروهی
هفته سوم	کارگاه ^۳ آشنایی با ساختار مجمع مدارس قرآن و عترت علیهم السلام	شناخت تفصیلی مجمع مدارس قرآن و عترت علیهم السلام	انتخاب یک مدرسه تخصصی
هفته چهارم	انس با سوره همزه	ضمن بیان شأن نزول و ثواب قرائت، درک و فهم موضوعات: چگونگی جزا و پاداش نسبت به اعمال/ همز و لمز/ عاقبت مال اندوزی	تولید محتوا جهت برگزاری جشنواره سوره به صورت گروهی
هفته پنجم	کارگاه نحوه ارتباط مؤثر با دیگران (بلوغ با هم بودن، کتاب جانبی: باغبانی سخن)	توان تألیف، انتخاب گروه، پیوستن به گروه، انجام فعالیت گروهی و ...	تشکیل گروه تولید محتوای سوره‌ها و انجام فعالیت گروهی
هفته ششم	برگزاری اردو	تألیف قلوب و دسته‌بندی مخاطبین	

دوره گوهرا ۲ - گروه سنی ۱۸ تا ۲۲ سال

^۲ متناسب با اقلیم و مخاطب بنا به صلاح دید مربی قابل تغییر می‌باشد.
^۳ مدرس کارگاه‌ها حتما با هماهنگی و تایید مسئول مدرسه یا مسئول آموزش انتخاب شوند.

دوره مشفقین

چه باشکوه است دیدنِ گوهری ارزشمند برآمده از دل کوهی سخت، از دلِ خاک ...

آن هنگام که دیده شود، درک شود، فهمیده شود، و نهایتاً ارزش‌گذاری شود

و چه گران‌قیمت است گوهرِ فضل‌ها و استعدادهای انسان، که خداوند در او به ودیعه نهاده؛ آن هنگام که صیقل خورده و قابلیت ارائه شدن و بهره‌مندی داشته باشد.

دوره مشفقین، دوره‌ای است برای استفاده کردن از استعدادها و نعمت‌ها و فضل‌های شناخته شده در زندگی برای خود و اطرافیان.

دوره‌ای است برای افرادی که می‌خواهند از قرآن در زندگی شخصی خود استفاده کرده و به اطرافیان بگویند قرآن کتاب زندگی است و باید از آن بهره برد.

مدرسه علوم اجتماعی با هدف به‌کارگیری از ظرفیت‌ها، توان‌ها و استعدادهای شناخته شده عزیزانِ علاقه‌مند به فعالیت‌های اجتماعی؛ برگزار کننده دوره مشفقین است.



ادعیه همراه	ختم قرآن	کتاب همراه	خروجی تدبیر	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر
دعای ایام هفته صحیفه حضرت	ختم لمسی قرآن / ختم با توجه به گزاره‌های عملی و طهارتی هر سوره	ساختار وجودی انسان، پرورش تفکر قرآنی	ارائه یک سوره در قالب همایش	داشتن برنامه منظم برای قرآن خواندن به شیوه تدبیر	عزم برای رجوع به قرآن و تدبیر در آن به همراه تصمیم برای فراهم ساختن مقدمات آن	۱۲+۲	مقدمات تدبیر در قرآن
زهرا سلام الله علیها	ختم قرآن با توجه به انتخاب قوانین در قرآن / ختم قرآن با توجه به فضای کلی سوره	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۱ و ۲، اصول و مهارت‌های تربیت کودک ۲ تا ۷ سال با رویکرد طیب‌گزینی، مهارت‌های خیر‌گزینی، پرورش تفکر بنیادی	ارائه سوره در بیوت نورانی	استخراج گزاره‌های منطقی از آیات یک سوره	ایجاد فهم گزاره‌ها / نوشتن گزاره‌های درست از آیات	۱۶+۳	روش‌های تفکر در قرآن
امیرالمؤمنین علیه‌السلام	ختم قرآن با توجه به انتخاب کلمات مهم در سوره‌ها / ختم سوره‌ها با رویکرد یافتن آیه و کلمه غرر هر سوره و نظام کلمات سوره	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۳ و ۴، اصول و مهارت‌های حُسن‌گزینی، اصول و مهارت‌های بلوغ باهم بودن، مبانی و	ارائه پژوهش بررسی واژه فتنه در سوره عنکبوت	کشف ارتباط کلمات یک سوره	عمق یافتن در کلمات قرآن / فهم انواع تعریف و معرفی کلمات / فهم سوره از مسیر فهم کلمات	۱۶+۳	تدبیر کلمه‌ای



	مهارت‌های تفکر پرسشی					
۱۴+۲	قدرت یکپارچه دیدن سوره / فهم ارتباط بین آیات یک سوره / فهم نظام موضوعات سوره	استخراج نظام موضوعات سوره	ارائه سوره در خوابگاه‌ها و محافل ثابت دانشجویی به صورت منظم	بعد جنسیتی انسان، هنر خوب زیستن با دیگران، موانع خوب زیستن با دیگران، سوال؛ نقش پرسش در برانگیختن تفکر	ختم قرآن با توجه به انتخاب غرر آیات هر سوره + توجه به فواید و خواتم سوره‌ها / آیه کلیدی و غرر هر سوره / دسته‌بندی و رنگی کردن سوره‌ها / ختم با یک نوع دسته‌بندی مشخص / شناسایی آیه احکامی در هر سوره / ختم براساس وجودی انسان، ناس یا هستی / ختم براساس ساختارهای دیگر مانند حکمت، رشد و...	تدبیر سوره‌ای
۱۴+۲	یکپارچه دیدن قرآن / قدرت کشف ارتباط بین	کشف ارتباط یک سوره و	ارائه سوره در حضور مسئولین	نظم و برنامه ریزی در مراحل	ختم قرآن براساس موضوعات	تدبیر قرآن به قرآن



اصولی سوره‌ای از سوره‌های جزء ۳۰ / ختم با واژگان کلیدی یک سوره کوچک / ختم سوره‌ها براساس غرض یک سوره خاص	زندگی، ساختار وجودی جامعه	مدارس دانشجویی ارائه تدبیر دوره تسبیح	یک موضوع در کل قرآن	سوره‌ها با هم / شناخت انواع ارتباط بین کلمات و موضوعات سوره‌ها در قرآن / فهم رابطه بین موضوعات در قرآن		
--	------------------------------------	---	---------------------------	---	--	--

جدول ۴- سیر تدبیری و مطالعاتی دوره مشفقین - حمد

ادعیه همراه	ختم قرآن	کتاب همراه	خروجی تدبیر	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر
ادعیه تعقیبات نمازها از صحیفه فاطمیه صحیفه	ختم قرآن با توجه به انتخاب غرر آیات در دسته سوره‌ها / ختم براساس فواتح مشترک سوره‌ها	تدبیر در ساحت بیت، پرورش تفکر مشاهده‌ای	پژوهش آخرت- گرایی در سور طواسین	بررسی موضوع مشترک در دو تا چند سوره	توان بررسی موضوعات مشترک در بین دسته سوره‌ها و فهم منظومه‌ای آن موضوعات	۲۵+۳	تدبیر مکی
سجاده / همراهی در نماز حفظ و یا اعمال عبادی مشترک مجمع مدارس قرآن و عترت	ختم براساس اسماء و صفات الهی در هر سوره (درخت اسماء) / ختم براساس آسیب‌شناسی یک معضل اجتماعی / بررسی امام در هر سوره	تدبیر در ساحت جامعه، پرورش تفکر شنیداری	پژوهش شبه نظام آسیب‌ها در سور مسبحات و راهکارهای رفع آنها	شناسایی آسیب‌های اجتماعی مانع جریان- سازی توحید در یک سوره و به دست آوردن راه‌های برخورد با آنها	کشف رابطه توحید تبیین شده در سوره با سایر موضوعات سوره و شناخت آسیب- های اجتماعی مانع جریان‌سازی توحیدی	۱۲+۳	تدبیر مدنی

دوره حمد - ۲۳ ماه، ۸۸ هفته

تدبّر ادبی ۱	۱۲+۳	قدرت تحلیل قالب‌های ادبی سوره در راستای غرض آن سوره	به دست آوردن گزاره‌های حقیقی برای اساس قالب- های ادبی یک سوره در راستای غرض آن سوره	پیاده کردن تدبّر ادبی ۱ روی سوره انتخابی برای تهلیل	۴۰ اقدام در صالح سازی اعمال، تفکر امّی	ختم براساس انواع جملات هر سوره/ استخراج قالب ادبی و بیانی هر سوره و ربط آن با غرض سوره/ بررسی لحن سوره‌ها
تدبّر ادبی ۲	۱۲+۳	قدرت تحلیل قالب‌های ادبی سوره در راستای غرض آن سوره	به دست آوردن گزاره‌های حقیقی بر اساس قالب- های ادبی یک سوره در راستای غرض آن سوره	پیاده کردن تدبّر ادبی ۲ روی سوره انتخابی برای تهلیل	زیرکی در میدان انتخاب	ختم قرآن با توجه به انتخاب قیود مهم در هر سوره/ ختم قرآن با توجه به انتخاب ادات مهم در هر سوره/ استخراج قالب ادبی و بیانی هر سوره و ربط آن با غرض سوره/ براساس حروف ربط/ بررسی لحن سوره‌ها
تدبّر روایی	۱۲+۳	قدرت روایت و دعایابی برای سوره‌ها و قدرت سوره‌یابی برای دعاها و روایت‌ها	به دست آوردن سوره- ای به همراه کشف حقایق آن برای دعا یا روایتی و به دست آوردن روایت‌ها و دعاهایی برای سوره‌ای		جهاد نرم	ختم قرآن با توجه به مهم‌ترین موضوع در هر سوره/ ختم بر اساس ثواب قرائت هر سوره



دوره منقین

سپاس خداوندی را که سخن‌وران نیز از ستودن او عاجزند و حساب‌گران از شمارش نعمت‌های او ناتوان و تلاش‌گران از ادای حق او درمانده.

خداوندی که خلقت را آغاز کرد و موجودات را آفرید بدون آنکه نیاز به فکر و اندیشه‌ای داشته باشد یا از تجربه‌ای بهره برد؛ انسان را اعضاء و جوارحی بخشید که در خدمت او باشند و ابزاری عطا فرمود که آن‌ها را در زندگی به کار گیرد؛ قدرت تشخیص به او داد، تا حق و باطل را بشناسد.

خداوند پیمان وحی را از پیامبران گرفت تا امانت رسالت را به مردم برسانند و آن‌ها را مبعوث کرد تا نعمت‌های فراموش شده را به یاد آورند و با ابلاغ احکام الهی، حجت را بر مردم تمام نمایند و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند و نشانه‌های قدرت خدا را معرفی کنند.

حال به پاس نعمت‌ها و استعدادها و توان‌هایی که خداوند عطایمان کرده، درصدد هستیم در جهت پُر کردن شکاف‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی جامعه از آنچه خداوند در وجودمان به ودیعه نهاده، در راستای برطرف کردن موانع و شکاف‌ها بهره گرفته و علاوه بر آن با انفاق علمی، خود را مشمول فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام نماییم که «علم با بخشش فزونی گیرد» و ستایش می‌کنیم خداوند را برای تکمیل نعمت‌های او و تسلیم بودن در برابر بزرگی او و ایمن ماندن از نافرمانی



او و در رفع نیازها از او یاری می‌طلبیم. زیرا آن کس را که خدا هدایت کند هرگز گمراه نگردد، و آن را که خدا دشمن دارد هرگز نجات نیابد و هر آن کس را که خداوند بی‌نیاز گرداند، نیازمند نخواهد شد.

دوره آموزشی منفیقین، دوره‌ای است برای استفاده کردن از استعدادها، نعمت‌ها و فضل‌های شناخته شده در جامعه به نیت پُر کردن شکاف‌های اجتماعی.

این دوره، مختص افرادی است که می‌خواهند متدبرانه از قرآن و آموزه‌های آن در رفع معضلات و آسیب‌های اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی استفاده کنند.

مدرسه علوم اجتماعی با هدف انفاق علمی جهت پُر کردن شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی، دوره منفیقین را برگزار می‌نماید.

جدول ۵- سیر تدبیری و مطالعاتی دوره منفیقین - تسبیح

ادعیه همراه	ختم قرآن	کتاب همراه	خروجی تدبیر	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر
اصول کافی	ختم لمسی قرآن/ ختم با توجه به گزاره‌های عملی و طهارتی هر سوره	ساختار وجودی انسان، پرورش تفکر قرآنی	ارائه یک سوره در قالب همایش	داشتن برنامه منظم برای قرآن خواندن به شیوه تدبیر	عزم برای رجوع به قرآن و تدبیر در آن به همراه تصمیم برای فراهم ساختن مقدمات آن	۲+۱۲	مقدمات تدبیر در قرآن
پیگیری یکی از جلسات عمومی	ختم قرآن با توجه به انتخاب قوانین در قرآن/ ختم قرآن با توجه به فضای کلی سوره	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۱ و ۲، اصول و مهارت‌های تربیت کودک ۲ تا ۷ سال با رویکرد طبیب‌گزینی، مهارت‌های خیرگزینی،	ارائه سوره در بیوت نورانی	استخراج گزاره‌های منطقی از آیات یک سوره	ایجاد فهم گزاره‌ها/ نوشتن گزاره‌های درست از آیات	۳+۱۶	روش‌های تفکر در قرآن
استاد اخوت							
همراهی در ادعیه و نمازهای اشتراکی مجمع مدارس قرآن و عترت مانند نماز حفظ / سوره ص							

دوره تسبیح - ۳۱ ماه ۸۴ هفته



پنجشنبه اول ماه		پرورش تفکر بنیادی					
	ختم قرآن با توجه به انتخاب کلمات مهم در سوره‌ها/ ختم سوره‌ها با رویکرد یافتن آیه و کلمه غرر هر سوره و نظام کلمات سوره	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۳ و ۴، اصول و مهارت‌های حُسن‌گزینی ، اصول و مهارت‌های بلوغ باهم بودن، مبانی و مهارت‌های تفکر پرسشی	ارائه پژوهش بررسی واژه فتنه در سوره عنکبوت	کشف ارتباط کلمات یک سوره	عمق یافتن در کلمات قرآن / فهم انواع تعریف و معرفی کلمات / فهم سوره از مسیر فهم کلمات	۳+۱۶	تدبّر کلمه‌ای
	ختم قرآن با توجه به انتخاب غرر آیات هر سوره+ توجه به فواتح و خواتم سوره‌ها/ ختم با شناسایی آیه کلیدی و غرر هر سوره/ دسته‌بندی و رنگی کردن سوره‌ها/ ختم با یک نوع دسته‌بندی مشخص/ شناسایی آیه احکامی در هر سوره/ ختم براساس ساختار وجودی انسان، ناس یا هستی / ختم براساس ساختارهای دیگر مانند	بُعد جنسیتی انسان، هنر خوب زیستن با دیگران، موانع خوب زیستن با دیگران، سوال؛ نقش پرسش در برانگیختن تفکر	ارائه سوره در خوابگاه‌ها و محافل ثابت دانشجویی به صورت منظم	استخراج نظام موضوعات سوره	قدرت یکپارچه دیدن سوره / فهم ارتباط بین آیات یک سوره / فهم نظام موضوعات سوره	۲+۱۴	تدبّر سوره‌ای



حکمت، رشد و ...							
تدبیر قرآن به قرآن	۲+۱۴	یکپارچه دیدن قرآن/ قدرت کشف ارتباط بین سوره‌ها با هم / شناخت انواع ارتباط بین کلمات و موضوعات سوره‌ها در قرآن / فهم رابطه بین موضوعات در قرآن	کشف ارتباط یک سوره و یک موضوع در کل قرآن	ارائه سوره در حضور مسئولین مدارس دانشجویی ارائه تدبیر دوره تسیح	نظم و برنامه ریزی در مراحل زندگی، ساختار وجودی جامعه	نختم قرآن براساس موضوعات اصلی سوره‌ای از سوره‌های جزء ۳۰/ ختم با واژگان کلیدی یک سوره کوچک/ ختم سوره‌ها براساس غرض یک سوره خاص	

جدول ۶- سیر تدبیری و مطالعاتی دوره منفقین - حمد

ادعیه همراه	ختم قرآن	کتاب همراه	خروجی تدبیر	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر
اصول کافی پیگیری جلسات پنجشنبه شب استاد اخوت	ختم قرآن با توجه به انتخاب غرر آیات در دسته سوره‌ها/ ختم براساس فواتح مشترک سوره‌ها	تدبیر در ساحت بیت، پرورش تفکر مشاهده‌ای	پژوهش آخرت‌گرایی در سور طواسین	بررسی موضوع مشترک در دو تا چند سوره	توان بررسی موضوعات مشترک در بین دسته سوره‌ها و فهم منظومه‌ای آن موضوعات	۲۵+۳	روش‌های تدبیر در سوره‌های مکی
پیگیری یکی از جلسات عمومی استاد اخوت پیگیری نمازها و	ختم براساس اسماء و صفات الهی در هر سوره (درخت اسماء)/ ختم براساس آسیب- شناسی یک معضل اجتماعی/ بررسی امام در هر سوره	تدبیر در ساحت جامعه، پرورش تفکر شنیداری	پژوهش شبه نظام آسیب‌ها در سور مسیجات و راهکارهای رفع آن‌ها	شناسایی آسیب- های اجتماعی مانع جریان‌سازی توحید در یک سوره و به دست آوردن راه‌های برخورد با آن‌ها	کشف رابطه توحید تبیین شده در سوره با سایر موضوعات سوره و شناخت آسیب‌های اجتماعی مانع	۱۲+۳	روش‌های تدبیر در سوره‌های مدنی

دوره حمد - ۲۲ ماه، ۸۸ هفته



ادعیه مشترک و					جریان‌سازی توحیدی		
عمومی مجمع مدارس قرآن و عترت مانند نماز حفظ /	ختم براساس انواع جملات هر سوره/ استخراج قالب ادبی و بیانی هر سوره و ربط آن با غرض سوره/ بررسی لحن سوره‌ها	۴۰ اقدام در صالح سازی اعمال، تفکر امی	پیاپی کردن تدبیر ادبی ۱ روی سوره انتخابی برای تهلیل	به دست آوردن گزاره‌های حقیقی برای اساس قالب‌های ادبی یک سوره در راستای غرض آن سوره	قدرت تحلیل قالب‌های ادبی سوره در راستای غرض آن سوره	۱۲+۳	روش‌های تدبیر ادبی ۱
سوره ص پنجشنبه اول ماه	ختم قرآن با توجه به انتخاب قیود مهم در هر سوره/ ختم قرآن با توجه به انتخاب ادات مهم در هر سوره/ استخراج قالب ادبی و بیانی هر سوره و ربط آن با غرض سوره/ ختم براساس حروف ربط/ بررسی لحن سوره‌ها	زیرکی در میدان انتخاب	پیاپی کردن تدبیر ادبی ۲ روی سوره انتخابی برای تهلیل	به دست آوردن گزاره‌های حقیقی برای اساس قالب‌های ادبی یک سوره در راستای غرض آن سوره	قدرت تحلیل قالب‌های ادبی سوره در راستای غرض آن سوره	۱۲+۳	روش‌های تدبیر ادبی ۲
	ختم قرآن با توجه به مهم‌ترین موضوع در هر سوره/ ختم بر اساس ثواب قرائت هر سوره	مبانی و روش‌های جهاد نرم		به دست آوردن سوره‌ای به همراه کشف حقایق آن برای دعا یا روایتی و به دست آوردن روایت‌ها و دعاهایی برای سوره‌ای	قدرت روایت و دعایابی برای سوره‌ها و قدرت سوره- یابی برای دعاها و روایت‌ها	۱۲+۳	روش‌های تدبیر با روایات و ادعیه (تدبیر روایی)

ادعیه همراه	ختم قرآن	کتاب همراه	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر
انتخاب یک کتاب روایی و مطالعه آن همراهی در ادعیه و نمازهای مشترک مجمع مدارس قرآن و عترت	تسلط روی سوره انتخابی برای تهلیل شامل همه رویکردهای قبل و نحوه خوانش سوره انتخابی برای تهلیل در کل قرآن	اصلاح رویکرد، رجوع به قرآن، ساختار وجودی انسان از منظر ذکر، ساختار وجودی انسان از منظر عقل، تدبیر در هستی: تدبیر در اسماء، تدبیر در هستی:	برنامه‌ریزی و اجرای دقیق برای انس و تدبیر و تدوین حقایق یک سوره	بررسی ابعاد یک سوره / قدرت تفکر عمیق و ممتد / درک انس با یک سوره	۳۰	تهلیل
پیگیری جلسات پنجشنبه شبها پیگیری یکی از جلسات عمومی استاد اخوت	برنامه‌ریزی برای ختم قرآن متناسب با طراحی عملیات تخصصی	تدبیر در کتاب، تدبیر در هستی: تدبیر در آیات، تدبیر در هستی: تدبیر در کلمه، تدبیر در هستی:	ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید برهانی	ایجاد تحول در نگاه به سوره‌ها به واسطه ارتقای دقت در فهم، تعمیم فهم و ارتقای فهم یک سوره	۱۲+۲	تدبیر در قالب‌های ادبی کلام (تدبیر ادبی ۳)
پیگیری یکی از جلسات تخصصی استاد اخوت	برنامه‌ریزی برای ختم قرآن متناسب با طراحی عملیات تخصصی	تدبیر در کتاب، تدبیر در هستی: تدبیر در آیات، تدبیر در هستی: تدبیر در کلمه، تدبیر در هستی:	اصلاح و ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید پژوهشی	ایجاد تحول در نگاه به سوره‌ها به واسطه کشف نظام پاسخگویی سوره‌ها	۱۲+۲	شیوه دستیابی به گزاره‌های یقینی
پیگیری یکی از جلسات تخصصی استاد اخوت	برنامه‌ریزی برای ختم قرآن متناسب با طراحی عملیات تخصصی	تدبیر در کتاب، تدبیر در هستی: تدبیر در آیات، تدبیر در هستی: تدبیر در کلمه، تدبیر در هستی:	اصلاح و ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید تفصیلی	ایجاد تحول در نگاه به سوره‌ها به واسطه درک نظام تفصیل در سوره	۸+۲	رجوع به کتاب برای پاسخگویی به مسائل زندگی
پیگیری یکی از جلسات تخصصی استاد اخوت	برنامه‌ریزی برای ختم قرآن متناسب با طراحی عملیات تخصصی	تدبیر در کتاب، تدبیر در هستی: تدبیر در آیات، تدبیر در هستی: تدبیر در کلمه، تدبیر در هستی:	اصلاح و ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید تفصیلی	ایجاد تحول در نگاه به سوره‌ها به واسطه درک نظام تفصیل در سوره	۸+۲	شیوه تفصیل در موضوعات

دوره تهلیل - ۲۰ ماه، ۸۰ هفته



		رحمت، فضل و احسان (جلد ۱ تا ۳)، شاکله (معنا و فرآیند)، شاکله نفس، شاکله جمع، شاکله جریان- سبک زندگی، کوثرانه، شاکله جمع‌های رشدآفرین				
--	--	--	--	--	--	--

جدول ۸- سیر تدریجی و مطالعاتی دوره منفقین - تکبیر

ادعیه همراه	کتاب همراه	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر	
مطالعه یک کتاب روایی	کتاب‌های تخصصی درباره عملیات انتخابی	عمل تفصیلی و دقیق بر اساس سوره	توجه به جنبه‌های عملی سوره‌ها و راهبردی خواندن سوره‌ها	۸	شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: عمل	دوره تکبیر دوره پیاده‌سازی - ۵۲ هفته
پیگیری ادعیه و نماز مشترک مجمع		انجام عملیات بر اساس یک سوره ترجیحاً به صورت جمعی	فهم مختصات سوره به منظور عملیاتی کردن آن	۱۶+۴	شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: عملیات‌سازی	
شرکت در یک جلسه عمومی استاد اخوت		آمادگی برای عرصه‌سازی در امور محوله به شکل طرح و ایده	توجه به مفهوم عرصه و توان عرصه‌سازی بر اساس سوره‌های قرآن	۸	شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: عرصه‌سازی	



<p>پیگیری یک مبحث تخصصی استاد اخوت</p>		<p>آمادگی برای نظام‌سازی در امور محول به شکل طرح و ایده</p>	<p>توجه به مفهوم نظام و توان نظام‌سازی بر اساس سوره‌های قرآن</p>	<p>۸</p>	<p>شیوه‌های پیاپی‌سازی بر پایه قرآن: نظام‌سازی</p>	
--	--	---	--	----------	--	--



دوره منیبین

سلام بر بندگان مخلص خداوند که به سوی او رو کرده، خدا را خالصانه عبودیت می‌کنند. آن‌هایی که دست‌گیری می‌کنند از مشتاقان راه حق و قیام می‌کنند برای نشر قرآن و جاری کردن آن در بسترهای زندگی.

دوره منیبین به عنوان دوره تخصصی با ارائه سیر مطالعاتی فشرده، مختص افرادی است که قصد دارند به طور جدی متناسب استعدادها، نعمت‌ها و فضل‌های خود در عرصه‌ای وارد کار شده و طبق نقشه علوم اجتماعی به فعالیت پردازند.

لذا سیر ارائه شده، صرفاً پیشنهادی از طرف این مدرسه است و چنان‌چه افراد بتوانند بهتر از آنچه در نظر گرفته شده اجرا کنند؛ مانعی وجود ندارد.

مدرسه علوم اجتماعی دوره منیبین را به طور تخصصی برای افرادی برگزار می‌کند که ضمن تعهد کاری، دارای برنامه مشخصی بوده و به عرصه‌ای علاقه‌مند بوده یا در عرصه‌ای به طور تخصصی فعالیت دارند.

سیر مطالعه تدبیری پیشنهادی در ادامه آمده است.

جدول ۹- سیر تدبیری و مطالعاتی دوره منبیین - تسبیح

ادعیه و نمازهای حضرت فاطمه سلام الله علیها	ختم قرآن	خروجی تدبیر	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر
حرز حضرت فاطمه و دعایی در مطلق سوال به همراه نماز حفظ	ختم لمسی قرآن / ختم با توجه به گزاره‌های عملی و طهارتی هر سوره	ارائه یک سوره در قالب همایش	داشتن برنامه منظم برای قرآن خواندن به شیوه تدبیر	عزم برای رجوع به قرآن و تدبیر در آن به همراه تصمیم برای فراهم ساختن مقدمات آن	۲+۱۲	مقدمات تدبیر در قرآن
دعای روزهای هفته به همراه نماز روز جمعه با دعای استغفار	ختم قرآن با توجه به انتخاب قوانین در قرآن / ختم قرآن با توجه به فضای کلی سوره	ارائه سوره در بیوت نورانی	استخراج گزاره‌های منطقی از آیات یک سوره	ایجاد فهم گزاره‌ها نوشتن گزاره‌های درست از آیات	۳+۱۶	روش‌های تفکر در قرآن
دعای ۵ کلمه به همراه نماز اوآیین	ختم قرآن با توجه به انتخاب کلمات مهم در سوره‌ها/ ختم سوره‌ها با رویکرد یافتن آیه و کلمه غرر هر سوره و نظام کلمات سوره	ارائه پژوهش بررسی واژه فتنه در سوره عنکبوت	کشف ارتباط کلمات یک سوره	عمق یافتن در کلمات قرآن / فهم انواع تعریف و معرفی کلمات / فهم سوره از مسیر فهم کلمات	۳+۱۶	روش‌های تدبیر کلمه- ای در قرآن
حدیث شریف کساء به همراه تسبیحات حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها	ختم قرآن با توجه به انتخاب غرر آیات هر سوره + توجه به فواید و خواتم سوره‌ها/ ختم با شناسایی آیه کلیدی و غرر هر سوره/ دسته‌بندی و رنگی کردن سوره‌ها/ ختم با یک نوع دسته‌بندی مشخص/ شناسایی آیه احکامی در هر سوره/ ختم براساس ساختار وجودی انسان، ناس یا هستی/ ختم براساس ساختارهای دیگر مانند حکمت، رشد و...	ارائه سوره در خوابگاه‌ها و محافل ثابت دانشجویی به صورت منظم	استخراج نظام موضوعات سوره	قدرت یکپارچه دیدن سوره / فهم ارتباط بین آیات یک سوره/ فهم نظام موضوعات سوره	۲+۱۴	روش‌های تدبیر سوره‌ای در قرآن

دوره تسبیح - ۲۱ ماه ۸۴ هجری



دعای حیات طیبه به همراه نماز جبرئیل	ختم قرآن براساس موضوعات اصلی سوره‌های از سوره‌های جزء ۳۰/ ختم با واژگان کلیدی یک سوره کوچک / ختم سوره‌ها براساس غرض یک سوره خاص	ارائه سوره در حضور مسئولین مدارس دانشجویی ارائه تدبیر دوره تسبیح	کشف ارتباط یک سوره و یک موضوع در کل قرآن	یکپارچه دیدن قرآن / قدرت کشف ارتباط بین سوره‌ها با هم / شناخت انواع ارتباط بین کلمات و موضوعات سوره‌ها در قرآن / فهم رابطه بین موضوعات در قرآن	۲+۱۴	روش‌های تدبیر قرآن به قرآن
---	---	---	---	---	------	----------------------------------

جدول ۱۰- سیر تدبیری و مطالعاتی دوره منبیین - حمد

ادعیه و نمازهای حضرت فاطمه سلام الله علیها	ختم قرآن	خروجی تدبیر	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبیر
تعقیبات نماز مغرب و عشاء به همراه نماز شب جمعه	ختم قرآن با توجه به انتخاب غرر آیات در دسته سوره‌ها / ختم براساس فواتح مشترک سوره‌ها	پژوهش آخرت‌گرایی در سوره طواسین	بررسی موضوع مشترک در دو تا چند سوره	توان بررسی موضوعات مشترک در بین دسته سوره‌ها و فهم منظومه‌ای آن موضوعات	۲۵+۳	روش‌های تدبیر در سوره‌های مکی
تعقیبات نماز صبح و ظهر و عصر به همراه نماز روز جمعه	ختم براساس اسماء و صفات الهی در هر سوره (درخت اسماء) / ختم براساس آسیب‌شناسی یک معضل اجتماعی / بررسی امام در هر سوره	پژوهش شبه نظام آسیب‌ها در سوره مسبحات و راهکارهای رفع آنها	شناسایی آسیب‌های اجتماعی مانع جریان‌سازی توحید در یک سوره و به دست آوردن راه‌های برخورد با آنها	کشف رابطه توحید تبیین شده در سوره با سایر موضوعات سوره و شناخت آسیب‌های اجتماعی مانع جریان‌سازی توحیدی	۱۲+۳	روش‌های تدبیر در سوره‌های مدنی

نیروی دوره حمد - ۲۲، ۸۸ هفته



روش‌های تدبیر ادبی ۱	۱۲+۳	قدرت تحلیل قالب- های ادبی سوره در راستای غرض آن سوره	به دست آوردن گزاره‌های حقیقی برای اساس قالب‌های ادبی یک سوره در راستای غرض آن سوره	پیاده کردن تدبیر ادبی ۱ روی سوره انتخابی برای تهلیل	ختم براساس انواع جملات هر سوره/ استخراج قالب ادبی و بیانی هر سوره و ربط آن با غرض سوره/ بررسی لحن سوره‌ها	زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به همراه نماز استغاثه
روش‌های تدبیر ادبی ۲	۱۲+۳	قدرت تحلیل قالب- های ادبی سوره در راستای غرض آن سوره	به دست آوردن گزاره‌های حقیقی برای اساس قالب‌های ادبی یک سوره در راستای غرض آن سوره	پیاده کردن تدبیر ادبی ۲ روی سوره انتخابی برای تهلیل	ختم قرآن با توجه به انتخاب قیود مهم در هر سوره/ ختم قرآن با توجه به انتخاب ادات مهم در هر سوره/ استخراج قالب ادبی و بیانی هر سوره و ربط آن با غرض سوره/ ختم براساس حروف ربط/ بررسی لحن سوره‌ها	زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها به همراه نماز استغاثه
روش‌های تدبیر با ادعیه و روایات (تدبیر روایی)	۱۲+۳	قدرت روایت و دعایابی برای سوره‌ها و قدرت سوره‌یابی برای دعاها و روایت‌ها	به دست آوردن سوره‌ای به همراه کشف حقایق آن برای دعا یا روایتی و به دست آوردن روایت‌ها و دعاهایی برای سوره‌ای		ختم قرآن با توجه به مهم‌ترین موضوع در هر سوره/ ختم بر اساس ثواب قرائت هر سوره	دعای نور به همراه نماز استغاثه



جدول ۱۱- سیر تدبیری و مطالعاتی دوره منبیین - تهلیل

تدبیر	مدت اجرا به هفته	توان بدست آمده	نحوه ارزیابی	ادعیه و نمازها صحیفه علویه
تهلیل	۳۰	بررسی ابعاد یک سوره / قدرت تفکر عمیق و ممتد / درک انس با یک سوره	برنامه‌ریزی و اجرای دقیق برای انس و تدبیر و تدوین حقایق یک سوره	
تدبیر در قالب‌های ادبی کلام (تدبیر ادبی ۳)	۱۲+۲	ایجاد تحول در نگاه به سوره- ها به واسطه درک عمیق ادبیات آن	ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید ادبی	نماز استغاثه به امیرالمؤمنین علیه السلام (نماز اوآیین)
شیوه دستیابی به گزاره‌های یقینی	۱۲+۲	ایجاد تحول در نگاه به سوره- ها به واسطه ارتقای دقت در فهم، تعمیم فهم و ارتقای فهم یک سوره	اصلاح و ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید برهانی	دعای کمیل
رجوع به کتاب برای پاسخ‌گویی به مسائل زندگی	۸+۲	ایجاد تحول در نگاه به سوره- ها به واسطه کشف نظام پاسخ‌گویی سوره‌ها	اصلاح و ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید پژوهشی	مناجات شعبانیه
شیوه تفصیل در موضوعات	۸+۲	ایجاد تحول در نگاه به سوره- ها به واسطه درک نظام تفصیل در سوره	اصلاح و ارتقای گزاره‌های سوره تهلیل با عمیق‌تر شدن دید تفصیلی	دعای هفتاد استغفار

نبروی دوره تهلیل - ۲۰ ماه، ۸۰ هفته



جدول ۱۲- سیر تدریسی و مطالعاتی دوره منبیین - تکبیر

ادعیه و نمازها صحیفه علویه	نحوه ارزیابی	توان بدست آمده	مدت اجرا به هفته	تدبّر	نیروی دوره تکبیر دوره پیاده سازی - ۵۲ هفته
دعای خصله	عمل تفصیلی و دقیق بر اساس سوره	توجه به جنبه‌های عملی سوره‌ها و راهبردی خواندن سوره‌ها	۸	شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: عمل	
دعای جنگ جمل	انجام عملیات بر اساس یک سوره ترجیحاً به صورت جمعی	فهم مختصات سوره به منظور عملیاتی کردن آن	۱۶+۴	شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: عملیات‌سازی	
دعای جنگ صفین	آمادگی برای عرصه‌سازی در امور محوله به شکل طرح و ایده	توجه به مفهوم عرصه و توان عرصه‌سازی بر اساس سوره‌های قرآن	۸	شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: عرصه‌سازی	
دعای مسجد کوفه	آمادگی برای نظام‌سازی در امور محوله به شکل طرح و ایده	توجه به مفهوم نظام و توان نظام-سازی بر اساس سوره‌های قرآن	۸	شیوه‌های پیاده‌سازی بر پایه قرآن: نظام‌سازی	

جدول ۱۳- سیر مطالعاتی تخصصی دوره منبیین - تسبیح

دوره تسبیح (مقدمات تدبّر تا پایان دوره روش‌های تدبّر قرآن به قرآن)					
مطالعات جانبی	انس	کتاب مهارتی	کتاب تکمیلی		کتاب تخصصی
			کتاب تفکر	کتاب منظومه رشد	
ولایت فقیه	صحیفه سجادیه	اصلاح رویکرد در زمینه رجوع به قرآن	پروش تفکر قرآنی	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۱ + اصول و مهارت‌های تربیت کودک ۲ تا ۷ سال با رویکرد طیب‌گزینی	ساختار وجودی انسان
آشنایی با تاریخ اهل بیت	صحیفه فاطمیه	چهل اقدام در صالح‌سازی اعمال	پروش تفکر بنیادی	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۲ + مهارت‌های خیرگزینی	ساختار وجودی جامعه
آشنایی با تاریخ	صحیفه علویه	زیرکی در میدان انتخاب	سؤال؛ نقش پرسش در برانگیختن تفکر	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۳ + اصول و مهارت‌های حُسن‌گزینی	تدبّر در ساحت بیت
انسان ۲۵۰ ساله (۲ جلد)			مبانی و مهارت‌های تفکر پرسشی	دوره‌های رشد تفکر اجتماعی جلد ۴ + اصول و مهارت‌های بلوغ باهم‌بودن	تدبّر در ساحت جامعه
کتاب آیت‌الله مطهری			پرورش تفکر مشاهده‌ای	معناشناسی رشد	هنر خوب زیستن با دیگران
نقش ائمه در احیای دین			پرورش تفکر شنیداری	فرآیندشناسی رشد	موانع خوب زیستن با دیگران



			تفکر آمی	نظم و برنامه‌ریزی در مراحل زندگی مبانی و روش‌های جهاد نرم
--	--	--	----------	--

جدول ۱۴- سیر مطالعاتی تخصصی دوره منبیین - حمد

دوره حمد (روش‌های تدبیر مکی تا تدبیر روایی)				
مطالعات جانبی	انس	سندها	کتاب تکمیلی	کتاب تخصصی
رسائل علامه طباطبایی	مهج الدعوات و منهج العبادات	سند خانواده	شاکله (معنا و فرآیند)	آشنایی با ساختار هستی
کتاب علامه طباطبایی	غرر الحکم و درر الکلم	مبانی لباس و بایسته‌های پوشش	شاکله نفس	ساختار وجودی انسان از منظر عقل
	اصول کافی	بایسته‌های بیان مسائل جنسی براساس احکام الهی	شاکله جمع (شناخت و هدایات القائنات وابسته به هویت جمعی	ساختار وجودی انسان از منظر ذکر
		سند بایسته‌های تربیت کودک طبیب	شاکله جریان- سبک زندگی کوثرانه	ساختار وجودی جامعه از منظر دین
			شاکله جمع‌های رشدآفرین فضل‌شناسی؛ استعدادیابی	بعد جنسیتی انسان تدبیر، چیستی، چرایی و چگونگی
			عارضه جمعی	تدبیر در هستی: تدبیر در کتاب
			خانه‌ای متصل به خانه رسول دفتر اول و دوم	تدبیر در هستی: تدبیر در اسماء
				تدبیر در هستی: تدبیر در آیات تدبیر در هستی: تدبیر در کلام تدبیر در هستی: تدبیر در کلمه

جدول ۱۵- سیر مطالعاتی تخصصی دوره منبیین - تهلیل

دوره تهلیل (روش‌های تدبیر جلد ۱۱ تا ۱۵- تهلیل تا تفصیل) انتخاب عرصه تخصصی		
انس	سندها	کتاب تخصصی
الغارات	سند احیای شهرها	شکل‌گیری امت: نازل کننده رحمت، فضل و احسان
علل الشرايع	سند رسانه‌های رسانای رحمت	استقرار امت: نازل کننده رحمت، فضل و احسان
	سند تولید محتوا برای رسانه	سیر شکوفایی امت: نازل کننده رحمت، فضل و احسان (جلد ۱ تا ۳)
	سند تعلیم و تزکیه	ارتقای ظرفیت دین‌داری



سند فعالیت‌های مسجد	الگوی مدیریت ناسازگاری‌های اجتماعی
سند تولید و ارائه اثر هنری	ولایت ایجادکننده فرآیند هدایت
	تعقل اجتماعی
	سحر و روش‌های مقابله با آن
	حجت و حجیت
	بایسته‌های ارتقای حاکمیت دینی
	معناشناسی طیب و خبیث
	فرآیندشناسی طیب و نظام‌سازی طیب
	معناشناسی خیر و شر
	فرآیندشناسی خیر و نظام‌سازی خیر
	معناشناسی حُسن و سوء
	فرآیندشناسی حُسن و نظام‌سازی حُسن
	معناشناسی ایمان و کفر
	فرآیندشناسی ایمان و نظام‌سازی ایمان
	معناشناسی صدق و کذب
	فرآیندشناسی صدق و نظام‌سازی صدق
	معناشناسی ولایت

جدول ۱۶- سیر مطالعاتی تخصصی دوره منبیین - تکبیر

دوره تکبیر (روش‌های تدبیر جلد ۱۶ تا آخر)

دوره تکبیر عملیات محور است

لذا سیر مطالعاتی این دوره متناسب عرصه تخصصی و عملیات انتخابی می‌باشد و بر عهده متدبیر است.



ضمائم

توان‌مندی و خروجی‌های کتب تدبری

کتاب مقدمات تدبیر در قرآن

کتاب مقدمات تدبیر در قرآن به عنوان خط مقدم کتب تدبری با کارکرد ایجاد انس در مخاطب تدوین شده است. لذا نیروها باید قادر باشند:

ضرورت ارتباط با قرآن را درک کنند.
به یک نظام برنامه‌ریزانه در حوزه قرآن دست یابند.
با مفاهیم سوره‌ها ارتباط برقرار کنند.
سعی نمایند مفاهیم آموخته از سور را در زندگی خود جاری سازند و عملیاتی نمایند.
اقدام به ختم مفهومی متعدد انس محور نمایند.
بتوانند از سور کتاب مقدمات تدبیر و براساس مطالب کتاب، پاورپوینت، کلیپ، تک جملات ادبی، داستان، اشعار، کتابچه سوره و... قابل ارائه برای عموم جامعه، در جمع‌هایی که امکان ارائه دارند، ارائه دهند.

کتاب روش‌های تفکر در قرآن

در کتاب روش‌های تفکر در قرآن به ضرورت شیوه‌های تفکر توجه شده است. لذا نیروها باید قادر باشند:

مولفه‌های تفکر را از سور شناسایی کنند.
نقش کلام در تفکر را بشناسند.
با تفکر جانبی و پس‌زمینه‌ها آشنا شوند.
تفکر بنیادی را بیاموزند.
بتوانند بین گزاره‌ها ارتباط منطقی برقرار سازند.
گزاره‌های سور را به نمودار توصیفی، تبدیل نمایند.
در نتیجه انتظار می‌رود قرآن‌پژوه در پایان دوره از طریق توجه به کلام و توسعه مفهومی آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی نماید.
آموخته‌های خود را به صورت روشمند در زندگی جاری سازد.
نمودارهای توصیفی، موضوعی از سور ارائه دهد.
قادر به ارائه سوره‌ها در یک جمع با برنامه‌ریزی منظم و مستمر باشند.

کتاب روش‌های تدبیر کلمه‌ای در قرآن

کلمات در قرآن دومین واحد جمله به شمار می‌روند. کلمات باب علم هستند و ارتباط برقرار کردن با آن‌ها به منزله ورود به شناخت آیات است. لذا نیروها باید قادر باشند:

کلمات قرآن را از طریق بسط و واژگان بررسی نمایند.
سطح کلمات را از منظر محکم و متشابه شناسایی کرده و نحوه بررسی آن را بیاموزند.
یک پژوهش مبتنی بر روش تدبیر کلمه‌ای ارائه دهند.
پیشنهادات کاربرد این کلمه را در ارکان مختلف اجتماع و خانواده ارائه دهند.

کتاب روش‌های تدبیر سوره‌ای در قرآن

قرآن به عنوان کتاب الهی حاوی آیاتی است که حول غرضی واحد گرد هم آمده و سوری را به وجود آورده است. از آن‌جا که دستیابی به غرض احتمالی سور و نزدیک شدن به آن به طریق روشمند مقدور است، لذا نیروهای دوره تسبیح باید قادر باشند:

دسته‌بندی موضوعی و ترتیبی از آیات ارائه دهند.

غرض سوره را متناسب با این روند بیابند.

سور را براساس موضوعات کلیدی کل قرآن طبقه‌بندی کنند.

آیات احکامی و تفصیلی را شناخته و بتوانند حدود تمایز و کارکرد آن را بیان نمایند.

پژوهشی مبتنی بر موارد فوق در مجال علمی و تخصصی ارائه نمایند.

کتاب روش‌های تدبیر قرآن به قرآن

روش‌های تدبیر قرآن به قرآن به معنای به نطق در آوردن قرآن براساس نیاز، موضوع و تبدیل آن به مسئله است. بنابراین در این دوره با مطالعه تفسیر قرآن و بررسی آیات به این مورد می‌پردازیم که متناسب با موضوع مطرح شده، راهبردها، کاربردها و مهارت‌های این موضوع در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف به چه نحو است. در نتیجه با به کارگیری روش‌های آموخته شده در دوره‌های قبل فرد نسبت به رفع نیاز موضوعی خود از قرآن اقدام نموده سپس آن را در عرصه زندگی جاری می‌سازد. لذا نیروهای دوره تسبیح باید قادر باشند:

براساس زوج سوره، خانواده سوره، موضوعی را در کل قرآن بررسی نموده و مهارتی نمایند.

و براساس مهارت‌های استخراج شده، نیازها و مسائل و موضوعات خود را ساماندهی کرده و احکام آن را شناسایی نمایند.

توان ارائه نزد مربی تدبیر مورد تایید مسئول مدرسه

کتاب روش‌های تدبیر در سوره‌های مکی

از آن‌جا که این دوره کاملاً تخصصی است، لذا نیروهای دوره حمد باید قادر باشند:

مقایسه بین سوره‌ای ارائه دهند.

نقاط تمایز و اشتراک سور را بیابند.

طبقه‌بندی و جمع‌بندی از سور در قالب نمودار موضوعی و ترتیبی ارائه دهند.

حقایق سور را کشف کنند.

موضوعات خانوادگی، اجتماعی و ... از مجموعه خانواده سور مکی را کشف و بررسی نمایند.

برگرفته از دسته سور مکی متناسب با موضوعات اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی؛ متن پژوهشی مبتنی بر فرآیندشناسی، معناشناسی و نظام‌سازی ارائه دهند.

یافته‌های پژوهشی در تحقیقات کاربردی و نظام‌سازانه را عملیاتی کنند.



کتاب روش‌های تدبیر در سوره‌های مدنی

بررسی ارتباط اسماء الهی با جریانات سلبی و ایجابی در جامعه از طریق ارائه تفصیل و ارتباط بین شرایط و بسترها با اسماء الحسنی. در این راستا موارد زیر باید لحاظ گردد:

- باورسازی و ایمان‌آفرینی
 - فهم حکم متناسب با هر بستر
- لذا نیروهای دوره حمد باید قادر باشند:

غرض سوره‌ها را دریابند.
اشتراک بین دسته سوره‌ها را با محوریت اسماء تشخیص دهند.
بتوانند مؤلفه‌های هر سوره را متناسب با ساختار وجودی انسان، جامعه و هستی تشخیص دهند.
آسیب‌ها را در هر سوره شناسایی نموده، شبه نظام آسیب‌های سوره و همچنین دسته سوره را ترسیم نمایند.
با درک از اسماء الهی در سوره‌ها و ارتباط اسماء با موضوعات سوره بتوانند نظام اسماء سوره و دسته سوره را ترسیم نمایند.
در نهایت بتوانند براساس نظام اسماء سوره، عرصه‌های مطرح شده در سوره را شناسایی و برای آسیب‌ها، نقص‌ها و اختلالات مطرح شده در عرصه‌های هر سوره راهکار و حکمی مناسب بیابند.
راهکارها را در قالب نظام و چرخه در دسته سوره بتوانند ترسیم نمایند.

کتاب روش‌های تدبیر ادبی

انسان‌ها برای برقراری ارتباط میان خود از کلام بهره می‌گیرند و به اندازه فاصله‌شان از غرض کلام و نحوه استفاده از واژگان و قالب‌های ادبی و بیانی، عدم توانمندی در انتقال محتوای کلام به دیگران وجود دارد. لذا شناخت کلام و ویژگی‌های آن و نحوه استفاده از قالب‌های ادبی و بیانی نه تنها در زندگی روزمره لازم و ضروری است؛ بلکه جهت فهم کلام الهی و ارتباط برقرار کردن با وحی نیز ضرورت دارد.

لذا نیروهای دوره حمد باید قادر باشند:

حدود کلام را بشناسند.
خطاب کلام و تغییر آن را مشخص کنند.
محذوفات کلام را تشخیص دهند.
انواع جملات را در قالب کلام شناخته و کاربرد آن‌ها را بدانند.
قالب‌های ادبی و بیانی را بشناسند و کاربرد آن‌ها را در کلام الهی تشخیص دهند.
ضرورت و کارکرد حروف را در قالب‌های ادبی و بیانی تشخیص دهند.
جهت اصلاح قالب‌های ادبی و بیانی خود مبتنی بر آموخته‌های قرآنی کوشا باشند.

کتاب روش‌های تدبیر با روایات و ادعیه

اهل بیت به عنوان ثقل دیگر قرآن، بازکننده‌ی زوایا و جوانب سوره‌ها و آیات در سطوح مختلف، عهده‌دار تبیین، تفسیر، اجرایی کردن، نزول دوباره وحی و جاری کردن آن در زندگی هستند.

لذا نیروهای دوره حمد باید قادر باشند:



مفهوم تفسیر روایی و تفاوت آن با تفاسیر دیگر را بشناسد.

انواع روایات یاد شده برای سور و موضوعات آن را تشخیص دهد.

ارتباط روایت با قرآن و بالعکس را بفهمد.

بتواند با استمداد از روایات در سوره‌ها تدبّر نماید.

از ادعیه در فهم آیات استفاده کند.

به واسطه روایات، مفاهیم سوره را عملیاتی نماید.



جدول توضیح درباره خروجی‌های دوره‌های تدبیر

خروجی تدبیر	دوره
ارائه یک سوره در قالب همایش: منظور از همایش، ارائه یک سوره در جمعی به صورت نقطه‌ای و موردی است. در این ارائه قرآن پژوه لازم است با در نظر گرفتن شرایط و اقتضائات آن جمع و امکانات خود، اقدام به تولید محصولات و ارائه سوره نماید. نمونه همایش‌ها می‌تواند در گردهمایی‌های دانشجویی، تخصصی، اردویی، روزه‌ها، جشن‌ها، میهمانی‌های خانوادگی، محلی و ... باشد. هرکس به این توجه کند که به تنهایی برای ارائه یک سوره در جمع مد نظر چه کارهایی می‌تواند انجام دهد؟ چه محصولاتی را تولید نماید؟ چه امکاناتی دارد؟ ...	مقدمات تدبیر در قرآن
ارائه سوره در بیوت نورانی: ارائه در بیوت نورانی لزوماً به معنای ارائه سوره در قالب اجرائی مرکز خاصی نیست. بلکه در پایان دوره تفکر هر فرد لازم است در میان اطرافیان و آشنایان خود یا در حوزه‌هایی که امکانات دارد همانند محله، مسجد و ... بتواند با تشکیل گروه‌هایی به صورت ثابت، منظم و مستمر جلسات قرآن داشته باشند و در این جلسات جهت انس و آشنایی آن‌ها سوره‌های قرآن را در حد قرائت، ترجمه، نکات تفسیری و طهارتی ارائه دهد.	روش‌های تفکر در قرآن
ارائه پژوهش: در پایان دوره کلمه لازم است قرآن پژوه وارد پژوهش شده و بتواند با تعیین یک سوره، یک واژه را در سوره (با مقدمه، لوازم و آثار) تعریف کند و نسبت سایر واژگان سوره را در قالب مقدمات، لوازم و آثار در سوره مشخص نماید. پژوهش این دوره می‌تواند برای کارهای تخصصی به صورت پژوهش مسأله‌ی مورد نیاز از خارج از سوره باشد که با سیر واژه‌یابی و یافتن بهترین سوره برای پژوهش، وارد سیر یافتن معنای واژه در سوره خواهند شد.	روش‌های تدبیر کلمه‌ای در قرآن
ارائه سوره در خوابگاه‌ها و محافل ثابت دانشجویی به صورت منظم: این ارائه می‌تواند به صورت مجازی یا حضوری باشد. معرفی افراد برای تدریس در خوابگاه‌ها از طریق اقدامات خود فرد یا از طریق کارگروه سفیران صورت می‌گیرد.	روش‌های تدبیر سوره‌ای در قرآن
ارائه سوره در حضور مسئولین مدارس دانشجویی و برعهده گرفتن ارائه در مدارس به صورت مجازی و حضوری	روش‌های تدبیر قرآن به قرآن
پژوهش آخرت‌گرایی در سوره طواسین	روش‌های تدبیر در سوره‌های مکی
پژوهش شبه‌نظام آسیب‌ها در سوره مسبحات و راهکارهای رفع آن‌ها	روش‌های تدبیر در سوره‌های مدنی
پیاده کردن تدبیر ادبی روی سوره تهلیل	روش‌های تدبیر ادبی

توضیح ختم‌های مفهومی پیشنهادی

توضیحات	ختم قرآن
ختم قرآن با چشم و لمس به صورت منظم در یک اردوی سه روزه در این شیوه تمامی آیات قرآن از ابتدا تا انتها توسط انگشت لمس شده و قرائت آیات تنها با چشم دنبال می‌شود.	ختم لمسی قرآن
در این روش هر یک از سوره‌ها قرائت شده و آیات عملی هر کدام علامت‌گذاری می‌شود. می‌توان نکته اصلی طهارتی هر سوره را که در ارتباط با غرض سوره تشخیص داده می‌شود، در دفتری یادداشت نمود.	ختم با توجه به گزاره‌های عملی و طهارتی هر سوره
هر سوره، یک فضای گفتمانی، زندگانی، اقلیم، سبک زندگی، فضای زندگی، حسی، حس رضایت، خرسندی و لذت و البته کراهت دارد که با سوره‌ی دیگر متفاوت است. پس در این رویکرد تنها حس سوره را مد نظر دارید.	ختم قرآن با توجه به فضای کلی سوره
سوره‌های بلند ۲۰ کلمه، سوره‌های میانه ۱۰ کلمه و سوره‌های کوچک تا ۵ کلمه	ختم قرآن با توجه به انتخاب کلمات مهم در سوره‌ها
شناسایی واژه کلیدی، پرتکرار و اختصاصی هر سوره. در این شیوه واژه کلیدی، پرتکرار و همچنین اختصاصی هر سوره علامت‌گذاری می‌شود. (واژه اختصاصی هر سوره واژه‌ای است که صرفاً در آن سوره و یا نهایتاً در چند سوره محدود مورد استفاده قرار گرفته است).	ختم سوره‌ها با رویکرد یافتن آیه و کلمه غرر هر سوره و نظام کلمات سوره
در این شیوه آیات غرر هر سوره که در بردارنده‌ی قوانین و حقایق کلی و اصلی آن سوره هستند، علامت‌گذاری می‌شود.	ختم قرآن با توجه به انتخاب غرر آیات هر سوره + توجه به فواتح و خواتم سوره‌ها
در این روش آیات سوره‌ها براساس یک سری محورهای کلی و ظاهری دسته‌بندی می‌شوند. می‌توانید این دسته‌بندی‌ها را از طریق رنگی کردن آیات در قرآن علامت‌گذاری کنید. (دسته‌بندی پیشنهادی: آیات قوانین، آیات دربردارنده باید و نباید، آیات مربوط به رسول، آیات مربوط به اسماء و صفات الهی)	دسته‌بندی و رنگی کردن آیه‌ها
در این شیوه یک دسته‌بندی کلان (مانند دسته‌بندی‌های ذکر شده در جزوه تدبیر سوره‌ای: حق و باطل، مومن و کافر، مطلوب و نامطلوب یا هر دسته‌بندی دیگر) در نظر گرفته شده و تمامی آیات سوره‌ها براساس آن قرائت و علامت‌گذاری می‌شود.	ختم با یک نوع دسته‌بندی مشخص



در این روش آیه یا موضوع احکامی هر سوره که می‌توان تمامی آیات و حقایق آن سوره را در ذیل آن دسته‌بندی نموده، شناسایی و یادداشت می‌شود. تفاوت این روش با روش مشابه در آن است که در این روش آیه یا موضوع انتخابی می‌بایست دربردارنده غرض آن سوره بوده و ضمناً وجه شباهت و تمایز آن سوره را با سوره‌های دیگر مشخص نماید.	شناسایی آیه احکامی در هر سوره
در این شیوه مولفه‌های ساختار وجودی انسان، ناس یا هستی در نظر گرفته شده و تمامی آیات سوره‌ها براساس این مولفه‌ها علامت‌گذاری می‌شوند. به عنوان مثال براساس ساختار وجودی انسان می‌توان آیات را به این صورت دسته‌بندی نمود: آیات قوانین هستی (گزاره‌های عقلی) آیات مربوط به علم و ادراک آیات مربوط به فعل و عمل آیات مربوط به توجه نفسانی	ختم براساس ساختار وجودی انسان، ناس یا هستی
در این روش مولفه‌های ساختارهای دیگر (مانند ثبوت، اثبات، بروز، کارکرد و ابراز در ساختار حکمت) انتخاب شده و آیات سوره‌ها براساس این مولفه‌ها علامت‌گذاری می‌شوند.	ختم براساس ساختارهای دیگر مانند حکمت، رشد و...
در این روش مفهوم واژگان کلیدی یک سوره کوچک (مانند مفهوم واژگان عصر، خسر، ایمان و عمل صالح از سوره مبارکه عصر) در نظر گرفته شده و ضمن ختم قرآن، آیات مرتبط با هر واژه علامت‌گذاری می‌شوند. در این روش در حقیقت شرح تفصیلی واژگان کلیدی سوره مورد نظر در کل قرآن شناسایی می‌شود.	ختم قرآن براساس موضوعات اصلی سوره‌های جزء ۳۰ + ختم با واژگان کلیدی یک سوره کوچک
در این روش غرض یک سوره در نظر گرفته شده و مابقی سوره‌های قرآن حول غرض آن سوره و نسبتی که با آن غرض دارند، قرائت می‌شود. در این صورت شرح تفصیلی آن سوره در کل قرآن شناخته می‌شود.	ختم سوره‌ها براساس غرض یک سوره خاص
در این شیوه ابتدا با یک بررسی سریع سوره‌ها براساس فاتحه هر کدام دسته‌بندی شده و سپس با قرائت سوره‌های با فواتح مشترک، واژگان، آیات و همچنین موضوعات مشترک میان هر کدام استخراج می‌شود.	ختم براساس فواتح مشترک سوره‌ها:
در این روش با توجه به درخت اسماء در کتاب روش‌های تدبیر در سوره‌های مدنی، درخت اسماء هر سوره ترسیم می‌شود.	ختم براساس اسماء و صفات الهی در هر سوره (درخت اسماء)
در این روش یک موضوع اجتماعی یا کلان (مانند علل سستی در جهاد یا ...) در نظر گرفته شده و سوره‌ها حول بررسی این مسئله قرائت می‌شوند.	ختم براساس آسیب‌شناسی یک معضل اجتماعی



<p>در این روش آیات مرتبط با وجود رسول و امام در هر سوره علامت‌گذاری شده و ارتباط آن با غرض سوره تبیین می‌شود.</p>	<p>بررسی امام در هر سوره</p>
<p>در این روش نوع جملات هر سوره (خبری، انشایی، اسمیه، فعلیه و...) تعیین شده و بدین صورت قالب کلی ادبی آن سوره شناسایی می‌شود.</p>	<p>ختم براساس انواع جملات هر سوره</p>
<p>در این روش که طبیعتاً می‌بایست با روش قبلی ختم نیز همراه بوده باشد، مجموع قالب‌های ادبی و بیانی هر سوره شناسایی شده و ارتباط آن با غرض آن سوره تبیین می‌شود.</p>	<p>استخراج قالب ادبی و بیانی هر سوره و ربط آن با غرض سوره</p>
<p>در این روش حروف ربط پرتکرار و کلیدی در هر سوره شناسایی شده و ارتباط آن با غرض آن سوره بررسی می‌شود.</p>	<p>ختم براساس حروف ربط</p>
<p>در این شیوه لحن نهایی هر سوره تعیین می‌شود. (تبیین موضوع لحن و نحوه استخراج آن در مجلدات تدبر ادبی به تفصیل بیان شده است).</p>	<p>بررسی لحن سوره‌ها</p>
<p>در این شیوه ابتدا ثواب قرائت سوره مطالعه شده و سپس با توجه به مهم‌ترین موضوع در هر سوره ختم، آیات آن سوره در ارتباط با ثواب مطالعه شده قرائت می‌شوند.</p>	<p>ختم قرآن بر اساس ثواب قرائت هر سوره</p>
<p>تسلط روی سوره تهلیل، شامل همه رویکردهای تدبری قبل تسلط بر نحوه خوانش سوره تهلیل در کل قرآن با ختم قرآن‌های متعدد پیاده‌سازی کتب تدبر پس از تهلیل (از ادبی تا نظام‌سازی) روی سوره تهلیل برنامه‌ریزی برای ختم قرآن متناسب با طراحی عملیات تخصصی طراحی عملیات و عرصه‌شناسی و ورود به عملیات متناسب با سوره تهلیل و ختم قرآن- های طراحی شده در راستای عملیات</p>	<p>تسلط روی سوره تهلیل</p>

دفتر چهارم

حشمت‌الله انصاری
کلیه حقوق مازید محفوظ است

فهرست دفتر چهارم

۱۱۸.....	مقدمه
۱۲۰.....	اندر باب عملیات
۱۲۱.....	اندر باب امامِ عملیات
۱۲۳.....	اندر باب نیاز
۱۲۴.....	اندر باب رافعِ نیاز
۱۲۶.....	اندر باب پرستشِ ربِّ عالم
۱۲۸.....	اندر باب خروج از روزمره‌گی
۱۲۹.....	اندر باب هدایت
۱۳۱.....	اندر باب فطرت
۱۳۳.....	اندر باب کتاب
۱۳۵.....	اندر باب رسول
۱۳۷.....	اندر باب نعمت
۱۴۰.....	اندر باب ایمانِ مومن
۱۴۳.....	اندر باب منسک
۱۴۶.....	اندر باب حج
۱۴۸.....	اندر باب مکه
۱۵۰.....	اندر باب نماز
۱۵۳.....	اندر باب حرکت
۱۵۴.....	اندر باب شیطان و ظلم
۱۵۷.....	اندر باب توحید و خروج از شرک
۱۶۱.....	اندر باب راهبری
۱۶۳.....	اندر باب محبت و ودّ
۱۶۵.....	اندر باب برائت
۱۶۷.....	اندر باب عبودیت
۱۶۹.....	اندر باب دعا
۱۷۲.....	اندر باب شهود
۱۷۳.....	خاتمه



مقدمه

سلام بر ابراهیم محمد صلی الله علیهما و علی آلهما

سلام بر سوره مبارکه بقره که ما را از امامت ابراهیم محمد باخبر می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه آل عمران که ما را از ملت‌داری او باخبر می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه نساء که ما را از فضل خلیل بودن او آگاه می‌سازد.

سلام بر سوره مبارکه انعام که ما را از حجت‌داری ابراهیم محمد بینا می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه براءت که ما را از بی‌داری ابراهیم باخبر می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه هود که ما را از دل سوخته و عاشق و واله او خبر می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه یوسف که ما را از نعمت‌داری او خبر می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه ابراهیم که ما را از نسل توحیدی او آگاه می‌سازد.

سلام بر سوره مبارکه حجر که ما را از چشم ملانکه‌بینی و دست و قدم میهمان‌نوازی او باخبر می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه نحل که ما را از امت قانت حنیف بودن او باخبر می‌سازد.

سلام بر سوره مبارکه مریم که ما را از صدیق نبی بودن او مطلع می‌کند.

سلام بر سوره مبارکه انبیا که ما را از جوان‌مردی و رشد‌مداری او باخبر می‌سازد.



سلام بر سوره مبارکه حج که ما را از مجاهد بودن و دشمن ستیزی او مطلع می کند.

سلام بر سوره مبارکه شعراء که ما را از حکایت قلب سلیم او باخبر می سازد.

سلام بر سوره مبارکه عنکبوت که ما را از حرارت قلب او در هدایت آگاه می سازد.

سلام بر سوره مبارکه احزاب که ما را در ارادتش به محمد صلی الله علیه و آله باخبر می سازد و نیز مفهوم صلوات را که

پیوستگی نزول رحمت است، در گرو میثاق با محمد صلی الله علیه و آله معرفی می کند.

سلام بر سوره مبارکه صافات که ما را از درد و آه و دعای ابراهیم باخبر می کند.

سلام بر سوره مبارکه ص که ما را از قوتها و قدرت های ابراهیم باخبر می کند.

سلام بر سوره مبارکه شوری که ما را از شریعت داری ابراهیم باخبر می کند.

سلام بر سوره مبارکه زخرف که ما را از دنیاگریزی او خبردار می کند.

سلام بر سوره مبارکه ذاریات که ما را در دوست داشتن آسمان رزق او خبردار می کند.

سلام بر سوره مبارکه نجم که ما را از وفاداری او به انتقال حقایق باخبر می کند.

سلام بر سوره مبارکه حدید که ما را از جریان بخشی حاکمیت دین در بین مردم توسط او خبردار می سازد.

سلام بر سوره مبارکه ممتحنه که ما را از اسوه حسنه بودن او در برائت از کفر مطلع می کند.

سلام بر سوره مبارکه اعلی که ما را از وجود صُحُف ابراهیم خبردار می سازد؛

و سلام بر ابراهیم که ما را نسبت به وجهی از محمد صلی الله علیه و آله آشنا می سازد و خود را به عنوان بخشی از ویژگی های

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله معرفی کرده، این گونه ارادت خود را به محمد و آل محمد اظهار می کند.

ابراهیم وجه خلیل بودن محمد صلی الله علیه و آله را به نمایش گذاشته است و این وجه را به عنوان وجه اسوه بودن پیامبر تبیین

می کند.

سلام بر ابراهیم محمد صلی الله علیه و آله ...



اندر باب عملیات

هر عملیاتی که مجموعه‌ای از اعمال مجاهدان بر علیه دشمنان انسانیت و دین باشد؛ مبتنی بر نقشه عملیات، دارای مختصات، مرحله و زمان اقدام و اجرا است.

بنابراین لازم است:

- جمع‌های موحدانه هم‌سو و هم‌مقصد شکل گیرد.
- برنامه‌ای برای تقابل با دشمن وجود داشته باشد.
- در نحوه اجرا و زمان‌بندی توافق وجود داشته باشد.
- محتوای مناسب برای ورود در عرصه‌های کارزار وجود داشته باشد.
- مجاهدان، عزم جدی برای محو اثر بدی‌ها داشته باشند.
- مجاهدان دشمن را به خوبی بشناسند.

اگر جمعی بخواهند مقابل دشمن بایستند، باید دشمن را شناخته، نقشه عملیاتی داشته باشند و به موقع و به صورت مرحله‌بندی و مجموعه‌ای عمل کنند؛ مانند ابراهیم خلیل که خود جمعی موحد بود.



اندر باب امام عملیات

سوره ابراهیم و آیاتی که نام مبارک ابراهیم در آن است، نمایان کننده وجه ابراهیمی محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است.

با مطالعه سوره ابراهیم و توجه به عملکرد حضرت ابراهیم می توان وجه امت بودن محمد صلی الله علیه و آله را شناخت.

وجه حنیف بودن او را

وجه مسلمان بودنش را

وجه برائتش را

وجه بت شکنی اش را

وجه اتصال ملائکه به او را

سخن از ابراهیم و شناخت ویژگی های او در واقع شناخت وجهی از ویژگی های محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است.

افتخار ابراهیم علیه السلام نیز به همین نمایان کردن است؛

چه اینکه بدون ابراهیم نمی توان این وجوه را شناخت و در عمل و عملیات وارد کرد.

هر آن که اهل عمل صالح و عملیات سازنده باشد، با محمد رسول الله صلی الله علیه و آله زندگی می کند و سرباز اوست، در هر زمان و مکان که باشد.

محمد صلی الله علیه و آله، رسول همه مومنان و علی علیه السلام امام همه مومنان است.

اعتبار همه اهل ایمان به محمد صلی الله علیه و آله و نفس او یعنی علی علیه السلام است.

به همین دلیل او صراط مستقیم خداوند عزیز حمید است.

این که چگونه می شود کسی بر قبل و بعد خود ولایت داشته باشد مثل ولایت خداست که اگر غیر این بود ولایت خدا بدون مثل می ماند.

این که خداوند چگونه جریان هدایت خود را از طریق محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام بر قبل و بعد آنها ساری و جاری می کند، دست غیب اوست که نه زمان می شناسد و نه مکان.



این که چگونه این جریان غلبه مطلق دارد هر چند بسیاری آن را انکار می‌کنند و در گفتار و کردار در مقابل آن صف می‌کشند، بی‌نهایتی واضح در اراده خداوند برای ظهور کامل دین خود است.

بروز هر کمالی و ظهور هر زیبایی به محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام باز می‌گردد و تقویت کننده باور به الحمد لله است که رب العالمین و الرحمن الرحیم و مالک یوم الدین است.



اندر باب نیاز

با آشکار شدن نیازهای انسان، خوف و رجا در او به وجود می‌آید. خوف از برآورده نشدن نیازها و رجا نسبت به برآورده شدن آن.

در این میان نفع و ضرر نیز معنا پیدا می‌کند. نفع برآورده شدن نیازها و ضرر برآورده نشدن آنها.

نیازهای انسان، او را به انجام کارهایی وا می‌دارد.

قرار گرفتن در مسیر نیاز و عمل برای برطرف کردن یا برآورده شدن آن، باعث توجه به منبع قدرت می‌شود.

کانون توجه انسان وقتی به آن منبع معطوف شود از غیر آن فارغ می‌گردد و اگر این توجه کانونی شکل نگیرد، گاهی آن منبع فراموش شده و گاهی با شدت و قدرت بیشتری مورد التفات قرار می‌گیرد.

منبع قدرت، برای انسان همان منبعی است که او را می‌بیند و به نیازش پاسخ می‌دهد و به همین دلیل آن منبع را دوست داشته و نمی‌تواند از آن جدا شود.

بنابراین پرستش با نیاز شروع شده، به سمت محبت پیش می‌رود و آن منبعی که می‌تواند نیازهای انسان را پاسخ دهد، مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد.

تشخیص ناصحیح منبع قدرت، اولین و مهم‌ترین انحراف در زندگی انسان است.



اندر باب رافع نیاز

چه کسی می‌تواند نیازهای مرا برطرف یا برآورده کند؟

چه کسی می‌تواند در من نیازهای بالاتری ایجاد نماید؟

چه کسی می‌تواند همیشه با من باشد و مرا تنها نگذارد؟

چه کسی می‌تواند مرا بفهمد و از نیاز من آگاهی داشته باشد؟

چه کسی می‌تواند آنچه نیاز دارم را بی‌منت به من عنایت کند؟

چه کسی می‌تواند مرا ببیند و من همیشه برای او دیده شوم؟

من خود را برای چه کسی بیارایم و آراسته کنم؟

من چگونه و با چه کسی اظهار محبت و دوستی نمایم؟

من با چه کسی خوش باشم و به او اتکا داشته باشم؟

در هنگام ترس چه کسی برای من امنیت است؟

در غصه‌ها چه کسی برای من غم‌زدایی می‌کند؟

در بیماری‌ها چه کسی مرا شفا می‌دهد؟

در گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها چه کسی مرا سیر و سیراب می‌کند؟

در طبع هر انسانی است، که توسط منبع قدرت‌مندی دیده شود و نزد آن منبع اظهار نیاز کند، تا نیاز او رفع شود و این‌گونه پرستش در زندگی شکل می‌گیرد.

پرستش، قدرت‌بخش و نیروزاست و از این رو محبت را روز به روز بیشتر به خود جلب می‌کند.

برآورده‌کننده نیازها محبوب انسان است و او به عنوان اله مورد پرستش قرار می‌گیرد؛ گاه ستایش شده، گاه به درگاه او دعا و حاجت ارائه می‌شود و گاه از او بخشش و گذشت طلب می‌گردد.

ابراهیم‌ها، برآورده‌کننده همه نیازها را یکی دانسته و اساساً قرب به برآورده‌کننده نیاز را، نیاز خود می‌دانند و با هر نیازی او را جستجو می‌کنند.

غیر ابراهیم‌ها، برآورده شدن هر نیازی را به سببی نسبت می‌دهند و برای هر نیاز، شأن خاص قائل هستند.



به دلیل تعدد نیازها و برآورده‌کننده آن، صرفاً به رفع نیاز توجه کرده و در پرستش به تکثر کشیده می‌شوند. در نتیجه یا پرستش از محور زندگی آنها محو می‌شود و یا به صورت رفتارهای غیر آگاهانه بروز می‌یابد.

تنها کسی می‌تواند خدای واحد را بپرستد که او را به عنوان برآورده‌کننده همه نیازهای خود شناخته و به آن توجه داشته باشد.

برای چنین شخصی نیازها بهانه‌ای برای اتصال او به اله یگانه است. پس چنانچه هر نیازی او را به آن اله یگانه وصل کند، مأموریت خود را انجام داده است.

در این صورت با نیازهای روزمره، مانند خوردن، سلامتی و ...، اله یگانه پرستش می‌شود. لذا آنچه خورده می‌شود مهم نیست، آن‌که می‌خوراند مهم می‌شود. آنچه بیماری را بهبود می‌بخشد مهم نیست، آن‌که شفادهنده بیماری است مهم می‌شود.

یافتن اله در هر نیازی به معنای ملاقات اوست.

آری برای چنین کسی، نیازها محل ملاقات او با اله واحد است و تمام لذتی که در هر نیازی نهفته است، در این ملاقات نهفته است.

نفع در این منطق، ملاقات اله واحدی است که برآورده‌کننده همه نیازها باشد و ضرر یعنی برخوردار نبودن از نیازی که کشاننده به چنین الهی است.

نفع و ضرر در منطق اله واحد، قرب به اله واحد یا دور شدن از اوست و به هیچ وجه به معنای برطرف شدن یا برآورده شدن نیاز یا برطرف نشدن و برآورده نشدن نیاز نیست. لذا برای فرد نیاز به اله واحد، اصل و سایر نیازها سایه آن می‌شود.

دعوی اصلی ابراهیم‌ها و غیرابراهیم‌ها^۱ بر سر همین موضوع است.

۱. سوره مبارکه مریم آیات ۴۱ تا ۵۰



اندر باب پرستشِ ربِ عالم

انسان قبل از اینکه پدر و مادر داشته باشد، خدا داشته است.

قبل از آن‌که دنیا دار شود، آخرت دار شده است.

قبل از آن‌که به دنیا بیاید، در بهشت بوده است.

قبل از آن‌که گذشته داشته باشد، آینده دارد.

از همان ابتدای تولد، دارایی‌های انسان بی‌شمار است و براساس آن‌ها باید مسیر دنیا و آخرت خود را طی کند.

این دارایی‌ها وقتی شناخته شده و به کار گرفته شوند، باعث حال خوب در انسان می‌شوند، از این‌رو به آن‌ها نعمت گفته شده است.

مسیری که برای هر انسانی در نظر گرفته شده، کم شدن فاصله‌ی او از خدا، داشتن آینده‌ای باشکوه و ایمن و در سلامت، نزدیک‌تر شدن او به آخرت، تثبیت او در بهشت و وارد شدن در بهشت‌های پی‌درپی است.

اگر کسی در این مسیر باشد، حالش خوب و در غیر این‌صورت حال بدی دارد و حال دیگران را نیز بد می‌کند و اگر سرپرست کسانی باشد، بد سرپرست می‌شود.

کسی که در مسیر کم کردن فاصله‌اش از خدا قرار نگرفته باشد، با هر قدمی و با هر اقدامی، دنیاخواه‌تر، خودخواه‌تر، بدحال‌تر، تیره‌روزتر، از فجر و شکوه و عظمت دورتر و به خواری و خردی نزدیک‌تر می‌شود.

چقدر خوب است که هر کس یک‌بار آن‌چه در صحیفه ذهن‌اش حفظ کرده و به «یاد» دارد را ارزیابی کرده و ببیند چرا سهم او از «یادِ خدا» وافر نیست.

اگر ظرفیت انسان در ذکر محدود باشد، وقتی از موضوعات متعدد و متنوع یاد می‌کند، جایی برای یاد خدا و رحمت‌های او نمی‌ماند.

گرفتاری‌ها، نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، نارسایی‌ها، کمبودها، ناداری‌ها، ناتوانی‌ها، غصه‌ها، و ... یاد را چنان درگیر می‌کند که گاهی فرد نام خود را هم فراموش می‌کند.

گاهی اتفاقات ناگوار و گرفتاری‌ها، یاد خدا را در دل زنده می‌کند.

انسان مضطر، اضطرار خود را به خداوند عرضه می‌کند و از او کمک می‌خواهد. این رخداد، میمون و مبارک است، به شرط آن‌که یاد خدا به اتفاقات ناگوار ختم نشده و خداوند صرفاً معادل شکست‌ها و سرشکستگی‌ها تلقی نگردد.



خداوند دانا و تواناست و هر دانایی و توانایی از آن خداست. پس با روبرو شدن با هر دانستن و توانستن باید خدا یاد شود.

خداوند شنوا و بیناست، پس بعد از هر دیدن و شنیدنی باید خداوند یاد شود.

پس از هر صوت و صحنه‌ای، باید از شنوایی و بینایی خداوند یاد گردد.

خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است به همین دلیل یاد او به سهولت در صحیفه جان جاری می‌شود ولی آنچه به این یاد بها می‌دهد، چگونگی آن و نیز تأثیر آن در درون و بیرون فرد است.

خدای گرفتاری، خدای رنج، خدای دردها، و ... کام انسان را تلخ می‌کند.

خدای نعمت، خدای عطا، خدای رحمان، کام انسان را شیرین می‌نماید.

هر قدر خدای یاد شده، داناتر و تواناتر باشد و صفات کریمه بیشتری برای او به ذهن متبادر شود، یاد حاصل شده قوی‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود.

یاد حیات و اینکه او حیات‌بخش است، یاد مرگ به عنوان حیاتی دوباره و اینکه اوست که تربیت عبد را به عهده گرفته است، خدا را باشکوه‌تر و باعظمت‌تر می‌نماید.

به همین دلیل یاد مرگ و حیات، لازم‌ترین و پایه‌ای‌ترین یادهایی است که فرد باید از آن بهره ببرد. در این صورت یادکننده می‌داند در جریانی از رحمت به سمت کمال شتابان است.^۲

۲. سوره مبارکه مریم آیات ۶۷ تا ۷۴



اندر باب خروج از روزمره‌گی

وضع زندگی روزمره آدمی، به‌گونه‌ای است که او را به تدریج دچار روزمره‌گی می‌کند.

روزها، هفته‌ها و سال‌ها می‌گذرد و با این گذران، سپری می‌شود بدون آن که احساس شود.

قوه خیال، بیشترین سهم را در تنوع‌بخشی‌های ظاهر فریبانه برای انسان دارد.

خلق انواع بت‌ها، تنوع‌بخشی به آن‌ها، ضرورت پرستش آن‌ها، روی آوردن به مراسم احترام و تکریم آن‌ها، از نمونه‌های بارز این تنوع‌بخشی است، همان‌طور که روی آوردن به انواع موسیقی‌ها، صوت‌های غنایی و بازی‌های سرگرم‌کننده و بیهوده در همین راستا قرار دارد.

قوه خیال، سعی می‌کند انسانِ افسرده شده یا در معرضِ افسردگی را به سمت مناسبت‌های پوچ یا اشتغال‌های بیهوده سوق دهد.

همه این تکاپوها، ابتدایی جذاب و امتدادی مخرب و فسادآور به همراه دارند و آدمی را از مسیر اصلی کمال به شدت و به سرعت دور می‌کنند.

هدایتِ خود را به خیال سپردن، همان بت‌پرستی است که لباسی مدرن و به ظاهر عاقلانه بر تن کرده است.

قوه خیال، انسان را از دنیایی به دنیای خیالی دیگر سوق می‌دهد. در آن دنیا زندگی به گونه‌ای دیگر تعریف می‌شود. به دلیل تغییر فضا، لذت‌ها نیز تجدید می‌شوند. در این صورت دنیای واقعیت، به دنیای خیال، تزیین و تعویض شده و رفته رفته همه چیز خیالی می‌گردد.

ابراهیمی لازم است تا قیام کند و این بت‌های خیالی را بشکند!



اندر باب هدایت

خداوند از عطای روز و شب به انسان، حکمت‌های بی‌شماری را برای او در نظر داشته است. یکی از آن حکمت‌ها، فهم کلمات و نور است و درک چرایی جعل ظلمات.

می‌شود که زندگی انسان پیوسته در شب می‌گذشت و یا همیشه برایش روز بود و هیچ‌گاه رنگ شب را نمی‌دید.^۳

شب می‌آید و روز می‌رود و روز می‌آید و شب می‌رود. این دو، آیه‌ای در پس آیه دیگر هستند که بودن آن دو، با هم ممکن نیست.^۴

اولین آیه‌ای که می‌تواند روزمرگی را بشکند، آیه شب و آیه روز است.

همراه بودن شب و روز با انسان منجر می‌شود ذکر ضرورت خروج از ظلمات به نور دائماً در زندگی انسان جاری شود.

بودن در شب، نه تنها بد نیست بلکه لازمه درک و دستیابی به روز است.

سیر و به تبع صیوریت انسان، در گرو سیر از شب به روز و حرکت از ظلمات به نور است.

این آیه، اولین آیه‌ای است که نظر حضرت ابراهیم علیه السلام را به خود جلب کرد.^۵

نیاز به نور و سیر و حرکت از ظلمات به نور، مهم‌ترین نیازی است که انسان را به خیر و صلاح راهنمایی کرده و او را به خوبی و خوشی هدایت می‌کند.

ماندن در ظلمات، ماندن در تاریکی و رکود در زندگی همراه با انزوا و ایستایی است.

ظلمات و نور را اگر کسی نفهمد، باب بسیاری از حقایق را به روی خود بسته است.

اگر ظلمات نبود، نور و شکافندگی ظلمات آن برای انسان معلوم نمی‌شد.

نشانه نفهمیدن این مفهوم روزمره شدن زندگی، توجه نداشتن به حقیقت ثابت، دل دادن به علقه‌ها و تعلقات زودگذر و متغیر است و این حکایت همه زندگی انسان است، زیرا او پیوسته باید از ظلمات توسط پروردگار به نور خارج شود.^۶ از مرحله جنینی به سمت تولد، و سپس سیر رشد و حرکت از کودکی به نوجوانی و

اگر سیر رشد و بلوغ طی نشود، در یکی از مراحل، فرد گرفتار بلا و ابتلا می‌شود.

۳. سوره مبارکه قصص آیات ۷۱ و ۷۲

۴. سوره مبارکه اسراء آیه ۱۲

۵. سوره مبارکه انعام آیات ۷۶ تا ۷۹

۶. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱



طی شدن هر دوره‌ای با بهجت و انبساط همراه است، نه با قبض و دل‌گرفتگی.

سرّ زندگی موفق، موفق زندگی کردن در لحظه‌هاست. زیرا در اثر موفق زندگی کردن در لحظه‌ها، سیر رشد و تکامل به خودی خود، طی می‌شود و فرد به تولدی جدید راه می‌یابد.



اندر باب فطرت

فطرت همان وجهی از انسان است که فاطر را بدون هیچ واسطه‌ای درک می‌کند.

فطرت، یعنی نور ستاره، که جلوه‌ای از نور هدایت‌گر خداوند فاطر است.

این نور در درون فرد ظاهر می‌شود. و حقایق همانند ستاره‌ای، جهت‌یاب زندگی فرد شده و این حقایق از درون فرد قابل رویت می‌گردد.

فطرت، یعنی نور ماه که جلوه‌ای از ظلمت‌شکنی خداوند فاطر است.

این نور در درون فرد آشکار شده، بت‌ها را نمایان کرده و بت‌شکنی آغاز می‌گردد.

فطرت، یعنی نور خورشید که جلوه‌ای از به روز رساندن است.

این نور در درون فرد به جریان افتاده و وجه خدا در هر امری برای او عیان می‌گردد.

فطرت، خودی است که از فیض وجود بهره‌مند شده و ویژگی‌های آن وجود یگانه را از خود منعکس می‌کند.

دست‌یابی به آن خود، در مواجهه با آسمان و زمین و درک ظلمات و نور برای انسان حاصل می‌گردد و بدین ترتیب است که:

آسمان، زمین، کوکب، قمر، شمس، لوازم رویت فطرت می‌شوند.

فاطر، وجهی از خداوند یکتاست که در انسان جلوه کرده و انسان را با وجه فطرتش در جایگاه نور و نورانیت قرار می‌دهد و این‌گونه است که خداوند با اخراج مردم از ظلمات به نور آن‌ها را نماینده خود در هستی معرفی می‌کند.

بدین ترتیب هرکس باید این سیر را بپیماید تا نور خدا در او جلوه‌گر شود و این‌گونه است که انسان به مُلک می‌رسد و علم باطن رخدادها را متوجه می‌شود.^۷

این مسیر، همان مسیری است که ابراهیم علیه السلام برای انسان‌ها گشود و با عقل و اندیشه خود، فطرت خویش را کشف کرد و به نوری محو‌نشدنی تبدیل گردید، به گونه‌ای که هرکس می‌خواهد فطرت را بفهمد باید چگونگی ابراهیم بودن را درک کند.

خو گرفتن با سکون از طریق تقویت تخیل انجام می‌شود و باعث دور ماندن انسان از فطرت شده و به تدریج نور فطرت در او کم فروغ می‌گردد.

۷. سوره مبارکه یوسف، آیه ۱۱۰ و ۱۱۱



این خو گرفتن تا جایی پیش می‌رود که انسان را به مظاهر حیات دنیا دل‌بسته کرده و باعث عُلقه به آن‌ها می‌شود. در نتیجه تمام زندگی خود را در جهت حیات دنیا قرار می‌دهد.

چنین فردی می‌تواند ساعت‌ها و روزها بدون دغدغه آخرت سپری کند و هیچ میلی به دگرگونی برای داشتن صفات کریم، داشتن اعمال شایسته و تدارک زاد و توشه برای زندگی پایدار پس از مرگ، نداشته باشد.

چنین فردی می‌تواند برای به دست آوردن ضروریات زندگی مادی کوشا، ولی نسبت به فراهم کردن شرایط خوب زیستن پس از مرگ بی‌خیال باشد.

دوست داشتن آنچه غروب کردنی است، به همه امور و شئون فرد سایه می‌افکند و رفته‌رفته از راه‌های رسیدن به خدا سر باز می‌زند.^۸

انسان بنا به فطرتی که دارد، جوهره خود را جوهره‌ای عالی می‌داند. این جوهره پاک، باید با استمرار بر ذکر خدا و اقامه نماز، عرصه‌های زندگی را به شیطان واگذار نکند.^۹

این جوهره پاک باید با یاد قیامت روز به روز زنده‌تر شود و بر اوضاع خود آگاهی داشته باشد.

انسان تنها در صورتی می‌تواند از پاکی فطرت لطمه نخورد که:

۱. غیب را از ناحیه انبیاء و وحی‌ای مطمئن دریافت کند.^{۱۰}
۲. برتری و بزرگی یک زندگی را به مال و اولاد و ظواهر آن نداند.^{۱۱}
۳. به وعده الهی اعتنا کرده و از وعیدهای الهی نگران باشد.^{۱۲}
۴. تقوا را نصب‌العین خود کند و از هرگونه اعمال مجرمانه بپرهیزد.^{۱۳}
۵. هر روز و هر ساعت هدایت را طلب کرده، خود را به آن نیازمند بداند و برای دستیابی به آن از اعمال صالح دریغ نکند.^{۱۴}

۸. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳

۹. سوره مبارکه مریم آیات ۶۵ تا ۷۵

۱۰. سوره مبارکه مریم آیه ۷۸

۱۱. سوره مبارکه مریم آیه ۷۷

۱۲. سوره مبارکه مریم آیات ۷۹، ۸۰، ۸۴ و ۸۶

۱۳. سوره مبارکه مریم آیات ۸۵ و ۸۶

۱۴. سوره مبارکه مریم آیه ۷۸



اندر باب کتاب

خداوند کتاب را نازل کرد تا به وسیله نور آیات آن مردم را از ظلمت‌ها به نور اخراج کند. کتاب، آن هم کتاب نازل شده از جانب اله و ربّ واحد، بیان کننده چگونه بودن در بین پدیده‌ها و لابه‌لای حوادث است. بدون کتاب نمی‌توان به فراست و اراده خداوند به عنوان علت آفرینش هر چیز آگاه شد. به واسطه حضور و نزول کتاب است که انسان از اختلال‌هایی که در هستی و زندگی او ایجاد شده، خبردار می‌شود. در غیر این صورت همه چیز برای او عادی تلقی شده و نمی‌تواند از ظلمت‌ها خارج شود. کتاب، وضعیتی را برای انسان ترسیم می‌کند که انسان را از سجن دنیا خارج ساخته و به او نشان می‌دهد شکل یک زندگی در مدارحق به چه صورت است. اگر کتاب نبود، انسان در شرایطی قرار می‌گرفت و به آن‌ها، آن‌چنان خو می‌کرد که به هیچ‌وجه خارج شدنی برایش متصور نبود. کتاب، از جانب خدا، محیط بر زندگی و دارای ادبیاتی قابل فهم نازل شده است. کتاب می‌تواند با بلاغت و شیوایی خود، تصورات و تصدیقات برگرفته از محیط را که برای انسان بدیهی شده، درهم شکسته و حقایق به ظاهر دور از دسترس را برای او نزدیک کند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های هستی، پدیده‌ها و مخلوقات آن است، مانند آسمان، زمین، خورشید، ماه و باید بتوان این سطرهای نوشته شده را خواند و از آن‌ها آموخت. این کتاب اگر خوانده شود، می‌فهمیم که هیچ چیز در عالم، عبث و بیهوده خلق نشده و هر مخلوقی شعور دارد. لذا برای عبادت پروردگار قیام کرده، او را حمد، تسبیح و سجده می‌کنیم. نوع مردم نمی‌دانند که حوادث و اتفاقاتی که در عالم هستی واقع می‌شود، از شب و روز شدن‌ها گرفته تا زلزله‌ها و خشکسالی‌ها و سیل‌ها، همگی سطرهای کتابی خواندنی است که باید از آن درس‌های مهمی گرفت. اگر انسان قدرت خواندن این سطرها را داشته باشد، می‌تواند به وظایف خود در زندگی بیشتر آگاه شود. اگر نتواند آن سطرها را بخواند به شکست‌های پی در پی و نرسیدن به مقصدهای پشت سر هم گرفتار می‌شود. نوع مردم نمی‌دانند رخدادهای زندگی خود نیز سطرهای کتابی خواندنی است و خود آن‌ها مسبب وقوع آن رخدادها هستند.



نوع مردم می‌توانند برای خود مقدراتی خوش رقم زنند و اذن یافته‌اند که با اعمال خود روزگار خود را سیاه و تیره کنند. ناتوانی در خواندن چنین کتابی سبب می‌شود تا از قوانین حاکم بر رخدادها غافل و بی‌خبر باشند و نتوانند در زندگی خود مدیریت صحیحی اعمال نمایند.

نوع مردم نمی‌دانند نَفَس نیز کتابی دارد که به آن کتاب اعمال گویند و خداوند طبق آن کتاب، جزای فرد را روز قیامت معلوم کرده به او جایگاه می‌دهد.

و اگر خداوند امر به ذکر در کتاب کرده (و اذکر فی الكتاب) یعنی باید آن حقیقت را با سایر حقایق کتاب مورد توجه و عنایت قرار داد.

آن کس که برایش اوامر و نواهی خداوند اهمیت دارد، باید از این یاد غافل نبوده و آن را در صحیفه جان ثبت کند.



اندر باب رسول

خداوند کتاب را نازل کرد تا به انسان‌ها توان خواندن کتاب‌های متعدد را عنایت کند.

خداوند، کتاب را با رسول نازل کرد تا رسول چشم‌بینا و زبان‌گویا برای مردم باشد و حقایق کتاب را برای آن‌ها بخواند و خواندن کتاب را به آن‌ها آموزش دهد.^{۱۵} خداوند رسول را از جنس خود مردم قرار داد، تا با او حس انس و نزدیک بودن داشته باشند.^{۱۶}

رسول پدری است که برای سرپرستی مردم و خروج آن‌ها از نادانی‌ها و ناتوانی‌ها به عنوان ولی قرار داده است.

بخش مهم آموزش رسول به مردم، آموزش‌های غیر مستقیم او در داشتن سبک زندگی توحیدی است.

همراهی با رسول در این سبک زندگی، به طور طبیعی فرد را برای درک مفاهیم کتاب و خواندن آن آماده می‌سازد.

کتاب بی رسول مانند طفل بی پدر است. همراهی کتاب با رسول به معنای همراهی با رسول در نوع زندگی اوست.

رسول، صدای عدالت در جامعه است و به شدت با ظلم در ستیز می‌باشد.

رسول هیچ‌گاه زیر بار طاغوت‌های دوران خود نرفته است.

رسول، حامل پیام‌های رهایی‌بخش از ظلم است.

رسول، سفیر خداوند برای دست‌گیری مردم و هدایت آن‌ها است.

هرکس کتاب وحی را می‌خواند، باید همراه بودن با رسول را نیز بداند.

رسول، همان کسی است که همه آنچه خداوند می‌گوید را فهمیده است.

رسول، همان مصداق اصلی همه آیات و سوره‌هایی است که معرفی‌کننده مومن حقیقی می‌باشد.

کتابی که با همراهی رسول خوانده شود، خواندن همه کتاب‌های موجود در هستی را به فرد می‌آموزد.

درک همراهی رسول با کتاب به معنای فهم مصداق‌های عینی آیات و سوره‌های قرآن است.

در این صورت خواننده قرآن، خود را در کنار آن مصداق عینی می‌بیند و سعی می‌کند خود را به او نزدیک کند و به این

صورت در مسیر خواندن همه کتاب‌های هستی قرار می‌گیرد.

۱۵. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴

۱۶. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴



فهم حقایق همراه با درک مصادیق عینی، موجب طلوع حقیقت در فرد می‌شود و با این طلوع می‌تواند سایر کتاب‌ها را نیز بخواند.

اولین اقدامی که هر انسان عاقلی پس از بلوغ باید انجام دهد، این است که در جستجوی خداوند باشد. چنین فردی در این جستجو به طور حتماً به رسولان خداوند برخورد می‌کند.

رسولانی که ادعای رسالت از جانب خداوند را دارند و انسان‌ها را به روز قیامتی که همه در آن‌جا جمع هستند انداز می‌دهند^{۱۷}

هر قدر انسان بیشتر بیچاره خداوند شود، بیشتر قدر رسولان را می‌داند و هرچه توجه کمتری نسبت به شناخت خداوند داشته باشد از رسولان دورتر می‌شود.

آنقدر باید عطش به خدا رسیدن در فرد زیاد شود، که اگر از وجود رسولی خارج از جغرافیای زندگی خبردار شود، خود را برای سفر به آن‌جا آماده کند و در جستجوی رسول بی‌تاب گردد.

انسان بی تفاوت نسبت به خدا، نمی‌تواند به تب و تاب رویت رسول خدا امید داشته باشد.

اگر حال آدمی به هوای قرب خداوند دگرگون نشود، نه رسول و نه کتاب خدا، نمی‌تواند هدایتی را برای او به ارمغان آورده و امیدی برای رهایی از بند قیدها و تعلقات نفس نیست.

رسولان مهم‌ترین سخنی که می‌دانند این است که آیا در وجود خدایی که از عدم، آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، شکی هست؟! هاست!

این سخن منشأ همه علوم است که خداوند به آن‌ها عنایت کرده است.

آن‌ها با خدا انس دارند، همانند نوزادی که به مادر خود انس می‌ورزد. آن‌ها خدا را خوب شناخته‌اند و نمی‌توانند به غیر او توکل کنند.^{۱۸}

آن‌ها جز خدا به هیچ چیز دیگر اعتماد ندارند و تنها او را به عنوان مبدأ همه تحولات و ... می‌دانند.

هنر رسولان، در اتصال آن‌ها به خداوند، فهم آن‌ها از توحید و خلوص آن‌ها از هر گونه شرک و کفر است.

قدرت انبیا به قدرت معجزه آن‌ها نیست، بلکه به قدرت فهم آن‌ها از توحید است و آن‌ها در این توان منحصر به فردند و همتایی ندارند.

دست‌یابی به رسولان برای دست‌یابی به چنین علمی باید در رأس جستجوی هر انسان عاقلی باشد.

۱۷. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۰

۱۸. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۱ و ۱۲



اندر باب نعمت

خواندن کتاب‌های هستی و کتاب وحی، نور علم و ایمان را در قلب انسان روشن می‌کند و توانایی ارتباط گرفتن با مخلوقات و درس گرفتن از آن‌ها را به او می‌دهد.

به واسطه این توان است که امکانات و دارایی‌هایی که به انسان عنایت شده، ماندگار می‌شود و به آن نور تبدیل می‌گردد و از این‌رو برای انسان تبدیل به نعمت می‌شود.

نعمت‌ها براساس این توان تکثیر می‌شوند و دید انسان را به زندگی تغییر داده و هریک صحیفه‌ای از خاطره خوب را از خود به جا می‌گذارند.

بدون این توان؛ مخلوقات، نعمت‌ها، توان‌ها، دارایی‌ها، امکانات، شرایط، رخدادها، واقعه‌ها و حوادث می‌آیند و می‌روند و برای فرد باقی نمی‌مانند و تنها اثرات ناخوشایندشان ماندگار است.

توان خواندن کتاب، توان تبدیل مواجهه‌های انسان به نعمت است. توانی پایدار که صحنه‌های زندگی را ماندگار کرده و به واسطه هر مواجهه قلب را نورانی می‌کند.

اگر کسی به هر دلیلی نتواند اهمیت خواندن کتاب برای انسان را درک کند و درصدد شکوفایی آن برنیاید، زندگی‌اش به لهُو و لعب کشیده شده و از مدار حق و هدایت خارج می‌شود. چنین کسی نعمت‌ها را به کفر تبدیل خواهد کرد.^{۱۹}

انبیاء، به عنوان معلم همه انسان‌ها، در تب‌وتاب شکوفایی این توان، از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده و صبر و شکر را به عنوان راه شکوفایی این توان به انسان‌ها معرفی کرده‌اند.^{۲۰}

منطق صبر، منطق استمرار در مسیر حق تا رسیدن به نتیجه است و بدون آن کسی نمی‌تواند به مقاصد از پیش تعیین شده برسد.

در این منطق، افراد در تزامم‌ها و تضادها نمی‌شکنند و بهره گرفتن از هر امکان را بدون خستگی دنبال می‌کنند.

منطق شکر، منطق بهره‌مندی از هر امکان با استمداد از نیروی لایزال الهی است.

این مهم تنها با شناخت و عمل به احکام و داشتن هوشیاری نسبت به حقایق هستی به وجود می‌آید.

کسی که در مدار شکر قرار می‌گیرد، هر امکانی را با فایده و طبق مصلحت الهی می‌داند. از این رو چشم‌ها و گوش‌هایش آماده دریافت حقایق می‌شوند.

۱۹. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۸ و ۲۹

۲۰. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۵



چنین فردی می‌تواند امکان‌های خود را براساس حکم الهی ببیند و به نوعی آن‌ها را در پیوند با حقایق مشاهده کند.

این توان منجر به شکوفایی توان خواندن کتاب می‌شود.

صبر و شکر، دو نصرت‌دهنده انسان برای درک حقایق‌اند.

خداوند دنیا را محل تجمع نعمت‌های بی‌شمار خود قرار داده^{۲۱} و راه بقای آن‌ها را شکر گذاشته است.^{۲۲}

شکر نعمت، با یادآوری آن و بهره‌مندی بهینه از آن، مطابق خواست خداوند امکان‌پذیر است.^{۲۳}

کسانی که نسبت به دستاوردهای انبیاء بی‌اعتمادند و ایمان نمی‌آورند، نسبت به نعمت‌ها ناسپاس می‌گردند. لذا کفر به پیامبران موجب کفر نعمت‌ها می‌شود.^{۲۴}

کفر به نعمت‌ها، کفر به رسولان را نیز تشدید و تقویت می‌کند.^{۲۵}

بالاترین نعمتی که خداوند به انسان داده، نعمت حضور انبیاء در بین مردم است، زیرا در اثر وجود گران‌بهای ایشان، سایر نعمت‌های الهی نیز شناخته شده، امکان قدرشناسی از آن‌ها فراهم می‌شود.

خداوند نمونه‌ای از این نعمت‌ها را به واسطه وجود حضرت ابراهیم علیه السلام بیان کرده است.

بلد امن، نعمت است ولی نعمتی که به یمن ابراهیم علیه السلام، بلد امن شده است.

خانه خدا، نعمت است. زیرا محور همه بیت‌های الهی است.

نماز نعمت است و موجب شناخت سایر نعمت‌های الهی و قدردانی از آن‌هاست.

دلخوش بودن مردم، نعمت است زیرا حوصله زندگی کردن به آن‌ها داده است.

رزق‌هایی که از میوه‌های مختلف نصیب انسان می‌شود نعمت است و موجب حیات می‌گردد.

ذریه، نسل، فرزند و خانواده، هر یک به صورت مجزا نعمت‌اند که سبب جلب انواع رحمت الهی شده^{۲۶} و بقای انسان وابسته به آن‌هاست.

۲۱. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۶ و ۳۴

۲۲. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۷

۲۳. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۶

۲۴. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۹

۲۵. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۰

۲۶. سوره مبارکه ابراهیم آیات ۳۵ تا ۴۰



شهری که در آن بت‌پرستی نیست، نعمت است.

بلد، رزق، نسل، ذریه، نماز وقتی به خوبی قدرشناسی شود به گسترش دامنه زندگی تبدیل می‌شود و نعمت‌ها را به بقا می‌رساند.^{۲۷}

اگر این نعمت‌ها قدرشناسی نشده و به وسیله ظلم ضایع شوند، به هلاکت و فساد دچار خواهند شد.

بدین ترتیب انبیای الهی به عنوان اساس نعمت‌ها، معرف نعمت‌های پایداری هستند که سایر نعمت‌ها در ضمن آن‌ها به نعمت تبدیل شده و اگر نسبت به آن‌ها ناسپاسی رخ دهد، نعمت دیگری به زحمت ممکن است سپاسگزاری شود.

ایمان به رسول و دستاوردهای او و در مصداق جزیی ایمان به ابراهیم و دستاوردهای زندگی او، زمینه‌ساز نعمت‌های دیگر زندگی است.

تنها کسانی به نعمت‌های پایدار دست می‌یابند که از سیره انبیای الهی پیروی کرده، راه آن‌ها را بیمایند.

نشانه دستیابی به نعمت‌های پایدار، واکنش از روی خضوع و خشوع نسبت به آیات الهی است.^{۲۸}

۲۷. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴۴ و ۴۵

۲۸. سوره مبارکه مریم آیات ۵۲ تا ۶۲



اندر باب ایمان مومن

مشکل انسان، هشیار نبودن است که باید برای این فکر چاره‌ای کند، تا بتواند حضور خداوند را در همه‌جا حس نماید.

تقویت هوشیاری، به واسطه علم به خدا و صفات او ممکن می‌شود.

هرقدر این علم راسخ‌تر و عمیق‌تر باشد، هشیاری نیز بیشتر است.

قول حق در زندگی انسان، افراد مومن و کافر را از هم متمایز ساخته و از این رو نقش فرقان را به نمایش می‌گذارد.

قول حق، به اراده خداوند که از هر سببی آزاد است، اشاره دارد.

قول حق، به پاکی و دور بودن حق از آلودگی، پاکی از هر ظلم، پیوستگی با هر کمال و صفات‌های ممتاز حیات‌بخشی، دلالت دارد.

قول حق را می‌توان در هر برائتی از شرک دید.

به واسطه برائت از شرک، اراده خداوند در شکست بت‌ها نمایان می‌شود.

خداوند به واسطه چنین برائتی، کرامت‌های فراوانی را به انسان اعطا می‌کند.^{۲۹}

انسان در مسیر قربش به خداوند، لازم است به گزاره‌های یقینی استناد کند.

ارزیابی خود براساس حال، خطورات و مخاطرات اشتباه است.

گزاره‌های یقینی، گزاره‌های قطعی حقیقی هستند و در صورت اعتقاد به آن‌ها فارغ از حال خوب یا بد، انسان را به قرب می‌رسانند.

از این رو داشتن گزاره‌های یقینی و اعتقاد به آن‌ها، اساس قرب الهی است.

گزاره‌های یقینی را می‌شود از آیات، ادعیه و روایات به دست آورد.

ابراهیم علیه السلام مرد تواضع، خضوع و خشوع است. خود را در هر حال در محضر خدایی حاضر می‌داند که بدون واسطه اسباب در آن‌ها نظر می‌افکند.

ابراهیم علیه السلام با اسباب کار می‌کند اما کاملاً از روی وظیفه و تکلیف.



ابراهیم علیه السلام، مصدق کلمه طیبه‌ای است که اصل آن، در وجود گوهر بار او، در زمانی تجلی یافته و شاخه‌های آن در زمین و زمان و هستی، عالم را عطرآگین کرده است.

به واسطه این درخت با عظمت، میوه‌های متنوع علم و معنویت نصیب انسان شده است.^{۳۰}

هر انسانی می‌تواند برگ، ساقه و میوه این درخت با شکوه باشد، به شرط این که خود را تابع ابراهیم کند. زیرا با تابعیت از ابراهیم هرکس جزئی از وجود او خواهد شد.

انسان اگر به خود ظلم کند یا به دیگران تعدی نماید، از شاخه و برگ ابراهیم علیه السلام ساقط می‌شود. به همین دلیل خداوند کسی را که ظالم باشد به تبدیل کردن نعمت به کفر متهم می‌کند.

نعمت، با ابراهیم علیه السلام بودن و کفر، ساقط شدن از ابراهیم علیه السلام است.^{۳۱} این اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه فرد برای خدا، مانند قائل شده باشد.^{۳۲}

ابراهیم علیه السلام خود را معیار حق می‌داند، آن‌چنان که تبعیت از خود را، تبعیت از خداوند معرفی می‌کند.^{۳۳}

ابراهیم علیه السلام زبان دعا دارد، آن‌چنان که حرف‌های معمولی خود را نیز با دعا بیان می‌کند^{۳۴} و از خداوند تقبل در دعای خویش را درخواست کرده است.

ابراهیم علیه السلام که باشی حتی برای کسانی که گمراه هستند نیز، امید به غفران و رحمت داری.^{۳۵}

می‌توانی به صراحت بگویی آنکه از من تبعیت می‌کند از من است ولی نمی‌گویی هر کس نافرمانی کند پس در عذاب است.

بلکه می‌گویی ای خدا، تو که غفور رحیم هستی با آن‌ها طبق غفران و رحمت خود برخورد کن.

ابراهیم علیه السلام که باشی در هر حالتی به فکر اقامه نماز هستی. برای دستیابی خود و ذریه‌ات به چنین توفیقی، دغدغه داری.^{۳۶}

ابراهیم علیه السلام که باشی پیوسته برای خود، پدر، مادر و همه مومنان از خداوند درخواست غفران داری.^{۳۷}

۳۰. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۴ و ۲۵

۳۱. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۶ و ۲۷

۳۲. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۸

۳۳. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۶

۳۴. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۹

۳۵. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۶

۳۶. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۷ و ۴۰



ابراهیم علیه‌السلام رو آوردن مردم به دین را، با دین‌دار بودن ذریّه خود، شدنی می‌داند. نشانه این رو آوردن، رو کردن آن‌ها به ایشان است به شرط آن‌که این رو کردن با خوشی همراه باشد.

دین با دل‌خوشی گسترش می‌یابد، آن هم از ناحیه ذریّه ابراهیم!

دید او فرازمانی و فرامکانی است، ذریّه او در همه نقاط عالم پخش و مبنای توحید هستند. به عبارت دیگر هرکس که منادی توحید است، نسبتی با ابراهیم دارد و از او جدا نیست.



اندر باب منسک

توجه به مناسک حج و بلد امن مکه، به عنوان نماد حیات معنوی و نیز پایه همه حیات‌های نازل شده برای بشر، توجه به نعمت خاص و بی‌بدیل و شگفت‌انگیزی است که شکر خاص را به فرد عرضه کرده و امکانی ویژه برای احیای فطرت او فراهم می‌سازد.

درست کردن منسک، ساختار فکری انسان را دست‌خوش تغییر قرار می‌دهد و برخی از حقایق را برای او مهم می‌نماید، مانند:

- خداوند دارای شأن و قدری بیش از آن است که در تصور ما باشد.
- کسی نمی‌تواند حق عبادت خداوند را به‌جا آورد ولی می‌تواند چرایی آن را بفهمد.
- سزاوار است همیشه انسان خود را در محضر خدا بداند و امر و نهی‌های او را شناخته و خود را مخاطب آن امر و نهی‌ها بداند و لیبیک گوید.
- وقتی اعمالی به صورت جمعی انجام می‌شود، قدرت القای آن و اثر آن عمل بیشتر می‌شود.
- وقتی اعمالی نظام می‌گیرد قدرت اثرش بیشتر می‌شود.

ابراهیم علیه السلام شهری را آباد کرد و آن شهر را مسجد عالم قرار داد و چگونه سجده کردن را، با منسک آموزش داد.

او مکه را که اولین محل نمایان شدن خشکی در زمین است، به عنوان بلد امن برگزید.

حریم و حرمت دادن به آن را به فرزندان‌ش فرا داد و نماز را به عنوان بهترین عطای ماندگار به آن‌ها آموزش داد.



مسجد، بلد امن، نماز، از یک سو و منسک، عبادت و امنیت از سوی دیگر، مؤلفه‌هایی هستند که اگر کسی به آن‌ها اعتنا کند، می‌تواند کتاب هستی را بخواند؛ بت‌ها را تشخیص دهد و بت‌شکن گردد.

این مؤلفه‌ها با فراست و زیرکی انتخاب شده‌اند و با التزام به آن صبر و شکر در فرد فعال می‌شود و با فعال شدن این دو مؤلفه، چشم و گوش انسان برای دریافت حقایق باز شده و می‌تواند وحدانیت خداوند را وجدان کند.

این خواندن، خواندنی فطری است.

روشن شدن نور فطرت با صبر و شکر ممکن می‌شود و نماز، نماد فکر کردنی است که شکر و صبر را فعال می‌کند.

این منطق یعنی، منطق فطرت در خداخواهی و خداجویی در برخورد با نعمت‌ها خود را نشان می‌دهد و ایجاد نعمت‌های خاص برای تسریع در شکوفایی فطرت، هنر ابراهیم علیه السلام است.

بدین ترتیب در منطق فطرت، شکرگزاری و نعمت‌شناسی در شهری امن، بدون وجود بت و انواع بت‌پرستی نمایان می‌شود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به مدینه مهاجرت فرمود تا در ادامه مناسک ابراهیمی، منسکی از جنس زیارت را پایه‌گذاری کند.

منسک زیارت که از این به بعد به واسطه مسجدالنبی صلی الله علیه و آله اقامه می‌شود، دارای مؤلفه‌های زیر است:

۱. محدوده‌ای به نام حرم
۲. منطقه‌ای به نام مرکز و محور
۳. حرکت و سیری از خارج محدوده به مرکز و محور و از مرکز و محور به خارج حرم
۴. اقامه نماز، آن هم نمازی که نماز غیر مسافر است
۵. حرمت نهادن بین زائران حرم

در این منسک، انسان‌ها دوست داشتن و فدا شدن برای معبود و بی‌ادعا بودن و بی‌منیت بودن را آموخته و می‌توانند زندگی دوباره‌ای را تجربه کنند.

درک حضور حق، عظیم‌ترین رخدادی است که برای هر انسانی می‌تواند به وقوع پیوندد.

این رخداد که در اثر فرآیند عبودیت ایجاد می‌شود، در فرد از دریافت‌های اندک اندک ایجاد شده، احساس حضوری ناگهانی را پدیدار می‌کند.

مهم نیست این احساس در مکان‌های مقدس باشد یا در مکانی معمولی صورت گیرد، ولی مکان‌های مقدس می‌تواند این رخداد را تسریع کند.

مسجدالحرام یا همان بیت الله الحرام، با مرکزیت کعبه یکی از رسالت‌هایی که دارد تسریع در این رخداد یا ایجاد درک حضور است.



طواف کعبه، یکی از فوایدی که دارد ایجاد این درک حضور است. خواندن قرآن و نماز در مسجدالحرام همین فایده را دارد.

احساس درک حضور در فرد، قدرت تسلط بر خود و کنترل درونی را ایجاد می‌کند و فرد را به صفات زیبا آراسته می‌گرداند.

اگر اعمال حج از روی عادت انجام شود و به فلسفه وجودی آن‌ها توجهی نگردد، زحمت و سختی‌هایی دارد که به راحتی نمی‌توان بر آن فائق آمد.

این در حالی است که اگر فلسفه هر عملی برای فرد واضح باشد، سختی آن به لذتی فراوان تبدیل می‌شود.

هر یک از اعمال حج در صورتی می‌تواند زندگی انسان را تغییر دهد که فلسفه آن دانسته شود.

منسک، برای مقابله با استکبار و خروج ضعفاء از استضعاف طراحی شده و همه اعمال آن، ضد استکباری است.

استکبار و استضعاف دو رکن از ساختار و نظام کفر و شرک‌گستر هستند و مناسک حج برای فروپاشی این دو رکن مردم را به قیام فرا می‌خواند.

عبادت‌هایی که خداوند برای نوع انسان پیشنهاد کرده یا آن‌ها را امر فرموده است، برای درک حقایق و اتصال به غیب است.



اندر باب حج

کعبه به عنوان پدیده‌ای منحصر به فرد، منشأ خیرات و برکاتی بی‌بدیل است که توجه به آن، نعمت وجودش را برای نوع انسان افزون می‌کند.

کعبه:

- تعیین‌کننده جهت قبله است و همه آن‌چه به قبله وابسته است مانند نماز و ذبح مدیون وجود اوست.
- تمثلی برای چهار رکن تسبیح و حمد و تهلیل و تکبیر است که جریان توحید را در درون انسان عاقل متفکر تبیین می‌کند.
- اولین محل رونمایی شده در سطح زمین است که نوید زندگی را برای انسان دارد.
- جمع‌کننده مسلمانان به گرد خود است که عامل وحدت و همبستگی امت و مردم است.
- این چهارگوش، نماد سادگی ولی در عین حال پیچیدگی در عالم حیات است و نماد اتصال عالم ماده با عالم غیب.

طواف به دور خانه خدا نشان از آن دارد که فرد طواف‌کننده در اجرای حکم خدا مصمم است.

طواف به دور خانه خدا روزنه‌هایی که ممکن است فرد را در اجرای حکم سست کند، مسدود می‌نماید.

در هر دور از طواف باید برائت از کفر و شرک متناسب با احکام الهی صورت گیرد و به وجهی از ربوبیت پروردگار چنگ زده شود.

بدون طواف انسان دچار عارضه‌های زیر می‌شود:

۱. ابعاد مختلف حکم الهی را نمی‌تواند تشخیص دهد.



۲. رخنه‌های مختلف و نواقصی که در اجرای حکم الهی ممکن است وجود داشته باشد را نمی‌شناسد.
۳. در هنگام اجرای حکم‌های الهی نمی‌تواند تا حصول نتیجه پیش برود.
۴. انجام احکام الهی منجر به رضایت او نمی‌شود.

حضور میلیون‌ها انسان از سراسر عالم از برکات خاص حج است، منفعتی بی‌بدیل که از نظر ابعاد مختلف قابل توجه است:

اول/ جمعیت و ازدحام و زیاد بودن انسان‌ها در حج به طور خاص روحیه انسان را به داشتن افق و چشم‌اندازهایی وسیع سوق می‌دهد.
دوم/ مردم را به داشتن نیرویی بالقوه در عالم متوجه می‌سازد، نیرویی که اگر درست بسیج شود می‌تواند سازندگی‌های فراوانی داشته باشد.

سوم/ روحیه فردیت را از بین می‌برد.

چهارم/ تشابه‌هایی که در انسان‌ها وجود دارد نمایان می‌شود.

پنجم/ با اجتماع در مکانی خاص، معنویت‌های مردم مومن، تجمع شده سپس افزایش یافته و بعد از آن با قدرتی بیشتر، در سراسر عالم پراکنده می‌شود.



اندر باب مکه

عالم هستی، عالمی مرتبه‌دار با آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌هایی در هفت مرتبه است که امکان دارد انسان از برخی مراتب آگاهی یابد و از برخی، تنها بهره‌مند شود.

محروم در این عالم کسی است که به زمین دنیا بیاید و تنها از آسمان آن بهره‌برد و از سایر زمین‌ها و آسمان‌ها بی‌بهره باشد.

به نظر می‌رسد زمین مکه و آسمان آن غیر از زمین و آسمان دنیاست و اگر کسی بخواهد با زمینی غیر از زمین دنیا و آسمانی غیر آسمان دنیا آشنا شود، باید با آن انس بگیرد و آن را حس کند.

به همین دلیل است که ورود و خروج در این سرزمین با بقیه زمین‌ها کاملاً متمایز است.

درک آسمان و زمین مکه باید فرد را به آسمان‌ها و زمین‌های دیگر شائق کند و البته ممکن است این شوق به وسیله عامل دیگری غیر از وقوف در این سرزمین برای فرد حاصل شود.

بَلَدِ آمِن، بَلَدِ قَرَب است که عَزِيزِ حَمِيْد در آن سیطره دارد و جلوه‌های عزت همراه با مجد و شکوه در آن نمایان است.

با قرب پروردگار امنیت حاصل می‌شود و حضرت ابراهیم علیه السلام از این حقیقت پرده برداشته است.



بهترین مصداق در خارج کردن از ظلمات به نور، نمایان کردن امنیت است.^{۳۸}

در امن بودن همانند در نور بودن به خوبی حس می‌شود و فرد تمایز آن را با «در امن نبودن» و «در نور نبودن» متوجه می‌شود.

آنچه امنیت زندگی و جامعه را به خطر می‌اندازد، از جنس نادانی و ناتوانی است.

نادانی و ناتوانی که می‌توان از آن به ظلم یاد کرد، فقدان نور است و در دنیا طلبی جلوه می‌کند.

دنیاطلبی به معنای میل و گرایش به زندگی دنیا و غفلت از حیات دائمی آخرت است.

اگر به آنچه باقی است اعتنا نگردد و مبنای انتخاب‌ها و گزینش‌ها حضرت حق و حکم‌های او نباشد، انسان دچار دنیاطلبی می‌شود.^{۳۹}

در چنین وضعیتی به طور قطع امنیت فرد به خطر می‌افتد.

انسان دنیا طلب در اثر انجام کارهایش یا ترک آن‌ها خود را به هلاکت نزدیک می‌کند. لذا به تدریج از هدایت فاصله گرفته به «ضلال بعید» می‌رسد.

همه رسولان آمده‌اند تا انسان را از این وضعیت گمراهی خارج کنند؛^{۴۰} و کعبه به عنوان نمادی از نظام‌دهی مومنانه، جریان‌دهنده حیات در جامعه است.

مفهوم بیت با مسجدالحرام که بیت‌الله است، معلوم می‌شود جایی که ورود و خروج در آن آداب دارد.

به واسطه رعایت آن آداب، حرمت آن حفظ و عظمت آن دانسته می‌شود.

بیت‌الله، همان بیوت مومنان است که در آن حرمت هرکس بر مدار حق معلوم می‌شود و هرکس بر مدار حق در جهت اقامه عدل و احسان در تکاپو و سعی است.

خداوند برای هر بیتهایی چنین تقدسی قائل است و نزد خداوند همه بیوت باید محل ذکر خدا باشد، که اگر چنین نباشد، بیت عنکبوت است یعنی بیتهایی آکنده از ناجوانمردی و بداخلاقی.

برای ورود به مسجدالحرام باید، حول محور حق طواف کنی، نماز گذاری و پس از سعی فراوان، تقصیر خود را در کم‌کاری اعلام نمایی.

۳۸. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱ و ۳۷

۳۹. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳

۴۰. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴



اندر باب نماز

نمی‌توان نماز را بدون طواف و طواف را بدون نماز دید، چون این دو از یک خانواده و برای یک مقصد و با یک کارکرد هستند.

- هر دو حرکت را به انسان‌ها می‌آموزند، حرکتی که به سوی عرش است.
- هر دو دور شدن از کفر را سبب می‌شوند.
- هر دو ضد شرک‌اند و برائت را به خوبی ابراز می‌کنند.
- هر دو یاد خدا را در درون زنده می‌کنند و فدای مقاصد حق شدن را در دل زنده می‌کنند.
- هر دو نور چشم رسولان‌اند و زیور بندگان خاص الهی.

نماز آن عملی است که به سهولت آموزش داده شده و افراد را فوج فوج در دین خدا قرار می‌دهد.

نماز جامع ارکان یک منسک است و می‌تواند منسک را به همه زمین‌ها انتقال دهد.

نماز هر زمینی را مسجد کرده، شعبه‌ای از آن بلد امن قرار دهد.

ابراهیم علیه السلام دانست برای اتصال به خدا، دوام و گسترش آن در بین اعمال، هیچ عملی بهتر از نماز نیست.

نماز، اتصال دهنده فرد، جمع و امت به خداست.

او نام خود را به عنوان اولین منادی حیّ علی خیرالعمل در عالم ثبت کرد و خداوند این موضوع را در موقعیت‌های

مختلفی در قرآن بیان می‌دارد.



هرکس نماز می‌گذارد، می‌تواند سمت و سوی آن را نیز به سمت مکه که شهر امن است قرار دهد تا به یمن امنیت آن، آنجا نیز از ظلم پاک و امن شود.

از این به بعد هرکس نماز می‌خواند با نماز در ملت ابراهیم علیه السلام قرار گرفته، شأن ابراهیمی یافته و لباس عبودیت ابراهیم علیه السلام را بر تن می‌کند.

کسی که نماز می‌خواند باید اظهار کند که:

- لباس ابراهیم را بر تن کرده است.
- شعار دین حداکثری را بر زبان دارد.
- برای هدایت همه‌ی مردم در تلاش است.
- معنویت را به سهولت به دست می‌آورد.
- اتصال با خدا در هر حال برایش اصل است.
- اعمال دیگرش توسط نماز ارزش و اعتبار پیدا می‌کند.
- اهل منسک ابراهیمی می‌شود.
- قدرت تألیف و اتحاد با همه‌ی نمازگزاران را باهم جیتی پیدا می‌کند.
- دوستان را به هم نزدیک و در دل دشمنان رعب ایجاد می‌کند.
- هستی را از دریچه نماز به روی خود می‌گشاید.

براساس این فکر و ایده، اساس تربیت و اصلاح در زندگی انسان، اصلاح و تربیتی است که در بستر نماز برای فرد حاصل می‌شود.

پس کسی که به هر دلیل نمازگزار نیست، در معرض ظلم و گمراهی قرار گرفته یا قرار خواهد گرفت.

ضایع‌کنندگان نماز، ضایع‌کننده زندگی خویش و زندگی دیگرانند که با دور شدن از ذکر خدا، خود را محل جولان شیاطین و طاغوت‌ها می‌کنند.

ضایع‌کننده نماز، کسی است که با ترک نماز یا اهمال در آن یا در بی‌کیفیت خواندن آن مسیر ارتقای توحید را طی نکرده و هر روز درباره خدا اندیشه‌هایی منفی و باورهای نادرست در ذهن می‌پروراند.

اولین مرتبه ضایع کردن نماز، بی‌اهمیت جلوه دادن آن و برای آن تاثیر قائل نبودن است. این مرتبه که با سستی و تنبلی قرین می‌باشد، قابل جلوگیری بوده و فرد می‌تواند به سرعت از آن رها شود و خود را از گروه ضایع‌کنندگان نجات دهد.

دومین مرتبه ضایع کردن نماز، هم‌دلی و همراهی با ضایع‌کننده مرتبه قبل است. در این صورت فرد بستر مناسبی را برای گسترش بی‌نمازی مهیا ساخته و موجب راه افتادن جریان بی‌نمازی در جامعه می‌گردد.

سومین مرتبه ضایع کردن نماز، مسخره کردن و طعنه زدن به اهل نماز و اهل ایمان و آن‌ها را به امور غیر واقع متهم کردن است.



چهارمین مرتبه ضایع کردن نماز، سکوت همراه با حمایت نسبت به مسخره‌کنندگان نماز و طعنه‌زندگان به اهل نماز است. این گروه سبب جریان بخشی اضاعه نماز می‌شوند.

پنجمین مرتبه ضایع کردن نماز، مقابله با شدت و تهدید شدید اهل نماز حقیقی است. این گروه با شیوه‌های مختلفی به آسیب زدن به اهل نماز و برچیدن فرهنگ نماز اهتمام دارند.

ششمین مرتبه ضایع کردن نماز، مربوط به حمایت تهدیدکننده و مقابله‌کننده با اهل نماز است، زیرا این افراد زمینه‌ساز برای آسیب‌ها هستند و اگر حمایت آن‌ها نبود، کسی جرأت نمی‌کرد با اهل نماز مقابله کند.

فردی که از فعل قومی حمایت کند یا به آن راضی باشد، داخل در آن قوم است و اگر حمایت‌ها نبود جریان‌های انحرافی به سرعت حذف می‌شدند، زیرا این جریان‌ها خلاف فطرت پاک سیرت و پاکی خواه است.

نوعاً انسان‌ها در زمره حمایت‌کنندگان از ضایع‌کنندگان نماز قرار می‌گیرند و بدون آنکه خود به زشتی کار خود آگاه باشند، هر روز شاهد دور شدن خود از خداوند هستند.

برخی از انسان‌ها می‌دانند که در محضر خدا هستند و همین که با آیه‌ای از آیات الهی روبرو می‌شوند واکنش نشان داده و سجده می‌کنند.^{۴۱} برخی از انسان‌ها نسبت به این موضوع هشیار نیستند و در غفلتی عمومی قرار می‌گیرند.

ضایع کردن نماز، محصول بی‌احساس بودن نسبت به ذکر است. به تعبیر دیگر، ضایع کردن نماز به دلیل بی‌اعتنا بودن نسبت به ذکر و خاصیت نداشتن ذکر است.^{۴۲} در این صورت می‌توان گفت نماز به عنوان عَلم دین و نشان ذکر بوده و منظور از اقامه نماز، اقامه هشیاری در برابر پروردگار است.

۴۱. سوره مبارکه مریم آیه ۵۸

۴۲. سوره مبارکه مریم آیه ۵۹



اندر باب حرکت

یکی از آموزه‌های مهم قرآن، یادآوری مرحله‌های قبل از به وجود آمدن انسان است. همان‌طور که از آموزه‌های مهم دیگر قرآن یادآوری بعد از کوچ کردن از دنیا است. در این آموزه نکاتی باید به صورت جدی مورد توجه قرار بگیرد.

اول/ بفهمد زندگی او نقطه‌ای نیست، بلکه در امتدادی قرار دارد.

دوم/ بفهمد زندگی او دارای مراحل و مراتب است. بنابراین او همان‌طور که بخشی از راه را طی کرده، ادامه آن را نیز به همان صورت، طی خواهد کرد.

بنابراین خداوند هیچ‌گاه او را فراموش نمی‌کند، چنانچه قبلاً نیز فراموش نکرده است و آنچه بعد خواهد دید، قابل تصور و پیش‌بینی نیست، همان‌طور که، آنچه اکنون بدان رسیده قابل پیش‌بینی برای قبل نبوده است.

سوم/ بفهمد اگر مرگی در کار است، آن مرگ از بین رفتن نیست، بلکه شروعی برای مرتبه دیگر است.^{۴۳}

چهارم/ قدرت خداوند و ربوبیت او را دست کم نگیرد و نسبت به پروردگار خود و توان او اطمینان داشته باشد. لذا وقوع هیچ چیز را برای خداوند غیرممکن و حتی سخت نداند.^{۴۴}

انسان نباید ظهور علم و قدرت خدا را به جز برای هدایت خود و دیگران بخواهد.^{۴۵}

در این صورت، قدرت انسان به قدرت بی‌نهایت خداوند وصل شده و در عین حال از فقر و عبودیت خالی نیست.^{۴۶}

چنین انسانی در بالاترین افق عالم زندگی می‌کند، در عین حال فقیرترین است.

نه می‌تواند به قلدری و زورگویی کشیده شود و نه از اوج قدرت بی بهره باشد.

چنین انسان بزرگواری در همه مراحل زندگی خود در بارشی از رحمت و سلام خداوند است.^{۴۷}

دعا، مقدمه‌ای برای به حرکت افتادن انسان به سمت افق‌های بالاتر است.

لذا در بلند شدن و حرکت کردن منفعتی است که در نشستن و سکون نیست.

۴۳. سوره مبارکه مریم آیه ۷۶

۴۴. سوره مبارکه مریم آیه ۸ و ۹

۴۵. سوره مبارکه مریم آیه ۴ و ۵

۴۶. سوره مبارکه مریم آیه ۶۵

۴۷. سوره مبارکه مریم آیات ۱۳ تا ۱۵، ۳۱ تا ۳۳، ۴۷، ۵۰ تا ۶۲



اندر باب شیطان و ظلم

در قرآن "شطن" به انحراف در دیدن و شنیدن گفته شده و شیطان آن عامل ایجاد کننده توجه است که توجه انسان را از درون خود به بیرون معطوف می‌کند.

بنابراین می‌توان گفت شیطان ساختارش مجازی است، القائات درونی و نفسانی انسان‌ها و نفوس، موجب هویت یافتن او شده است.

شیطان گوش و چشم انسان را به سمت جایی که نباید توجه کند، متوجه کرده و از آن‌جا که باید بی‌توجه باشد قطع می‌کند.

شیطان دیگران را نزد فرد، متعهد به خوب بودن می‌کند ولی لزوم خوب بودن خود برای دیگران را کم‌رنگ یا بی‌رنگ می‌نماید.

شیطان وظایف دیگران و تکالیف آن‌ها را نزد فرد پررنگ کرده و وظایف فرد نسبت به دیگران را کم‌رنگ یا بی‌رنگ می‌کند.

شیطان صفات کمالی که دیگران باید داشته باشند را بسیار پرجلوه کرده و صفاتی که فرد باید از کمال داشته باشد را برایش کم‌رنگ یا بی‌رنگ می‌کند.

شیطان کارهای خود برای دیگران را بزرگ و پرهزینه جلوه می‌دهد و کارهای آن‌ها برای خود را در حد وظیفه او یا کمتر از وظیفه می‌شمارد.

شیطان، وقتی به نفع فرد باشد، صفات کمال و خوبی و درستی را بسیار دوست داشتنی جلوه می‌دهد و اگر به ضرر فرد تمام شود آن‌ها را سخت و غیر قابل تحمل و بودنشان را ناممکن معرفی می‌کند.

شیطان دست‌یابی به صفات کمال، خوب بودن، خوب شدن و خوب ماندن را برای فرد دور و گاه ناممکن معرفی می‌کند. ولی برخورد با آن‌ها را از جانب دیگران، حق مسلم می‌خواند.

شیطان با جابه‌جا کردن دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها، دور را نزدیک و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.

شیطان از این طریق ظلم را در انسان موجه جلوه داده و او را به ظالم بودن تشویق می‌کند. هیچ کس دوست ندارد ظالم باشد ولی با این وصف، انسان‌ها را به راحتی ظالم می‌کند.

ظلم، اسمی است برای رفتارهای بدون منطق و بدون مبنایی که به طور حتم در جایی رخ می‌دهد که نباید رخ دهد.

ظلم، اسمی برای رفتارهایی است که به گونه‌ای رخ داده ولی نباید آن‌گونه رخ می‌داد یا نتایجی را نشانه رفته که نباید به آن‌ها سوق می‌یافت.



ظالم، کسی است که چنین اسمی را فعلیت بخشیده و چنین رفتارهایی را از خود بروز می‌دهد.

باطن ظلم، چیزی جز گمراهی نیست.^{۴۸}

ظالم که نباشی رفتارهایت منطقی داشته و به جا انجام می‌شود.

چنین فردی مقصودش واضح و خدایسندانه بوده و در آن هیچ ناسلامتی ندارد.

او، زورگو نبوده و تیره‌کننده روزگار دیگران نیز، نمی‌باشد.

پس فردی مهربان است و انسان‌ها را با خود همراه می‌کند.

او پُر عاطفه و پُر مداراست، پس پر خیر بوده و یادآورنده خیر مطلق، پُر ذکر و یادآورنده ذکر خداوند حکیم^{۴۹} است.

مصونیت از ظلم تنها با داشتن مبنای درست، برگرفته از کتاب خدا امکان‌پذیر است.

آن‌که بدون کتاب است، پیوسته در معرض ظلم است و کسی که در ظلم است نمی‌تواند بر مدار هدایت باشد.

کفر، که ردّ، منع و ترک حقایق است، هم ریشه ظلم بوده و به وسیله ظلم تشدید می‌شود.

جرم، میوه تلخ و آسیب‌زننده ظلم است که خود را با همه آسیب‌هایی که می‌زند بی‌گناه جلوه می‌دهد.

هر جرمی مظلوم‌نما است و خود را قابل‌ترحم می‌داند.

کفر، ظلم و جرم سه ضلع مثلث شوم زندگی بشر است که او را نسبت به نافرمانی خدای رحمان بی‌مبالا کرده و فرد را

به عنوان یکی از جنود شیطان قرار می‌دهد.^{۵۰}

چه سخت است برای ابراهیم‌ها مشاهده عصیان‌گری که در آن نابود شدن همیشگی و به انزوا رفتن اهل ایمان، دیده

می‌شود.

از این‌رو مشاهده هر نافرمان به منزله مشاهده عذاب سنگین در نظام بشری است.

کسی که از خداوند نافرمانی می‌کند به شیطان رو آورده و از او پیروی می‌کند.

نافرمانی در ذات خود دو جرم دارد؛ یکی اعراض از عبودیت خداوند که منجر به حرمت‌شکنی خدا در جامعه می‌شود و

دیگر اعتنا و توجه به شبه‌نظام‌های ضد خداوند که منجر به تقویت آن‌ها در جامعه می‌گردد.

۴۸. سوره مبارکه مریم آیه ۳۸

۴۹. سوره مبارکه مریم آیه ۱۳ و آیات ۳۱ تا ۳۳

۵۰. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴۵



به همین دلیل عصیان که در اثر انجام عمل بدون علم و بینة و رو آوردن به خواهش‌های نفسانی پدیدار می‌شود، عاقبت فرد و جامعه را تهدید می‌کند.

برخورد جدی و موثر با عصیان، وظیفه انبیاء و به تبع مومنان است تا جلوی تخریب‌های جدی آن گرفته شود.

از این برخوردهای جدی می‌توان به عنوان استغفار ابراهیمی یاد کرد.



اندر باب توحید و خروج از شرک

خدا اهل تقوا و اهل مغفرت است، هر خوبی به او نسبت داده می‌شود و از هر بدی پاک و منزّه است.

اگر کسی بخواهد خدا را بشناسد کافی است اهل توحید را ببیند.

هر کس خداپرست است، مهربان، لطیف، خوش‌خلق، صاحب کمال و جمال و عفت و تقواست.

انسان هر قدر به صفات کمال و جمال نزدیک‌تر شود، به انبیاء نزدیک‌تر شده و هر قدر از این صفات کناره‌گیری کند به مستکبران، طاغوت‌ها و ملحدین شبیه می‌شود.

مهم‌ترین موضوع زندگی هر انسانی، دور شدن از شرک است و بزرگ‌ترین ضربه‌ای که امکان دارد کسی در زندگی بخورد، گمراه شدن می‌باشد.

پیروی از اهل هدایت، فرد را از شرک دور کرده و پیروی نکردن از اهل هدایت، فرد را در معرض شرک قرار می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که هر انسان عاقلی باید در طول زندگی‌اش انجام دهد، شناخت انسان‌های هدایت یافته و پذیرش ولایت آنهاست.

در این صورت فرد به طور غیر مستقیم به برکت توان اهل هدایت، قابلیت خواندن کتاب وحی، کتاب هستی و کتاب اعمال را می‌یابد.



این شکل از بهره‌مندی، ساده‌ترین و بهترین شیوه برای هدایت و دور شدن از گمراهی است.

بدین ترتیب یکی از راه‌های دست‌یابی به محتوای کتاب، تبعیت از اهل هدایت است. انسان‌هایی چون زکریا، مریم، یحیی و ابراهیم علیه السلام حجت‌های خدا بر خلق هستند.

خداوند بهترین و نیک‌سیرت‌ترین انسان‌ها را به عنوان حجت برای انسان قراردادده است که نشان‌دهنده بالا بودن نصاب بندگی نزد اوست.

خداوند از کوچک‌ترین خباثت و آلودگی بیزار است، آن را نمی‌پذیرد و کسی که موحد است نباید برای خود و دیگران کمترین آلودگی را بپسندد.

پاکی و طهارت، همان گوهری است که خداوند خریدار آن است.

مردان و زنان الهی که در قرآن از آن‌ها یاد شده به عنوان مصادیق پاکی‌اند که باید بقیه انسان‌ها به پاکی آن‌ها اقتدا کنند.

اولین آلودگی که بی‌تردید فرد را از مدار قدسیت خارج می‌کند، شرک است.

مهم‌ترین طهارت، شناخت مصادیق شرک و برائت از همه مراتب آن است.

برای خارج شدن از این آلودگی، حضرت ابراهیم علیه السلام این‌گونه تعلیم می‌دهد^{۵۱}:

- انسان باید بداند از چه چیز اطاعت می‌کند و چه چیز را مبدأ حرف شنوی خود قرار داده است.
- انسان نمی‌تواند آنچه را که نمی‌شنود و نمی‌بیند را منبع رجوع خود برای امور و حرف شنوی‌اش قرار دهد.
- انسان نباید آنچه نمی‌تواند نیازی را در او برآورده کند، به عنوان برآورده‌کننده نیاز بپذیرد و به او رو کند.
- انسان باید نسبت به منبع حکم و امر خود علم داشته و حق را به عنوان تنها رحمت‌آفرین و بالاترین منبع پذیرفته باشد.
- انسان اگر نمی‌تواند خداوند رحمان را بشناسد، می‌تواند آنچه خلاف رحمت است را بشناسد و از آن‌ها اعراض کند.
- انسان باید بداند نافرمانی از خداوند رحمان به منزله پذیرش ولایت شیطان است و شیطان هر آن چیزی است که با رحمت الهی زاویه داشته باشد.
- انسان باید بداند آلودگی شرک، او را عصبی و تعصبی می‌کند و نمی‌تواند در برابر اهل حق تاب آورده و به طرد و شکنجه شدن آن‌ها رضایت می‌دهد.

۵۱. سوره مبارکه مریم آیات ۴۲ تا ۵۰



- انسان اگر در عبودیت خود دچار مشکل شود، در شناخت نیازها و برآورده شدن آنها نیز دچار مشکل می‌شود و خود را به سختی و تیره‌روزی می‌اندازد.
 - انسان با خروج از شرک، از آنان که غیر خدا را منبع زندگی خود قرار می‌دهند کناره گرفته، مسیر زندگی خود را از آنها به طور کامل جدا می‌کند.
 - نشانه خروج از شرک، روی آوردن به توحیدی است که سبب جمع‌گرایی‌های توحیدی می‌شود و به واسطه توحید انسان‌های موحد رحمت به همه عالم جاری می‌شود.
- لازم است انسان بت‌های پیرامون خود را شناخته و از آنها دوری کند و تسلیم محیط آلوده به بت‌پرستی نشود. در این صورت راه قرب خود را به شکل طبیعی یافته و طی کرده است.
- اعراض و دوری از صفات منتسب به بت‌ها و بت‌پرستی به طور طبیعی انسان را به صفات شایسته راهنمایی می‌کند.
- اعراض از رفتارهایی که شایسته بتان و بت‌پرستی است، از قبیل انواع زورگویی و رفتارهای قلدر مآبانه، افراد را مودب به آداب انسانی می‌کند و قدرت خوب بودن در انسان‌ها را شکل می‌دهد.
- هیچ راهی برای قرب الهی ساده‌تر و محکم‌تر از راه برائت از منکر، زور و جبار بودن نیست.
- پیمودن این راه برای هر مسلمانی واجب است و به عنایت حقایق زیر به آسانی طی می‌شود:
۱. هرکسی در خود و محیط پیرامون خود، زشتی‌ها و بدی‌هایی را که می‌شناسد احصا کرده و از آنها دوری کند.
 ۲. هرکس منشأ بدی‌هایی که در خود و یا دیگران می‌بیند را شناسایی کرده و به چگونگی ورود آن منشأ در زندگی آگاه شود و برای مسدود کردن آنها طرح و برنامه داشته باشد.
 ۳. برای اینکه خود و اطرافیان خود را از آلودگی‌ها پاک نگه دارد، برنامه داشته باشد و مقهور قدرت‌نمایی کاذب آنها نشود.
- در قرآن نماد پاک شدن و اثر پاکی به جا گذاشتن و آلودگی‌ها را به خود نگرفتن مریم سلام الله است و منشأ آلودگی‌ها را هدف گرفتن و نابود کردن حضرت ابراهیم علیه السلام.
- همچنین حضرت ابراهیم علیه السلام در قرآن نماد توحید فطری است. او نماد برائت از مشرک و شرک و نماد یقین و اهل یقین در قرآن است.
- ابراهیم علیه السلام از خداوند خواست خود و فرزندانش از عبودیت بتان در امان مانده و بلد را در امنیت قرار دهد.^{۵۲}

۵۲. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۵



حضرت ابراهیم علیه السلام علت برائت خود از بتان را گمراه کردن مردم اعلام می‌کند^{۵۳}، چرا که هدایت به دست خداوند یکتاست و هر گمراهی به دلیل بروز نوعی شرک است.

۵۳. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۶



اندر باب راهبری

راهبری جمع و گروهی، تنها می‌تواند بر عهده کسی باشد که مورد تأیید خداوند است.

مورد تأیید بودن این راهبری، به تعیین حدود در راهبری می‌انجامد.

بدین ترتیب در سامان‌دهی امور هر جمعی، خداوند به صورت خاص هدایت آن جمع را خود برعهده گرفته و نسبت به توان افراد، کسانی را واسط راهبری قرار می‌دهد.

خدا حاکم مطلق و مالک همه چیز است و هیچ‌گاه حاکمیت و مالکیت خود را به کسی تفویض نکرده و نمی‌کند.

واسطه، که در نقش شفیع است به عنوان نصرت‌دهنده و یاری‌کننده عمل کرده و نصرت، شفاعت و حمایت به عنوان عمل صالحی برای اوست.

شفاعت جمع یا نصرت و حمایت آن، باید به اذن خدا و حکم خداوند صورت گیرد که اگر این اذن و حکم به خوبی فهمیده شده باشد، فردی که در مقام شفاعت و نصرت است، موید به تأییدات الهی است.

بدین ترتیب خداوند مقدرات و تدبیرهای خود را از ناحیه چنین شفیع و حمایت‌کننده‌ای به آن جمع می‌رساند و آنچه برای آن جمع پیش می‌آید، تقدیر ربوبی است.

هرقدر راهبر جمع به این موضوع بیشتر واقف باشد، توان وساطت‌اش بیشتر شده و آنچه به قلب، زبان او و تک‌تک جمع جاری می‌شود، بهترین مقدرات خواهد بود.

تأیید خداوند نسبت به جمع، شامل امدادهای غیبی و پیشرفت‌های شگفت‌انگیز می‌شود.

با تأیید خداوند، جمع می‌تواند بسیاری از مراحل لازم برای رشد و شکوفایی خود را بسیار سریع‌تر از آنچه تصور شود طی کند. رهبر در این منطقی، رساننده حق است نه ایجاد کننده حق.

او به واسطه تجربه و علمش، رسانای رحمت الهی به دیگران است.

رهبر در این مکتب تنها اندازدهنده، هشداردهنده و هشیارساز است و هیچ شأن دیگری غیر از این ندارد.

رهبر، سامان‌دهنده جمع حول محور حکم خدا و عهدگیرنده بر اجرای درست آن عهد است.

در این شیوه رهبری، رهبر یادآورنده مقاصد، راه‌ها و حکم‌هاست و تحکم‌کننده و اجبارکننده نیست.^{۵۴}

۵۴. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۵۳



ساده‌ترین ولی کامل‌ترین شیوه رهبری را خداوند در ابراهیم علیه السلام تجلی داده است، رهبری که راهبر همه موحدین عالم شد. او بدون داشتن جماعتی خاص، به واسطه انذار، ابلاغ و ذکری از جانب خدا، سبب شکل‌گیری هسته‌ها، جمع‌ها و گروه‌های متعددی در عالم گردید.

مهم‌ترین خصوصیت ابراهیم علیه السلام که دل مردان و زنان نیک‌سیرت را برده بود عبارتند از:

- سلام بودن او
- بر بودن او
- باتقوا بودن
- زورگو و نافرمان نبودن او
- مهربان بودن او
- از همه مهم‌تر اقامه‌کنندگی نماز توسط او^{۵۵}
- و در یک کلمه جاری کننده رحمت خدا بودن او

از جمله انحرافات که در نظام انسانی وارد شده، در نظر نگرفتن الگویی جامع در مسیر زندگی و جایگزین شدن الگوهای غلط دنیا طلبانه می‌باشد.

۵۵. سوره مبارکه مریم آیات ۱۳، ۱۴ و ۳۱



اندر باب محبت و ودّ

ودّ، کلمه‌ای برای بیان اتصال انسان‌ها با یکدیگر به شکلی نسبتاً پایدار است. اتصالی از جنس اتصال قلب‌ها و درون‌ها. در این صورت مومن با مومن دیگر در پیوندی آسمانی قرار می‌گیرد و مواهبی که به هر یک می‌رسد، به دیگری هم عنایت می‌شود و این عنایت از بالاترین عنایت‌های پروردگار به نوع انسان است.

در این عنایت، مومن مرتبه بالا و مومن مرتبه پایین به اوج تقرّب پروردگار دست یافته، از توان‌های یکدیگر در تقرب بهره‌مند می‌گردند.

ودّ به زکریا، مریم، یحیی، عیسی، ابراهیم و... هر یک برای فرد، جاری‌کننده همان رحمتی است که به آن‌ها نازل شده است.

این‌گونه خصوصیات آن بزرگان بر کسانی که توفیق ودّ را یافته‌اند، انتقال یافته و شبکه‌ای از جریان رحمت در عالم شکل می‌گیرد.

با هر توفیقی برای هر یک از مومنان، رحمت در این شبکه تقویت می‌شود.

ایمان به خدا، رسول و ولیّ الهی، شرط بهره‌مندی از این شبکه و رحمت است و هر قدر خاص‌تر و قوی‌تر گردد، این بهره‌مندی بیشتر و پایدارتر می‌شود.

شبکه‌ای که به وسیله ودّ مومنان و برائت از شرک و مشرکان ایجاد می‌شود، شبکه‌ای است که انبیا و اولیای الهی حلقه‌های اتصال آن با هم هستند. این شبکه در هر عصر و زمانی از طریق ایشان به صورت منظم و یکپارچه حضور دارد و موجب اتصال مومنان از ابتدا تا انتهای عالم دنیا است.

در این شبکه حقایق به صورت وحی به گوش مومنان می‌رسد و مومنان برای دریافت این حقایق آماده شده‌اند و پیام‌های وحی را به شکل ساده و واضح می‌شنوند و در اختیار یکدیگر قرار می‌دهند.

به این حالت جمع بودن که افراد جمع نزد حاکم مقتدر حضور می‌یابند «وَدّ» گفته شده است. در «وفد» تأکید بر مجد و عظمت حاکم و حضور جمعی در برابر اوست

در «وفد»، باید پیام و کلام حاکم با صلابت و سرعت به گوش دیگران برسد.^{۵۶}

۵۶. سوره مبارکه مریم آیه ۸۵



عهدها و پیمان‌های مومنان با خدا موجب بقای آن‌ها در شبکه ودّ بوده و بدون آن امکان بهره‌مندی از موهبت‌های جاری در شبکه که شفاعت است وجود ندارد.^{۵۷}

شبکه ودّ مومنان، شبکه جاری شدن قرآن به زبان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است که در آن حقایق وحی به شکل ساده و رسا بشارت‌بخش متقین است.

در این شبکه همه مومنان از طریق اتصال به خداوند به یکدیگر وصل می‌شوند، از این‌رو هر مومنی برای مومن دیگر جلوه‌ای از صفات ربوبیت را می‌یابد.

هر کسی به نسبت نمایان کردن صفات ربوبی، انتقال دهنده حقایق است.

شدت اتصال مومن به خداوند، هم سمع و هم لسان او را تقویت می‌کند.

هر مومنی در این شبکه به طور کامل و جامع، وجودش احساس می‌شود و پیامش به دیگران انتقال می‌یابد.

قلب مومنان، ظرف‌های به هم متصلی است که به صورت شبکه‌ای به هم مرتبط می‌شوند و اعمال صالح هر یک برای دیگری نیز ثبت می‌شود.

هرقدر ایمان به خدا، رسول، کتاب و حقایق در بین مومنان تقویت شود، بین دریافت حقایق و اعمال صالح آنان ارتباط برقرار می‌شود.

در این صورت توفیقات هر یک برای دیگر مومنان نیز منظور می‌شود و منافع آن، هم از نظر درک حقایق، هم ثبت اعمال به هم می‌رسد.

حس‌های معنوی درونی آن‌ها که حاکی از اتصال به غیب است، به مناجات با خداوند تبدیل شده و در شکل‌های مختلف به افراد انتقال پیدا می‌کند.

وجود انسان‌هایی که از نورانیت مردان و زنان الهی بهره‌مند می‌شوند، به عنوان شاهدهی در وجود راهی میان‌بر برای قرب الی‌الله است. این راه میان‌بر را خداوند با ودّی که در قلوب مومنان نسبت به هم می‌یابند، آشکار کرده و منافع آن را در دنیا و به ویژه آخرت اظهار می‌کند.

۵۷. سوره مبارکه مریم آیه ۸۷



اندر باب برائت

بیگانگی و دوری و جدا شدن، ضدّ ودّ است و با کلمه برائت از آن یاد می‌شود.

اتصال و پیوند با افرادی که خدا را عبادت نمی‌کنند، نوعی ایجاد ودّ با آنهاست.

ودّ با مومنان موحدّ پارسا، باعث برائت از کافرانِ مشرکِ فاجر شده و ودّ با کافرانِ مشرکِ فاجر، باعث برائت از مومنان موحدّ پارسا می‌گردد و این‌گونه در جامعه شبکه ایمان و کفر در تقابلی جدی به آرایش و صف‌بندی می‌رسند.

در رأس جبهه کفر، بی‌اعتنایی به خداوند و به حساب نیاموردن اوست.

فرزند پنداشتن برای خدا، نمایان‌کننده بی‌اعتقادی به خداوند است.

در نتیجه، با چنین نمایان‌سازی، نزدیک است عالم به عذابی از ناحیه آسمان و زمین گرفتار شود.^{۵۸}

انسان باید مراقب باشد در اثر ودّ به این افراد متصل نشود.

نداشتن برائت از شرک و مشرک به طور طبیعی به اتصال با این افراد منجر می‌شود.

سران ایمان و کفر دیگران را در پیوندی محکم در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهند. به وسیله شبکه شدن افراد، این تقابل گریزناپذیر بوده و موجب تمایز این دو شبکه از هم می‌شود.

کلمه ودّ، کلمه شبکه کردن انسان‌ها و در نظام قرار دادن آنهاست به نحوی که در تقابل با نظام ضد خود قرار گرفته و با آن رویارویی جدی داشته باشند.

شبکه ودّ وقتی از جانب مشرکان شکل می‌گیرد به مودت اوئان ختم می‌شود و برائت از مومنان و اهل توحید را در پی دارد.

هرکس در این شبکه قرار می‌گیرد به طور طبیعی با سردمداران شرک متصل شده و در جرم آنها شریک می‌گردد.

خداوند رهبران شرک را به «قوم لُدّ» معرفی کرده است. لُدّ به معنای کسانی هستند که در خصومت، دشمنی، ضربه زدن و خشونت از هیچ چیزی فروگذار نیستند.

بدین ترتیب برائت از خدا، رسول و ودّ مشرکان، ایجادکننده شبکه «لُدّ» است.

۵۸. سوره مبارکه مریم آیه ۹۰



این شبکه آشفته عنکبوتی که تارهایی چون تار عنکبوت می‌بافد، شبکه‌ای موهومی است، کاملاً مجازی و به تدریج هر کس در آن شبکه وارد شود را بی‌عنوان و بی‌اسم و بی‌هویت می‌کند.

در این شبکه نه از حقایق و جاری شدن آن خبری هست، نه از گوشی که آن حقایق را بشنود و نه از زبانی که آن حقایق را بگوید و این‌گونه هر کس در آن باشد گویی نیست و از او خبری هم نیست.^{۵۹}

این شبکه براساس تحریک، تهییج، تبلیغ‌های صوری پر جلوه، حرکت‌های سریع و حیرت‌آور متعجب‌ساز، جان می‌گیرد و شیطان با ارائه جذابیت‌های کاذب افراد را در این شبکه نگه داشته و هر یک را به محرکی برای دیگری تبدیل می‌کند.

قرآن از این جان‌آفرینی کاذب به «آز» تعبیر کرده است.^{۶۰}

«آز» تحریک شدید برای گمراه کردن است که در آن از انواع شگردهای گمراه‌کننده و مسحورکننده استفاده می‌شود.

در این صورت گزاره‌های باطل به شکل گزاره‌های حق درآمده؛ ظالم، عادل‌ترین فرد و ترسو، شجاع‌ترین و بخیل، سخاوتمندترین و ... معرفی می‌شود.

در این شبکه افراد بی‌هویت شده و به پوچی می‌رسند و در نهایت بی‌اعتبار می‌گردند.

در این صورت هیچ چیز برای نجات این افراد سودمند نخواهد بود، زیرا هویت و اعتبار و اسمی برای آن‌ها باقی نمانده که بخواهند به آن تکیه کنند و بر آن نزد خداوند خود حاضر شوند.

۵۹. سوره مبارکه مریم آیه ۹۷ و ۹۸

۶۰. سوره مبارکه مریم آیه ۸۳



اندر باب عبودیت

بالاترین گزاره حقیقی یا یقینی نفی ربّ، اله، مالک غیر الله است که به شکل لاله الا انت یا لا اله الا هو یا لاله الا الله رب العالمین بیان می‌شود.

نفی مالکیت از غیر خدا، نفی ربوبیت از غیرخدا به معنای پذیرش ولایت حق و قرارگرفتن در ذیل فرمان‌های الهی است.

وقتی فرد به این گزاره توجه کند، برای رفتارهایی که انجام می‌دهد به دنبال دلیل ربّ پسند است.

شناخت گزاره‌های یقینی، توجه به آنها و عمل براساس آنها، تنها راه نجات انسان از محرومیت‌ها و عذاب و ناراحتی‌هاست.

انسان عبودیت می‌کند و پس از عبد شدن پاداش آن را در دریافت حقایق و رزق‌های معنوی و آسمانی می‌یابد.

انسان در بین همه‌ی مخلوقات از این بابت سرآمد شد که قدرت توسعه‌ی عبودیت را پیدا کرده است.

هیچ موجودی همانند انسان قادر نیست قلمرو عبودیت خود را افزایش دهد.

افزون شدن قدرت توسعه‌ی عبادت، علت کاسته شدن این قدرت نیز هست؛ وقتی انسان توان افزایش قدرت عبودیت را داشته باشد و از این توان استفاده نکند، به معنای اختلال در ساختار است و اختلال در ساختار به معنای کاهش توان قدرت عبودیت است و فرد را به پائین‌ترین سطح کارایی می‌کشاند.

افزون شدن قلمرو عبودیت، اعجازی است که انسان پدید آورده و به واسطه‌ی آن تمدن‌های الهی به وجود آمده است.

از آن‌جا که نوع انسان هنوز به این توان خود اطلاع و اشراف پیدا نکرده، در فضای اختلال روزبه‌روز به قهقرای پستی سقوط می‌کند.

عبودیت خداوند همان دعای خالصانه به محضر اوست؛ وقتی منظور از دعا، صرفاً دعای لفظی نباشد.

کسی که در عبودیت خالص نباشد، نمی‌تواند دعای خالصانه داشته باشد به همین دلیل به طور حتم به سمت شیطان که همان نافرمانی از خداوند است میل پیدا می‌کند.

عصیان یا نافرمانی از خدا، با همراهی و پذیرش ولایت غیر خدا صورت می‌گیرد و کسی که دارای عصیان است، دعا کردن از خداوند برایش بسیار سخت می‌شود.^{۶۱}

کسی که عبادت خالصانه دارد، نیازهایش را تنها به خدا عرضه کرده، از دعای خود خسته و افسرده حال نمی‌شود.^{۶۱}

۶۱. سوره مبارکه مریم آیات ۴، ۴۴ و ۴۵



دعا با شناخت نیاز، اظهار عجز از برطرف کردن نیاز و عرضه به بی‌نیاز شکل می‌گیرد. به طور طبیعی در این مسیر به علت و غرض دعا اشاره می‌شود یا از دل می‌گذرد.^{۶۳}

دامنه دعا به سطح و علت نیاز وابسته بوده و خلوص دعا به توجه و استمرار آن به حمید غنی بستگی دارد. دامنه دعا، با قلمرو عبودیت مرتبط بوده و خلوص دعا با نفی شرک ارتباط دارد. هر قدر وسعت دعا بیشتر باشد، قلمرو عبودیت نیز توسعه یافته و هر چه برائت از شرک شدیدتر، جدی‌تر، عمیق‌تر و با احساس‌تر شود، خلوص در عبادت بیشتر می‌شود.

فرازهایی که انبیای عظام علیه السلام در اقامه توحید از خود به جا گذاشتند، با دعا، نماز، برّ و نیکی به دیگران آمیخته است. در مقابل آن‌ها، فرودهایی است که توسط مردم غافل، شیطان رانده شده، مشرک و ضایع کننده نماز و نعمت اظهار شده است. عبادت، به هشیاری قلب است و می‌شود این هشیاری با دیدن آیه‌ای از قرآن اتفاق بیفتد.

انسان با اعراض از زشتی‌ها و بدی‌ها عبودیت را آغاز می‌کند. این شیوه برای رسیدن به خدا بسیار آسان و سریع است. اعراض از کارهای ناشایست، انسان را نزد خدا بزرگ کرده و به مومنان ملحق می‌کند.

اگر کسی بتواند دعای خالص خود از خداوند را جدا شدن از ناخالصی‌ها و نامرغوب بودن‌ها بگذارد، مسیر خود به خدا را نزدیک‌تر کرده است.

خداوند از بشر به ابراهیم بودن رضایت دارد، ولی ابراهیم بودن از مسیر اراده‌ی انسان پدیدار می‌شود.

انسان باید اراده‌ی ابراهیم بودن را بکند تا رضایت خداوند را به دست آورد.

آنچه در این بین خداوند اراده کرده، خلق اختیار ابراهیم بودن است که اگر به کار نگرفته شود، نمرودها پدیدار می‌شوند.^{۶۴}

کسی که به این اراده خدا بی‌اعتنایی کند، کافر می‌شود و از مسیر هدایت دور گشته، گمراه می‌گردد.^{۶۵}

خداوند از ظالمان غافل نیست و مقهور آن‌ها نمی‌گردد چون اراده او تحقق یافته است. ظالم در راستای اراده خداوند به اختیار خود اعتنا نکرده، لذا از مسیر هدایت خارج شده و قلمرو عبودیت خود را تنگ کرده^{۶۶} و دچار عذاب، آتش، سعیر و جهنم می‌گردد.^{۶۷}

۶۲. سوره مبارکه مریم آیه

۶۳. سوره مبارکه مریم آیه ۵

۶۴. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۰

۶۵. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۱۲

۶۶. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴۲

۶۷. سوره مبارکه ابراهیم آیات ۱۶ تا ۱۷، ۴۳، ۴۹ تا ۵۱



اندر باب دعا

دعا، پدیده‌ای است در اختیار آدمی که می‌تواند به وسیله آن در عالم، حکم‌های الهی را جاری کند.

دعا، خواندنی است که رحمت الهی را در وضعیت و موقعیتی خاص، متمرکز ساخته، آن را قابل مشاهده می‌کند.

دعا، جهد و کوششی است که برای دریافت رحمت الهی صورت می‌گیرد.

دعا، رفتارهای مضطربانه‌ای است که برای رفع پریشانی و استقرار ثبات و آرامش انجام می‌گیرد.

دعا، رفتارهای عاقلانه‌ای است که برای جلب رحمتی در قالب نعمتی یا ماندگاری رحمتی انجام می‌گیرد.

دعا، آن توجه، رو کردن و درخواست کردنی است که برای جلب منفعتی، برای رفع نیاز از بی‌نیاز صورت می‌گیرد.

دعا، متناسب با چیستی و چگونگی درخواست و منفعت، دارای تنوع می‌شود.

لذا دعا توانی است که خداوند به انسان عطا کرده است.

دعا، خواسته‌ای براساس نیاز است که از برطرف‌کننده نیاز، اجابت آن خواسته می‌شود.

برطرف‌کننده نیاز، می‌تواند برای اجابت خود شرط گذارد یا برای آن پاداش هم وضع کند.

بُرد دعا، در توان برطرف‌کننده نیاز است، هر قدر او توانمندتر باشد، ضمانت استجابت نیز بیشتر است.

هر قدر دارایی برطرف‌کننده نیاز بیشتر باشد، امکان دارا تر شدن‌ها به ازای نیاز بیشتر می‌شود.

هر قدر دعاکننده، برطرف‌کننده نیاز را بیشتر بشناسد، به قوانین اجابت او بیشتر آگاه باشد، قدرتش بر دعا بیشتر خواهد شد.

دعاکننده هر قدر به نیازهای خود بیشتر واقف شود و به ابعاد آن بیشتر آگاه گردد، خواسته‌اش بیشتر و دریافتش نیز افزون می‌گردد.

شناخت نیاز از یک سو و شناخت برطرف‌کننده نیاز از سوی دیگر، جنبه‌های دعا را برای فرد مستحکم‌تر و ضرورت حضور آن در زندگی را پررنگ‌تر می‌سازد.

اتصال دعا به نیاز، بیان‌گر این واقعیت است که انسان نمی‌تواند بدون دعا زندگی کند، ولی می‌تواند نیاز خود را به برطرف‌کننده نیاز حقیقی عرضه نکند.

لذا دعای هر انسان، محور توحید یا شرک اوست.

یعنی هر انسانی از ناحیه دعا موحد یا مشرک می‌شود؛ اگر نیازهایش را به خدای یگانه عرضه کند و از او اجابت بخواهد، موحد است و اگر از غیر خدا بخواهد، مشرک می‌شود.



این بدان دلیل است که نفع و ضرر، که پایه برآورده کردن نیازهاست، تنها در مالکیت خداوند قرار دارد.

با توجه به آنچه از دعا گفته شد، اصل و اساس دعا، لفظ و قول نیست. بلکه عملی است که به نیت و قصد اظهار نیاز انجام می‌شود.

آنچه از دعا در قول و لفظ می‌آید، جنبه اظهار اعتقاد و تسکین جان را دارد و نیز آموزش یا تلقینی برای اصلاح طلب‌ها و نیازهاست.

بدین ترتیب مومن موحد سعی می‌کند حال اصلی خود را در دعای خالصانه‌ای از خداوند قرار دهد و به هیچ وجه غیر خدا را در آن راه ندهد.

خداوند رحمتش را شامل همه مخلوقات و همه انسان‌ها کرده و به همه آن‌ها عطای حداکثری عنایت کرده است ولی از رحمت خود در مواردی خاص یاد کرده است که نشان از اهمیت آن موارد نزد خداوند است.

یکی از آن موارد وقتی است که بنده چیزی را صرفاً از خدا بخواهد. این خلوص در دعا از موارد خاص رحمت الهی است که آن را یاد کرده است.

دعای خالصانه از خداوند، اظهار نیازی است که طول زمان نتوانسته فرد را از اجابت آن ناامید کرده و نیز او را به غیرخداوند سوق داده باشد.

آنچه در معامله خداوند با بندگانش بسیار اهمیت دارد، این است که خداوند دعای آن‌ها را مستجاب می‌کند نه در ظرف زمانی خودشان، بلکه استجاب خداوند در ظرف زمان نمی‌گنجد.

مشکل نوع انسان این است که برای خداوند و استجاب او تعیین زمان می‌کنند.

از آن‌جا که انسان محصور در زمان و مکان است و نمی‌تواند آنچه خارج از این حصر را به راحتی بفهمد، درک استجاب خدا برای انسان قدری مشکل است.

شیوه دعا کردن، زندگی فرد را متحول می‌کند و هیچ بخشی از زندگی نیست که از دعا کردن خارج باشد.^{۶۸}

انسان‌ها باید از زندگی انبیاء، دعا کردن آن‌ها را به خوبی بیاموزند و از این وجه با آن‌ها هماهنگ گردند.

تدریج در فرایند استجاب به صورت مشخص برای فرد وجود دارد، تا نظام اسباب به یک‌باره فراموش نشود.

۶۸. سوره مبارکه مریم آیه ۴۸، ۴۹



تنوع استجابات متناسب با حکمت پروردگار و ظرفیت فرد به طور قطع وجود دارد و باید این تنوع را پذیرفت و با رویکرد حمد و شکر با آن برخورد کرد.

استمرار ذکر از دعا تا استجابات و تقویت آن بعد از استجابات با شکر و دعا، از نشانه‌های قبولی دعاست.

استجابات دعا، خود در شکل مولودی مبارک ظهور پیدا می‌کند و این‌گونه دعای خالص با دعای خالص دیگر متصل شده و هیچ‌گاه قطع نمی‌شود.

ابراهیم علیه السلام حجت حقی است که شیوه دعا کردن او باید شیوه دعا کردن همه انسان‌ها باشد.

هر انسانی باید به این باور برسد که خداوند در صورتی از او راضی می‌شود که هم دریافت کننده رحمت الهی باشد و هم جاری کننده آن و برای این دو باید برنامه داشته باشد.

این برنامه داشتن که طی اقدامات عملی صورت می‌گیرد، دعای عملی اوست، و البته باید بداند این یک نیاز اساسی و اصلی در زندگی اوست. از این رو باید این نیاز را شناخته، به آن اعتنا کرده و با اظهار نیاز به ربّ آن را آشکار سازد.

زکریا علیه السلام یکی از آن افراد است که خداوند با او، رحمت واسعه خویش را به یاد همه انداخته است.^{۶۹}

او دعای قولی و عملی را برای داشتن نسلی موحّد قطع نکرد. امید در او زنده ماند و برای به ارث رساندن ویژگی‌های کمالی خود به دیگری، نیاز خود را به پروردگارش عرضه کرد.^{۷۰}

کسی که طعم رحمت الهی را چشیده، دوام آن را باید به وسیله جاری شدن رحمت و توسعه آن جستجو کند و در این مسیر از هیچ تلاش و دعایی فروگذار نباشد.

اجابت این خواسته برای خداوند آسان است و داشتن این دعا به عنوان تکلیف و وظیفه فرد می‌باشد.^{۷۱}

۶۹. سوره مبارکه مریم آیه ۲

۷۰. سوره مبارکه مریم آیات ۳ تا ۶

۷۱. سوره مبارکه مریم آیات ۷ تا ۱۰



اندر باب شهود

خداوند رحمان یکی از فیوضاتی که به انسان عطا کرده، قدرت شهود اوست که به واسطه این قدرت می‌تواند حقایق جاری در خلقت را ببیند، همان‌طور که اشیاء را می‌بیند. این قدرت که در اثر پاکی از شرک و دوری از گناه فعال می‌شود، غایت و کمال انسان در مسیر هدایت است.

طبیعی است این قدرت از دسترس کسانی که عبد نیستند، خارج گشته و رفته رفته از آن دورتر و دورتر می‌شوند.

در واقع قدرت شهود انسان که خاموش می‌شود، گویی مشهود دیگری در او فعال می‌شود که دوست دارد بدترین باشد.

انسان باید بداند عاقبت عبد نبودن، چنین مسیر خطرناک و خطرناکی است که استمرار آن حتی تا قیامت هم ادامه دارد.^{۷۲}

این موضوع موقعی در دنیا بیشتر خود را نشان می‌دهد که فرد به قدرت و امکانات دنیایی هم دست یافته باشد.^{۷۳}

فردی که در طغیان است، با هر کجی و ظلمی ممکن است به امکانات و قدرت بیشتری دست یابد و طغیان مساوی با به دست آوردن امکانات و قدرت شود.

انبیای الهی برای خاموش نشدن قدرت شهود انسان، پا به میدان مبارزه گذاشته و جان‌های خود را در این راه فدا کرده‌اند.

علت این همه مجاهدات در این راه بدن دلیل است که قدرت شهود در انسان معادل دست‌یابی به قرب پروردگار است.

این قدرت به عبودیت، رنگ و بوی احساس و ودّ داده و آن را به انواع لذت‌های معنوی و طعم‌هایی که قرب‌آفرین‌اند مجهز می‌کند.

جریان رحمت بر بندگان با این قدرت قابل مشاهده است و خواستن آن و بیشتر شدنش منوط به فعال بودن چنین مشاهده‌ای است.

انسان با چنین قدرتی می‌تواند پیوسته سلام باشد و از آسیب‌ها و آسیب‌زدن‌ها مصون گردد.

نبودن این قدرت به معنای کورکورانه عبد بودن است که مورد رضایت خداوند نیست.

بودن این قدرت باعث تنوع در عبد بودن می‌شود و به همین دلیل هر بنده‌ای اسمی خاص در عالم پدیدار می‌کند.^{۷۴}

دفتر چهارم، در تاریخ ۲ آبان ۱۴۰۲، مصادف با ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

برگرفته از دست‌نوشته‌های استاد ارجمند، جناب آقای احمدرضا اخوت مدون گردید.

۷۲. سوره مبارکه مریم آیات ۶۸ تا ۷۲

۷۳. سوره مبارکه مریم آیه ۷۳ و ۷۴

۷۴. سوره مبارکه مریم آیه ۷



خاتمه

همه آنچه مکتوب شده است، مقدمه‌ای است برای رسیدن به نقشه‌ای کامل‌تر، در سطحی بالاتر و آن زمانی است که عبدِ خالص بتواند با بهره‌مندی از قرآن و عترت، ظرفیت نزول بیشتر حقایق را محقق کند و نه تنها سیاست‌گذاری‌های اجتماعی براساس موازین آیات الهی تنظیم شود، بلکه موحدان عالم، مدیران و نظام‌سازان اجتماعی باشند که در رأس امور قرار گرفته و به برکت حضور ایشان، تمام هستی ظرفیت پذیرش حقایق را یافته و موقعیت‌ها و شرایطی را خلق نمایند که نشدنی‌ها را شدنی و ناممکن‌ها را ممکن سازند.

به امید بهره‌مندی از تعالیم نابِ توحیدیِ ائمه اطهار علیهم‌السلام که در قالب ادعیه ایشان نمود پیدا کرده است.

صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا